

مملکت بر طبق مقررات این قانون مأخوذ دارد.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده نفیهم مقصود از اعتبار چیست اعتبار از کی بگیرند از مجلس بگیرند البته مجلس همه وقت حاضر است اعتبار بعد لیکن همین که گفتیم هر وقت اعتبار گرفت این کار را خواهد کرد دیگر از اعتبار خارج میشود

شاید تا دو سال دیگر هم دولت تقاضای اعتبار نکند اینست که آنوقت شروع باین عمل البته همین که مجلس شورای ملی اجازه داد وزارت مالیه که شروع به بیزی نماید لازمه اش خرج کردن است

کامه خرجش را هم تصویب کرده است علاوه بر این مانع و ضرری ندارد که البته یک ماده بیاورد مجلس مقدس و تحصیل اعتبار بکنند

معاون وزارت مالیه - اتفاقاً دید این جنه در ماده برای عجله بوده است که دولت برای اجرای این قانون داشته است و بدیهی است بدون داشتن اعتبار نمی توان این کار را بکنند و نظر باینکه مجلس و دولت همه متوجهند در اینکه این قانون زودتر بگذرد و هر چه زودتر هم موقع اجرا گذاشته شود از این جهت لایحه اعتبار این قانون هم زودتر تهیه و تقدیم مجلس خواهد شد و هیچ تأخیری هم در انجام این امر نخواهد شد بلکه عجله دولت زیاد تر است برای اینکه ابتلا در وزارت مالیه را جمع باین مسئله خیلی زیاد است و از این جهت لازم است این لایحه شود که هر چه زودتر این قانون موقع اجرا گذاشته شود

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - اعتراض بنده در این ماده همانست که آقای کازرونی فرمودند این قید پس از تصویب اعتبار بعینه بنده هیچ ازومی ندارد

گرچه حالا هم اینجا گفته می شود که لایحه اعتبارش تهیه شده و عنقریب هم تقدیم میشود ولی شاید لایحه را باین زودی تقدیم نکردند و ماند برای دوره ششم و بقول آقای شجاع از وزارت مالیه که شوال میگذرد بعد از شش ماه باز هم نمی آیند جواب بدهند این یک اعتراضی است

اعتراض دیگر بنده مراجع است باینکه همین نشده است که وزارت پس از تصویب اعتبار اجرای این قانون در ظرف چه مدت مکلف است شروع بیزی نماید و پس از دو سال کلیه مالیاتهای املاک اربابی و دواب را در تمامی مملکت بر طبق مقررات این قانون مأخوذ دارد

زیرا ممکن است تقاضای که صرف می کنند فوراً شروع نمایند ولی تقاضای که صرف نمیکنند بگذرانند برای سه ماه آخر این دو سال در خلال این دو سال هم یک نظریاتی پیدا شود و بعینه بنده اگر قید بوسیله امنا مالیه شروع باین عمل شود بهتر است والا اگر غیر از این ترتیب باشد آنوقت ممکن است دویزد چون صرفه ندارد و مالیاتش سنگین است تا آخر مدت هم شروع نکنند ولی در جوبن خراسان چون صرفه دارد فوراً شروع بکنند

این است که بنده معترضم اگر در تمام تقاضای مملکت یک مرتبه اوراق اظهار نامه را توزیع نمایند بهتر است

مخیر - دو اعتراض آقایان را جمع بیاورد بیست و یک داشتند یکی راجع بکلمه اعتبار که در اوراق اجرای قانون را تاملین کرده است اعتبار بنده لایحه ملاحظه کردیم که در کمیسیون هم بعضی آقایان برسانم تا بدانند دولت در این قسمت ذی حق است

در چندین قبل کفیل ملک کرماک که رئیس آن شعبه است در کمیسیون آمده بود و اظهار میکرد که اعتبارات سال هزار و سیصد و پنجاه و یک ما کفائی نیست برای اجرای این قانون و ما دویست هزار تومان لازم داریم برای اجرای این قانون در مملکت خوبست کمیسیون موافقت کند آن سالی که میزری شروع میشود تومانی ده شاهی و خرداری پنج اضافه بر مالیات ما بگیریم برای اینکه بتوانیم شروع به میزری کنیم و کمیسیون با این نظریه موافقت نکرد

گفتم چون در لایحه دولت این مالیات نبوده مانعی توانم یک مالیاتی باین نام در کمیسیون طرح کنیم و تعهیل کنیم مردم اگر دولت اینکار را پیشنهاد کرد و ارجاع شد بکمیسیون ما هم آنوقت نظریات خودمان را اظهار میکنیم در حقیقت کمیسیون این اعتبار تعلق کرد برای مجلس و لایحه را هم دولت در این خصوص پیشنهاد می کند ما اگر خواستیم رأی میدهیم نخواستیم رأی نمیدهیم و همینطور که دولت نسبت به مردم قوی است مجلس هم نسبت بدولت قوی است یعنی هر وقت میل دارد بخرق دولت گوش بکنند و هر وقت میل ندارد گوش نمی کند

اگر در این قانون بنویسیم که دولت اینکار را بکنند آنوقت پس از دو ماه دولت برای اجرای این قانون پول نداشته باشد این انتضاح است از این جهت این کلمه اعتبار لازم دانستند که در اینجا نوشته شود موافقت کردیم و گفتند چون دولت راجع باین موضوع عجله دارد لایحه را زودتر مبادود به مجلس و آقایان

و کلام که علامه هستند زودتر بآن رأی میدهند اما آنچه میزری که آقای یاسائی فرمودند طریق میزری هم مثل قانونگذاری ما است

ما خیلی علاقه داشتیم باین قانون ولی پنج سال است در شور دوم این قانون معطل اندامیم برای اینکه معایب و معظوراتی که در کشمکش ها پیدا شده است رفع شود

دولت هم اوراق اظهار نامه را ممکن است در روز اول در تمام مملکت منتشر کند ولی یک تحقیقات و رسیدگی هائی باید بشود یعنی پس از آنکه اوراق اظهار نامه منتشر شد اظهار نامه را که مالکین روی آن اوراق نوشته اند میدهند بدولت و دولت مقایسه میکند و می بیند اگر این اظهار نامه همانست که مالیات سابق ملاحظه را کسر نمی کند که فوراً اجرا میکند یعنی وقتی من تصدیق کنم و دولت ببیند که مالیات قلمی ملک من از قرارداد سه مسواقی است با مالائی که سال پیش میدادم این را دولت بدون تفتیش و میزری اجرامی کند ولی در تقاضای که عایدات کسری کند دولت مجبور است کمیسیون بفرستد و تحقیق و تفحص کند ببیند اظهار نامه موافق با واقع است یا مبالغه با واقع است

اگر موافق واقع است اجرا کند و خود این عمل که دولت تفتیش کند و میزری کند خودش دو سال طول میکشد و مانعی توانم بگوئیم بعضی از نقاط که اجرای سهل است آنها را هم عقب بیندازند که آخر دو سال همه جا مثل هم اجرا بشود

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی بنده یک پیشنهادی داده ام جمعی از نمایندگان هم مذاکرات کافی است

رئیس - چند فقره پیشنهاد از طرف آقایان رسیده است دایره بعضی کلمه اعتبار اجرا

(مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه اعتبار اجرای ماده ۲۱ حذف شود

رضوی - پیشنهاد آقای کازرونی و آقای نهرانی هم همینطور است همچنین پیشنهاد آقای دست غیب و آقای مهدوی پیشنهاد آقای شیروانسی هم عین همین است

آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده در کمیسیون هم مخالفت کردم با این کلمه و در اینجا هم مخالفت میکنم و علتش را هم آقای کازرونی و آقای یاسائی فرمودند دولت ممکن است

پیشهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام بفرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای مهدوی هم در همین زمینه است

مهدوی - بنده استدعا میکنم رئیس - آقای آقامیرزا محمدخان وکیل محالاً اگر می خواهید توضیح بدهید میرزا محمدخان وکیل اساساً وزارت مالیه در اینجا هم اسباب حجت برای خودش و هم اسباب سوءظن برای مجلس فراهم کرده

در اینجا اظهار میکنم (بمذا تصویب اعتبار اجرا) اگر چه آقایان توضیحات کامل دادند و لازم نیست که بنده مطالب آقایان را تکرار کنم ولی آنچه که بنده می فهمم شنیدم (مگر اینکه آقای معاون وزارت مالیه تکذیب کنند)

وزارت مالیه عمداً این لایحه را نیآورده و می خواهد بعد بیاورد برای اینکه یک مالیات دیگری از مجلس برای اجرای این قانون بگذرانند

میخواهند یک صدی از مالیات و یکتومانی ده شاهی از نقد باس اجرای این قانون لایحه تهیه کرده و در تحت دو ماده بمجلس بیاورند و بنده تصور میکنم مجلس حاضر نشود که یک مالیات دیگری برای اجرای این قانون وضع کند و بنده باینجهت پیشنهاد کردم (در ظرف دو سال) و بدون اعتبار اجراء و آن جمله ها ایشاده تصویب شود و اگر آقای مخیر هم این پیشنهاد بنده را قبول کنند تصور میکنم بهتر باشد

مخیر - من تصور نمیکنم هیچ مأموری را بدون اینکه اسباب اجرا بدست او بدهند امر بدهند که فلان کار را مثلا اجرا کند

دولت تا پول نداشته باشد چطور می تواند این قانون را اجرا کند

ماده ۲۱ - وزارت مالیه مکلف است در ظرف دو سال کلیه مالیاتهای املاک اربابی و دواب را در تمامی مملکت بر طبق مقررات این قانون مأخوذ دارد

حذف شده است

آقای میرزا محمدخان وکیل (اجازه)

میرزا محمدخان وکیل - بنظر بنده این پیشنهاد بایشتهاد آقای رضوی تلفظ دارد

رئیس - بنظر شما اگر پیشنهادتان باین پیشنهاد فرق دارد بعد باید توضیح بدهید (خطاب به آقای مخیر) عقیده کمیسیون چیست

مخیر - کمیسیون قبول نمی کند

رئیس - رأی گرفته میشود باین جهت که بود پیشنهاد آقای رضوی تلفظ دارد

بنده ماده ۲۱ را شرح ذیل پیشنهاد میکنم

ماده ۲۱ - وزارت مالیه مکلف است در ظرف ۳ ماه از تاریخ تصویب این قانون عمل میزری را مطابق این قانون شروع و اجرا نموده که پس از ۲ سال کلیه مالیات های املاک اربابی و دواب را در تمامی مملکت بر طبق مقررات این قانون مأخوذ دارد

رئیس - این پیشنهاد اضافه که دارد (در ظرف ۳ ماه است) آقای حشمتی (اجازه)

حشمتی - در جلسه اسبق که قانون میزری مطرح بود بنده راجع باین ماده یک پیشنهادی کردم قابل توجه شد و وقت بگیمسیون و این شکل را بخودش گرفته و برگشته است که بیشتر اسباب سوءظن بنده شده است

در اینجا ملاحظه فرمائید دولت در هیچ قانونی بنده سراغ ندارم که اعتبار اجرای این قانون را در همان قانون نوشته باشند یا یک مالیاتی را برای اجرای آن قانون بر مردم تحمیل نموده باشد این یک تکلیفی است برای دولت که معترضان همین کند و لایحه اش را بیاورد اینجا بگذرانند و اگر مقصود این است که وقت مجلس تلف شود (چنانچه بنده سال تلف شده است) و قانون میزری عملی نشود که پس از خوب ملاحظه می - والا باین ترتیبی که نوشته شده است با این کلمه پس از تصویب اعتبار ممکن است دولت تا ده سال دیگر این اعتبار را نیآورند و این قانون هم اجرا نشود

بنده در تمام قوانین یک چیز هائی می بینم که اگر بنا می شد قانون معاصیات عمومی ماده یازده و دوازده در این مملکت اجرا می شد نصف از بدبختی های مردم مرتفع می شد

حالا بنده کار به آنجا ندارم ولی برای عمل شدن این قانون بنظر بنده اینطور آمده است که پیشنهاد کرده ام که دولت مکلف باشد در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون شروع باجرا نماید و در ظرف دو سال خانه ها و دهنده آن اعتباری را هم که میخواهد از مجلس بگیرد لایحه اش را زودتر پیشنهاد کند و تصویب شود

بنابر این بعینه من این پیشنهاد عملی است و این اشکالی ندارد دولت می تواند هر وقت و هر ساعتی در این مدت لایحه اش را بیاورد و مجلس تقاضای تصویب آنرا بنماید دیگر بسته بنظر آقایان است

مخیر - دولت خودش معترف است باینکه تا اعتبار بنده نمی توانم این قانون را اجرا کنم و اگر هم تاده سال دیگر اعتبار بیاورده شود قطعاً اجراء خواهد کرد

بنابر این بعین ترتیبی که نوشته شده باید موجبات اجراء فراهم شود والا دولت اجراء نخواهد کرد

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای حشمتی آقایانی که با پیشنهاد ایشان موافقت قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای یاسائی (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۲۱ بیست و یک بنوع ذیل اصلاح شود:

وزارت مالیه مکلف است پس از تصویب این قانون در ظرف دو ماه شروع به میزری در تمام مملکت بنماید و پس از دو سال کلیه مالیاتهای املاک اربابی و دواب را بر طبق مقررات این قانون مأخوذ دارد

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - اگر آقایان بنا بر این گذاشته اند از نقطه نظر تجزیه که در نظر دارند باین پیشنهادها رأی ندهم ولی بنده ناچارم توضیح بدهم که وزارت مالیه معنا با این قانون موافقت نیستند زیرا خیالی می کند که پس از اجراء این قانون مالیات مملکت کمتر میشود و در صورتیکه مطابق عقیده بنده زبانت خواهد شد چون مأمورین وزارت مالیه که توضیحات با آقایان میدهند می گویند اگر این قانون اجرا شود مالیات کم میشود در صورتیکه ما هم اطلاعاتمان کمتر از مأمورین مالیه نیست و هر کس از محل خودش اطلاع دارد میداند که اگر مالیات مطابق این قانون گرفته شود حتماً دو برابر خواهد شد

برای اینکه مالیات از کل عایدات گرفته میشود علاوه از صیفی از شتوی از باغات تمام اینها مالیات گرفته میشود و اگر تمام اینها را در نظر بگیرند قطعاً مالیات دو برابر میشود ولی چون تصور میکنند مالیات کم میشود میخواهند اجرای این قانون را موکول کنند بصورت اعتبار که اعتبار را فردا بیاورند مجلس و همان طوریکه آقای وکیل فرمودند باس مالیات اجرا بکنند و این پنجمن و یک تومانی ده شاهی بگیرند و مجلس هم رأی نخواهد داد باین پیشنهاد دولت آنوقت میگویند چون مجلس رأی نداده با اعتبار ما هم اجرا نمی کنیم

این هم یک طرفه است برای اجرای این قانون و بالاخره ما تا گزیر هستیم که اجرای این قانون تا مین کنیم که این قانون بعد از یکی دو ماه در این مملکت اجرا شود و این مالیات های ظالمانه که سی و چهل سال است به همین ترتیب غیر عادلانه از مردم گرفته می شود تعدیل شود

روقتی هم اجرا شد البته اگر مالیات دولت کسر آمده باز باید پیش نهاد کنند بمجلس و یک مشور با دو مشور زیاد تر شود و هیچ مانعی هم ندارد

معاون وزارت مالیه - این که اظهار میشود وزارت مالیه موافق نیست با اجرای این قانون برای این که مالیات کسر میشود اگر بایستی از طرف وزارت مالیه یک کسی در این خصوص جوابی بدهد و آن شخص بنده هستم که بنده عرض می کنم در وزارت مالیه در این خصوص بنده چیزی نشنیده ام و اطلاعی ندارم و هیچ وجه در وزارت مالیه چنین چیزی گفته نشده و اتفاقاً این طرز وصول مالیات را خود بنده پیش نهاد کردم

خاطر معترض آقایان هست که لویایح اولیه مشرب بود و این طرز اخذ مالیات از کل محصول فکر خود بنده بود منتهی این است دولت یک مقداری اعتبار نظر گرفته بود بعد بمجلس چه صلاح دانست که از آن مقدار کمتر شود و بانه از ای شد که الان می بیند دین هم هیچ اسباب اندیشه نیست زیرا وزارت مالیه نمیخواهد بیش از آنچه که در این صورت هست و مجلس تصویب می نماید چیزی در بابت کند

اگر فرضاً پس از اجرای این قانون احساس کند که این مالیات کفاف نمی دهد یا معادل نمی شود با آن مالیاتیکه سابقاً دریافت میکردند است البته به سستی که نقصان پیدا کرده است با دلایلی بمجلس عرضه میدارد و لایحه تقدیم میکند و مجلس هم آنوقت آن اضافه را که وزارت مالیه پیشنهاد کرده تصویب خواهد کرد (و امیدواریم چنان چیزی هم پیش نیاید)

پس بنا بر این نسبت با اجرای این قانون از طرف وزارت مالیه نه تنها سوء نظری نیست بلکه با نهایت جدیت منتظر است که این قانون ارتصوب مجلس بگذرد و به تدریج شروع کند با اجرا زیرا اگر داخل و نزدیک اداره توجهی بشود یک مقداری ار کارهایی که مربوط می شود به این قانون میزری ما خورده خودده روی هم گذاشته ایم که این قانون زودتر از تصویب مجلس بگذرد

پس بنا بر این انتظار وزارت مالیه در تصویب این قانون خیلی باید زیاد باشد و بعینه بنده به مجردیکه این قانون گذشت دستور اجرای این قانون در تمام نقاط داده خواهد شد

منهی چنانکه مذاکره شد و توضیحاتی هم داده شد بدیهی است مادام که اعتباری برای اجرای این امر مضارح این کار لازم است در دست نیاید واضح است نمیتوانیم اینکار را اجرا کنیم

باین جهت است که مخصوصاً باین

بنده ماده ۲۱ را شرح ذیل پیشنهاد میکنم

ماده ۲۱ - وزارت مالیه مکلف است در ظرف ۳ ماه از تاریخ تصویب این قانون عمل میزری را مطابق این قانون شروع و اجرا نموده که پس از ۲ سال کلیه مالیات های املاک اربابی و دواب را در تمامی مملکت بر طبق مقررات این قانون مأخوذ دارد

رئیس - این پیشنهاد اضافه که دارد (در ظرف ۳ ماه است) آقای حشمتی (اجازه)

حشمتی - در جلسه اسبق که قانون میزری مطرح بود بنده راجع باین ماده یک پیشنهادی کردم قابل توجه شد و وقت بگیمسیون و این شکل را بخودش گرفته و برگشته است که بیشتر اسباب سوءظن بنده شده است

در اینجا ملاحظه فرمائید دولت در هیچ قانونی بنده سراغ ندارم که اعتبار اجرای این قانون را در همان قانون نوشته باشند یا یک مالیاتی را برای اجرای آن قانون بر مردم تحمیل نموده باشد این یک تکلیفی است برای دولت که معترضان همین کند و لایحه اش را بیاورد اینجا بگذرانند و اگر مقصود این است که وقت مجلس تلف شود (چنانچه بنده سال تلف شده است) و قانون میزری عملی نشود که پس از خوب ملاحظه می - والا باین ترتیبی که نوشته شده است با این کلمه پس از تصویب اعتبار ممکن است دولت تا ده سال دیگر این اعتبار را نیآورند و این قانون هم اجرا نشود

بنده در تمام قوانین یک چیز هائی می بینم که اگر بنا می شد قانون معاصیات عمومی ماده یازده و دوازده در این مملکت اجرا می شد نصف از بدبختی های مردم مرتفع می شد

حالا بنده کار به آنجا ندارم ولی برای عمل شدن این قانون بنظر بنده اینطور آمده است که پیشنهاد کرده ام که دولت مکلف باشد در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون شروع باجرا نماید و در ظرف دو سال خانه ها و دهنده آن اعتباری را هم که میخواهد از مجلس بگیرد لایحه اش را زودتر پیشنهاد کند و تصویب شود

بنابر این بعینه من این پیشنهاد عملی است و این اشکالی ندارد دولت می تواند هر وقت و هر ساعتی در این مدت لایحه اش را بیاورد و مجلس تقاضای تصویب آنرا بنماید دیگر بسته بنظر آقایان است

مخیر - دولت خودش معترف است باینکه تا اعتبار بنده نمی توانم این قانون را اجرا کنم و اگر هم تاده سال دیگر اعتبار بیاورده شود قطعاً اجراء خواهد کرد

را بنده برای تذکر عرض می کنم نظر باینکه دولت میخواهد زودتر قانون را به موقع اجرا بگذارد میخواهد در قانون اطمینان پیدا کرده باشد که اعتبار از طرف مجلس تصویب میشود و اتفاقاً مصکوس آنچه که در خاطر بعضی از آقایان است نظر وزارت مالیه به تسریع امر است

رئیس - عقیده آقای مغیر چیست؟ مغیر - کمیسیون قبول نمیکند رئیس - رای گرفته میشود پیش نهاد آقای یاسائی آقایانیکه قابل توجه میداند نیام فرمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشده پیشنهاد آقای شوشتری

(بشایسته ذیل قرائت شد)

بنده اصلاح ماده ۲۱ بیست و یک را باین ترتیب پیشنهاد میکنم ماده ۲۱ - وزارت مالیه مکلف است از اول فروردین ۱۳۰۵ شروع ممیزی نموده و اخذ مالیات از املاک ممیزی شده بر طبق این قانون نماید

و نیز مکلف است نامت در سال در تمام مملکت ممیزی را خانه دهد

شوشتری - گرچه آقایان از همان نظری که آقای یاسائی فرمودند چون تجزیه رادر نظر دارند شاید باین قسمت هم رای ندهند

بنده می بینم این توفیق بجهت اول است باین یوم اجات ؟ برای چه روز می آورند؟ آرزوی که تصویب اعتبار مخارج ممیزی میشود چه روزی است اعتبار قدر است این توفیق بجهت اول است

عقیده بنده بعد از این زحمت ها که کشیده شده بایستی وزارت مالیه از اول فروردین ۱۳۰۵ این قانون را بوقوع اجرا بگذارد

و در تمام املاک هم پس از ممیزی بر طبق این قانون مالیات اخذ کنونی دو سال هم مکلف است که این قانون را در تمام مملکت عملی کند و ممیزی را خانه بدهد

رئیس - عقیده کمیسیون چیست مغیر - قبول میشود

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای شوشتری آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد تقاضای تجزیه شده است رای گرفته میشود ماده ۲۱ - اولاً بدون کلاه اعتبار اجرا آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد نماینده رای گرفته میشود ماده ۲۱ با بودن جمله اعتبار اجرا آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد جمله اعتبار اجرا حذف شد ماده الحاقیه (بعضیون ذیل قرائت شد) مقصود از عایدات ماده اول نلت عایدات بدون آفت ۳ ساله اخیر ملک است

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عقیده ام اینست که این ماده مستلزم يك افراط و يك تفریط است که در نتیجه اولاً مالیات بکنواخت نخواهد شد ثانیاً باز یک طرف دیگر هائی متوجه مردم بشود از طرف دیگر نسبت به بعضی از املاک باز یک ضرر هائی متوجه بعضی دیگر شود چرا؟

میکوید ۳ سال اخیر ۳ سال اخیر بعضی املاک ممکن است زراعتش بدهنده باشد و بعضی املاک ممکن است خوب شده باشد

۳ سال اخیر را ما بدون اینکه تکلیف کنیم میخواهیم مدرک قرار دهیم بنده می بینم این عادلانه نیست و ظهراً افراط و تفریط است و این قانون یک قانون غیر عادلانه خواهد شد که از یک طرف برای مردم و از یک طرف برای دولت ضرر دارد و قابل جبران هم نیست

بنده خاطر دارم قانون وقتیکه اول بمجلس آمده بود منظور تصویب کرده بودند که سه سال عالی و دانی و متوسط در ظرف سه سال بعد از تصویب این قانون ...

عدل بعد از تصویب قانون؟ کازرونی - بلی - حالا در ظرف ده سال را زیاد می دانید پنج سال شش سال بگویند چنانچه آلی که زحمت کشیده اید در آنجا این قانون را نوشته اید اگر این نکات را منظور می داشتید این اندازه اشکال پیدا نمیشد که خود شما هم با مخالفین موافقت کنید چرا؟

برای اینکه این قانون طبیعی بمجلس نیامده حالا ده سال زیاد است پنج سال یا شش سال باشد اینمندی را هم که بنده عرض کردم پنج سال یا شش سال یا بیشتر یا کمتر برای اینست که ستوانی هست که چمن را آفت میزد آن سنوات را مستثنی کنند

آنوقت حتماً باین این سنوات یکسال های مادی دارد از آن سالها یکسال عالی و یکسال دانی و یکسال متوسط را در هم بگذارید و مالیات يك نلتش را بپردازید

آنوقت ده سال را هم که از این طرف با از آن طرف نوشته اید آفت زدگی را هم که در قانون ذکر کرده اید که تعقیف داده شود آنوقت این قانون عادلانه می شود اولاً بنظر بنده عادلانه نیست

بنده موافقت نمیکنم که کمیسیون محترم این نکات را که خیلی خیلی روشن و پستی با افتاد است چه طور نمیداند؟

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بعد از صورت مجلس يك صحبتی دارم رئیس - آقای دست قیام (اجازه)

دقت بفرمایید بعضی املاک در این ۳ سال اخیر عموماً زراعتشان بدهنده است نه اینکه آفت زده باشد اخیر

آفت زده است ولی بدهد است و يك قسمتهائی در این ۳ سال اخیر خوب بوده آنوقت ظلم بکسی شده که زراعتش خوب شده و باید جریبه بدهد که اتفاقاً ۷ سال پیش بدنبوده و ۳ سال اخیر خوب بوده و يك تعقیفات خیلی زیادی باید بکسی داده شود که ۳ سال اخیرش بدبوده و باقیش خوب شده

در هر صورت این قانون بمقتضای طبیعی نیست

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است و بملاوه عده هم برای رای گرفتن کافی نیست بعضی پیشنهاد هائی هم شده است راجع بدستور اضافه يك جلسه بر عده جلسات ولی چون عده کافی نیست میباید برای جلسه جلسه آتی بکشید ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر

دستور هم بقیه قانون ممیزی (مجلس نیست ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی مشاب منشی علی خطیبی جلسه ۲۳۵

صورت مشروح مجلس پنجم در ماه ۱۳۰۴ مطابق ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید صورت مجلس پنجم در ماه در ماه

آقای کس استون قرائت نمودند رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای میرزائی (اجازه)

میرزائی - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای ملک (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور

دست غلیب - قبل از دستور رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - قبل از دستور رئیس - آقای افسر (اجازه)

افسر - اگر نوبت رسید قبل از دستور رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در آن پیشنهادی که بنده عرض کردم راجع بتبصره چون آقای مغیر اظهار کردند که مقصود شما تأمین شده است که در واقع تعدیل مالیات اصناف باشد از این جهت بنده مسترد داشتم و اینجا مطلق نوشته شده است میخواستم این اظهاری که آقای مغیر کردند یعنی گفتند تأمین شده است درش باشد

رئیس - اصلاح میشود نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - چون امور اقتصادی در مملکت اهمیت مخصوصی دارد و مخصوصاً در دوره اخیر هم توجه نمایندگان ملت هم توجه عامه ملت با امور اقتصادی (خصوصاً امور عظیمه اقتصادی) خیلی زیاد است لهذا تصور میکنم ذی حق باشم که گمان کنم هر اظهاری که از طرف نمایندگان ملت در این باب بشود

مورد توجه مخصوص مردم در خارج توجه نمایندگان در مجلس میشود بنده نماینده ملت هستم و در دو جلسه قبل اظهارات بمناسبت يك لایحه قانونی کردم که تعلق با اقتصاد مملکت داشت و تصور می کنم که این اظهار (همانطور که اول عرض کردم) معجز توجه عامه می تواند واقع بشود و حالا آنرا صحیح تصور میکنم باقیم ولی بهر حال توجهی بآن میشود

این اظهار بنده عمده بقصد جلوگیری از تأثیر بعضی صحبت هائی بود که در این جا شده که اگر چه نیت گوینده ها یعنی ناطقین افراط نبوده است و شاید چنانکه تصور می کنم با من موافق بودند و هیچ مخالفتی هم در میان نبود

ولی طرز بیانات طوری بود که گمان کردم شاید آنها را تعبیر افراط کنند و باعث بعضی تأثیرات بشود که خود ناطقین هم می خواهند چون غالباً این ترتیبات موجب ضلالت عامه و باعث توایده مفاسد میشود

من اینطور تصور کردم و يك اظهار مختصری راجع بمطلب کردم

ولی خیلی تأسف دارم که بیانات من چه در مجلس وجه در خارج کاملاً مفهوم نشده یعنی نسبت به بعضی آقایان سوء تفاهم شده و بیشتر در بعضی جرائد آن را بطور غلط و معرف چاپ کرده اند وقتی در بعضی جرائد درست نقیض آنچه را که بنده اظهار کردم نوشته اند

اگر چه راه صحیح ترش این بود که صورت نطق را بنویسم و بیکی از روزنامه ها بفرستم و آن کار را هم کردم و روزنامه فرستادم و چاپ نشد لهذا چاره منحصر بقدر برای توضیح مطلب همین گرسی مجلس است بنده عقیده باین دارم که باید در میان ما يك روح تصاحبی باشد که بواسطه آن بتوانیم در هر طرف مطالب که در آن تبیین است مذاکره و شور کنیم و دلایل مخالف را بگوئیم و هر کس هم در باره مخالف عقیده خودش بحسن نیت و صمیمیت قائل باشد باین معنی که بنده بگویم فلان اینطور میگوید بدون اینکه اظهارات او را يك چیزیکه غیر از راه مستقیم و صحیح او است نسبت بدهم

ولی مجلس است میگذرد و از زیر نظر مجلسی ها رد میشود و دقت هائیکه لازم است در اربشود میشود آنوقت اگر دیدند که هیچ عیبی ندارد همانرا تصدیق میکنند و اگر يك جزئیات و چیز هائی در او هست دقتش را میکنند و تصویب میکنند و میروند

بنده تصور میکنم این عین عقیده آقایان دیگری است که در این باب صحبت کردند

اگر چه راه صحیح ترش این بود که صورت نطق را بنویسم و بیکی از روزنامه ها بفرستم و آن کار را هم کردم و روزنامه فرستادم و چاپ نشد لهذا چاره منحصر بقدر برای توضیح مطلب همین گرسی مجلس است بنده عقیده باین دارم که باید در میان ما يك روح تصاحبی باشد که بواسطه آن بتوانیم در هر طرف مطالب که در آن تبیین است مذاکره و شور کنیم و دلایل مخالف را بگوئیم و هر کس هم در باره مخالف عقیده خودش بحسن نیت و صمیمیت قائل باشد باین معنی که بنده بگویم فلان اینطور میگوید بدون اینکه اظهارات او را يك چیزیکه غیر از راه مستقیم و صحیح او است نسبت بدهم

ولی بدون مضرات سیاسی و اقتصادی که يك معسنتان عظیمه هم برای خود صاحب امتیاز داشته باشد

البته هیچکس بر ضد این نیست ولی چیزی که هست اینست که نظارت ملت در این باب شرط است و مجلسی که از طرف ملت انتخاب میشود باید همیشه در این باب دقت خودش را بکند

پس عقیده بنده اینست که اگر ما امتیازی بخارج می دهیم باید واضح و صریح باشد و البته نمیخواهیم در زیر پرده داخله بخارج امتیاز بدهیم برای اینکه بدانند امتیاز بخارجی هم ایرادی نداریم ولی بعد از دقت هائی که عرض کردم باید داده شود

پس اگر اینطور است میشود بخارج هم داد و بداخته هم داد آنوقت در این باب لازم است روح قانون را منطبق قرار داد نه لفظش را

یعنی اگر بیکراهی پیدا شود که از لفظ قانون بشود قرار کرد

و باین مملکت بلا شرط نباید و هیچ ایرادی هم نباید گرفت برای اینکه ترقی مملکت از این باب است و بنده نسبت باین بنده هم ضدیش ندارم

ولی شق سومی که بنده خارج قدر آن هستم این است که هر گاه سرمایه خارج باین مملکت بیاید نه تنها عیبی ندارد بلکه تشویق هم باید کرد سرمایه خارجی را جلب کرد

ولی يك چیزی در این باب لازم است و آن اینست که آن دروازه را که برای آنها باز میکنیم يك دروازه بانی هم بپولی آن دروازه داشته باشیم که مختصر دقتی هم بکنند این نعمت بزرگی است که بعد از سالهای سال و قرتها خداوند باین مملکت داده است که آن مشروطیت است

قانون اساسی این ضمانت را میکند که آنچه بملکت میآید از زیر پرده دروازه گذاشت

که اسمش مجلس است میگذرد و از زیر نظر مجلسی ها رد میشود و دقت هائیکه لازم است در اربشود میشود آنوقت اگر دیدند که هیچ عیبی ندارد همانرا تصدیق میکنند و اگر يك جزئیات و چیز هائی در او هست دقتش را میکنند و تصویب میکنند و میروند

بنده اینجا گفتم باید در راه بدهیم به سرمایه خارجی که باین مملکت بیاید ولی نمیخواهم این سرمایه استیلا داشته باشد این بود که بنده بمناسبت نطق هائیکه اینجا شد و بمناسبت ماده دوازدهم قانون راجع به امتیاز اصل السوس گفتم که اگر سرمایه بگویند آنکسی که این قانون را می نویسد میگوید چهل و نه درصد بخارج می شود داد و پنجاه يك درصدش را بداخله

اگر مقصود اینست که داخله همیشه سهمش بیشتر از خارج باشد و خارجها کثرت پیدا نکنند این کافی نیست برای اینکه به چندین جهت ممکن نبود این تأثیر را که ما می خواهیم از این قانون بگیریم

پس باید گفت آن قسمتی از سرمایه را می شود بخارج داد که نماینده چهل و نه درصد از آراء ما باشد برای اینکه ممکنست بیست درصد از سهام را بخارج داد و هشتاد در صد آراء ما داشته باشد زیرا ممکنست از صد سهم پنجاه تا شصت آنرا (الف) اسمش گذاشت و چهل تا را (ب) و در اسامنامه شرکت نوشت که سهام الف هر چهار تا يك رای و سهام ب سه تا يك رای دارد

ممکنست در اسامنامه نوشت (قانون که منع نمی کند) که رئیس سه رأی دارد

ممکنست اعلان شود چهل و نه درصد سهام بخارج داده میشود و پنجاه يك درصد بداخله و خارج چهل و سه سهم را بفرود و داخله یازده سهم را بفرود (ما که نمی توانیم کسیر امجور کنیم)

پس باید بگوئیم آن قسمت از سرمایه پرداخت شده که نماینده چهل و نه درصد از آراء در مجمع عمومی شرکت باشد متعلق با خود این عقیده بنده است که چهل و نه درصد را هم نباید گفت برای اینکه این يك فرمولی میشود که از حالا تا ده سال دیگر هر چیزیکه پیش می آید چهل و نه و دیگر چهل و هشت هم نمی شود

بنده در آن اظهاراتیکه عرض کردم و تصدی نسبت به بیچ کس و به بیچ موضوع معینی نداشتم ولی ما امروز نباید يك کاری را بکنیم مثل چیز هائیکه در آن زمان ها که ملت حق شراکت در امور نداشته اند

و دقت نداشته اند واقع شده است و ما آنرا نراده ایم و مقام فعلیت در بیاوریم مثل اینکه امروز واقع شده است یاد می آید در زمان مجلس اول یکی از کلاب نطقی کرد و گفت من ناصرالدین شاه را خواب دیدم و همانوقت از جیش يك کلاغ آبی را در آوردم گفت این را دیش ناصرالدین شاه بین داد و نداد منشی بخواند یکی از تماشای ها خواند آنجا نوشته بود در ۱۳۰۶ ناصرالدین شاه حکم کرد که امتیث مالی و

کمیسیون قبول میشود

رئیس - قابل توجه نشد تقاضای تجزیه شده است رای گرفته میشود ماده ۲۱ - اولاً بدون کلاه اعتبار اجرا آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد نماینده رای گرفته میشود ماده ۲۱ با بودن جمله اعتبار اجرا آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

بنده اینجا گفتم باید در راه بدهیم به سرمایه خارجی که باین مملکت بیاید ولی نمیخواهم این سرمایه استیلا داشته باشد این بود که بنده بمناسبت نطق هائیکه اینجا شد و بمناسبت ماده دوازدهم قانون راجع به امتیاز اصل السوس گفتم که اگر سرمایه بگویند آنکسی که این قانون را می نویسد میگوید چهل و نه درصد بخارج می شود داد و پنجاه يك درصدش را بداخله

اگر مقصود اینست که داخله همیشه سهمش بیشتر از خارج باشد و خارجها کثرت پیدا نکنند این کافی نیست برای اینکه به چندین جهت ممکن نبود این تأثیر را که ما می خواهیم از این قانون بگیریم

پس باید گفت آن قسمتی از سرمایه را می شود بخارج داد که نماینده چهل و نه درصد از آراء ما باشد برای اینکه ممکنست بیست درصد از سهام را بخارج داد و هشتاد در صد آراء ما داشته باشد زیرا ممکنست از صد سهم پنجاه تا شصت آنرا (الف) اسمش گذاشت و چهل تا را (ب) و در اسامنامه شرکت نوشت که سهام الف هر چهار تا يك رای و سهام ب سه تا يك رای دارد

ممکنست در اسامنامه نوشت (قانون که منع نمی کند) که رئیس سه رأی دارد

ممکنست اعلان شود چهل و نه درصد سهام بخارج داده میشود و پنجاه يك درصد بداخله و خارج چهل و سه سهم را بفرود و داخله یازده سهم را بفرود (ما که نمی توانیم کسیر امجور کنیم)

پس باید بگوئیم آن قسمت از سرمایه پرداخت شده که نماینده چهل و نه درصد از آراء در مجمع عمومی شرکت باشد متعلق با خود این عقیده بنده است که چهل و نه درصد را هم نباید گفت برای اینکه این يك فرمولی میشود که از حالا تا ده سال دیگر هر چیزیکه پیش می آید چهل و نه و دیگر چهل و هشت هم نمی شود

بنده در آن اظهاراتیکه عرض کردم و تصدی نسبت به بیچ کس و به بیچ موضوع معینی نداشتم ولی ما امروز نباید يك کاری را بکنیم مثل چیز هائیکه در آن زمان ها که ملت حق شراکت در امور نداشته اند

و دقت نداشته اند واقع شده است و ما آنرا نراده ایم و مقام فعلیت در بیاوریم مثل اینکه امروز واقع شده است یاد می آید در زمان مجلس اول یکی از کلاب نطقی کرد و گفت من ناصرالدین شاه را خواب دیدم و همانوقت از جیش يك کلاغ آبی را در آوردم گفت این را دیش ناصرالدین شاه بین داد و نداد منشی بخواند یکی از تماشای ها خواند آنجا نوشته بود در ۱۳۰۶ ناصرالدین شاه حکم کرد که امتیث مالی و

کمیسیون قبول میشود

رئیس - قابل توجه نشد تقاضای تجزیه شده است رای گرفته میشود ماده ۲۱ - اولاً بدون کلاه اعتبار اجرا آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد نماینده رای گرفته میشود ماده ۲۱ با بودن جمله اعتبار اجرا آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

بنده اینجا گفتم باید در راه بدهیم به سرمایه خارجی که باین مملکت بیاید ولی نمیخواهم این سرمایه استیلا داشته باشد این بود که بنده بمناسبت نطق هائیکه اینجا شد و بمناسبت ماده دوازدهم قانون راجع به امتیاز اصل السوس گفتم که اگر سرمایه بگویند آنکسی که این قانون را می نویسد میگوید چهل و نه درصد بخارج می شود داد و پنجاه يك درصدش را بداخله

اگر مقصود اینست که داخله همیشه سهمش بیشتر از خارج باشد و خارجها کثرت پیدا نکنند این کافی نیست برای اینکه به چندین جهت ممکن نبود این تأثیر را که ما می خواهیم از این قانون بگیریم

پس باید گفت آن قسمتی از سرمایه را می شود بخارج داد که نماینده چهل و نه درصد از آراء ما باشد برای اینکه ممکنست بیست درصد از سهام را بخارج داد و هشتاد در صد آراء ما داشته باشد زیرا ممکنست از صد سهم پنجاه تا شصت آنرا (الف) اسمش گذاشت و چهل تا را (ب) و در اسامنامه شرکت نوشت که سهام الف هر چهار تا يك رای و سهام ب سه تا يك رای دارد

ممکنست در اسامنامه نوشت (قانون که منع نمی کند) که رئیس سه رأی دارد

ممکنست اعلان شود چهل و نه درصد سهام بخارج داده میشود و پنجاه يك درصد بداخله و خارج چهل و سه سهم را بفرود و داخله یازده سهم را بفرود (ما که نمی توانیم کسیر امجور کنیم)

پس باید بگوئیم آن قسمت از سرمایه پرداخت شده که نماینده چهل و نه درصد از آراء در مجمع عمومی شرکت باشد متعلق با خود این عقیده بنده است که چهل و نه درصد را هم نباید گفت برای اینکه این يك فرمولی میشود که از حالا تا ده سال دیگر هر چیزیکه پیش می آید چهل و نه و دیگر چهل و هشت هم نمی شود

بنده در آن اظهاراتیکه عرض کردم و تصدی نسبت به بیچ کس و به بیچ موضوع معینی نداشتم ولی ما امروز نباید يك کاری را بکنیم مثل چیز هائیکه در آن زمان ها که ملت حق شراکت در امور نداشته اند

و دقت نداشته اند واقع شده است و ما آنرا نراده ایم و مقام فعلیت در بیاوریم مثل اینکه امروز واقع شده است یاد می آید در زمان مجلس اول یکی از کلاب نطقی کرد و گفت من ناصرالدین شاه را خواب دیدم و همانوقت از جیش يك کلاغ آبی را در آوردم گفت این را دیش ناصرالدین شاه بین داد و نداد منشی بخواند یکی از تماشای ها خواند آنجا نوشته بود در ۱۳۰۶ ناصرالدین شاه حکم کرد که امتیث مالی و

کمیسیون قبول میشود

رئیس - قابل توجه نشد تقاضای تجزیه شده است رای گرفته میشود ماده ۲۱ - اولاً بدون کلاه اعتبار اجرا آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد نماینده رای گرفته میشود ماده ۲۱ با بودن جمله اعتبار اجرا آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون
 هریض و مرخصی است راجع به مرخصی
 بیست و شش روزه آقای فرزند کمیسیون هم
 تصویب کرده است.
 (شرح ذیل قرائت شد)
 آقای فرزند نماینده محترم در موقع
 مسافرت خود بهمدان میلانکالت شده و
 در ۳۰ مهر کتباً تقاضای یک ماه اجازت نموده
 بودند.
 کمیسیون بعد از تحقیق هذر ایشان را
 موجه دانسته و تقاضای مرخصی ایشان را
 برای ۲۶ روز تصویب مینماید که ابتدای آن
 از تاریخ ۳۰ مهرماه است.
 شیروانی - این مرخصی سابقاً رد
 نشده ؟
 رئیس - غیر سابقاً تقاضای یکماه شده
 رد شده تصدیق کرده اند و کمیسیون بیست
 و شش روزه تصویب کرده است. رای گرفته
 میشود بیست و شش روز مرخصی آقای فرزند
 بطوری که کمیسیون تصویب کرده است
 آقایانی که موافقت قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد.
 (پیشنهادی از طرف آقای آقا شیخ
 فرج الله بمضمون ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم در اول جلسه به
 جای دونه رضو کمیسیون عدلیه (مرحوم
 شریعتمدار دامغانی و آقای داور) دوفتر
 دیگر انتخاب شوند. فرج الله
 رئیس - آقای ملافرج الله
 (اجازه)
 آفایشیخ فرج الله - البته خاطر آقایان
 مسبوق است که در وقتی که پیشنهاد انتخاب
 اعضاء کمیسیون عدلیه شد بنده عقیده ام این
 بود که هیچکس نفرماید ایراد کردند که
 مخالف است و بناظرنامه از این جهت عرض
 میکنم که امروز کمیسیون عدلیه مشغول یک
 کاری است که خیلی اهمیت دارد از جمله
 هیچ قانونی نوشته است (اشاره بقانونیکه
 درست داشتند)
 بنده هم یک اعتراضاتی نوشته ام از
 این جهت پیشنهاد می کنم که دوفتر قبلی این
 کمیسیون انتخاب شود تا بنده اعتراضات
 خودم را در آنجا عرض کنم و جواب اعتراضات
 من داده شود
 رئیس - بنده تصور میکنم بهتر این
 باشد که هر کول شود بجایه بعد و ضمناً
 آقایان تبادل نظری بکنند
 (گفتند صحیح است)
 رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی
 (شرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم یک ماده که از
 قانون رب السوس مانده است در اول دستور
 گذارده شود
 رئیس - آقای شیروانی
 (اجازه)
 شیروانی - یک ماده از این قانون مانده

است و خبرش هم از کمیسیون آمده است و
 یک رای هم گمان می کنم بیشتر نداشته
 باشد و بعد هم قانون میبزی مطرح
 می شود
 رئیس - آقای روحی
 (اجازه)
 روحی - بنده بفرزاد قانون میبزی یا
 هر قانونی ولو مفید بحال مملکت هم باشد
 اگر بخواهند فعلاً جزء دستور شود
 مخالفم.
 جمعی از نمایندگان - صحیح است
 رئیس - (خطاب به آقای شیروانی)
 بعد از تمام شدن قانون میبزی ممکن است
 تقاضای آنرا تجدید بفرمائید
 شیروانی - بلی باشد بعد از قانون
 میبزی.
 کفیل وزارت معارف - مطمئن فرانسوی
 مدرسه حقوق کثیر ایشان مقارن القضاء دوره
 پنجم منقضی می شود برای اینکه درسهای
 مدرسه معطل نماند دوفتر کثیرات آنها
 تقدیم شده است راجع بفرایشون و هس یک
 فقره دیگر هم راجع به سیدولایز که معلم
 آن مدرسه است تقدیم می کنم که اطف
 بفرمائید و زودتر تصویب شود
 رئیس - بکمیسیون بودجه جدید ارسال
 خواهد شد
 آقا سید یعقوب - بخارجه هم باید
 برود.
 سلطانی - بکمیسیون معارف
 رئیس - بسایر که بونها اگر لازم باشد
 ارجاع می شود
 (ماده الحاقیه اول قانون میبزی شرح
 ذیل قرائت شد)
 ماده الحاقیه اول - مقصود از عایدات
 ماده اول ثلث عایدات بدون آفت سه سال
 اخیر ملک است
 رئیس - در این ماده سابقاً آقای کازرونی
 مخالف بودند مخالفت خودشان را هم اظهار
 کردند ضمناً تقاضای ختم جلسه شده
 مذاکرات هم کافی شد
 آقای طهرانی
 (اجازه)
 آفایشیخ محمدعلی طهرانی - اینجا
 نوشته مقصود از عایدات ماده اول ثلث
 عایدات بدون آفت سه سال اخیر ملک است
 اصلاً معلوم نیست که بدون آفت یعنی چه
 معنی این است که کشت مطابق
 زمین باشد؟ آب هم مطابق آن کشت؟
 رعیت هم مطابق آب و کشت باشد؟
 اگر اینطور است که یکسال اخیر
 یا یک سال اول و یکسال وسط هیچ فرق
 نمی کند.
 مثلاً عایدات زمین ده خروار است
 یعنی یک خروار باید بکارند و ده خروار
 بردارند دونا گاو هم باید کار کند.
 چهار حله هم باید کار کند. آبش هم مثلاً یک
 سنگ است.

اگر این است میخواید سال اخیر
 باشد یا سال اول یا سال متوسط فرق
 نمی کند.
 بدون آفت یعنی چه؟ یعنی آب و زمین
 هیچ ننگند؟ رعیت هم کسر نشود؟ گاو مبری
 هم اتفاق نیفتد؟
 اگر این است مراد که این سه سال
 معنی ندارد پس همان یکسال کافی است
 وانگهی سه سال اخیر از چند سال سه سال
 اخیر از سنوات سابقه الی زمان آخر؟
 اگر سه سال اخیر قبل از میبزی است که
 ممکن است سه سال اخیر این ده اصلات تمام
 آفت داشته باشد و یک سال دیگر دو سال
 آفت داشته باشد و یکسال آفت نداشته
 داشته باشد و دو سال آفت نداشته
 باشد.
 پس بنا بر این عقیده بنده این است
 باید خمس پنج سال اخیر را میزان قرارداد
 ام از اینکه آفت داشته باشد یا نداشته
 باشد.
 جهت ندارد که دولت بدون آفت
 مالیات خودش را بگیرد اما مالک و رعیت
 باید اگر آفت آمد حتماً بدهد. دولت
 شریک از برای این ملک است نسبت
 بر رعیت و مالک چطور است وقتی که آفت
 آمد رعیت و مالک نمیرود؟ همچنین دولت
 هم نباید برود.
 بنا بر این باید عایدات پنج سال اخیر
 را ملاحظه بکنند که در این پنج سال
 اخیر چقدر مجموع عایدات این ملک
 است. پنج خروار است و آنوقت
 یک خسروار را میزان قرار دهند برای
 آن ملک و نسبت به آن یک خروار مالیات
 بگیرند.
 چون یکسالش کمتر است و دوسالش
 زیاد تر است مجموعاً خمس پنج سال اخیر
 را اگر میزان قرار بدهند نه صدمه
 بر رعیت می خورد نه صدمه به دولت والا
 ما اینجا ننشسته ایم که ممتد بزینم
 به صکله رعیت و بگوئیم چشمت کور شود
 باید بدی!!
 ما این کار را نباید بکنیم اگر
 دولت عایدش کم است صد پنج بگیرد.
 صد شش بگیرد. باید اینجا بگوئیم این
 عوایدیکه شش ماهی گردید کم است و صدمه
 نیم برای من کم است.
 باین دلیل و باین دلیل من باید
 صد پنج بگیرم آنسوقت و کلای ملت هم
 رای میدهند. برای اینکه دولت نباید بی
 بول باشد.
 شما وضع مالیات میکنید به کیفیتی
 که حتماً رعیت آفت را از عهد برآید
 و آنوقت سه سال اخیر را ماخذ قرار
 میدهید.
 این تقریباً مثنی است که از طرف وکیل
 خدمت بکله خود ملت بخواهد در این شکل

فلط است بنظر بنده پنج سال اخیر را
 باید قرارداد ام از اینکه آفت داشته باشد
 یا نداشته باشد.
 رئیس - لایحه ای که از طرف وزارت
 معارف تقدیم مجلس شد دارای نقائص است
 مثلاً ماده عادت کرده اند با کمال عجله
 لایحه را میآورند می دهند رعایت قانونیش
 را نمی کنند بنا بر این پس داده خواهد شد
 تا اصلاح شود و ثانیاً تقدیم مجلس شورایی
 بشود.
 مخبر - من استدعای کنم از نماینده
 محترم که سایر مواردیکه از تصویب
 مجلس شورایی گذشته مطالعه بفرمائید
 بعد اعتراض کنید که فعلاً در مجلس
 مطرح است.
 فرمایشات ایشان یکی راجع بافت
 بود که آن سالی که آفت وارد می شود
 چرا دولت مالیات میخواید؟ اگر جمش
 کم است بیاید صدی سه را صدی پنج
 کند.
 در یکی از مواد قبل که مادر جلسه پیش
 تصویب گردید پیش بینی سال آفت را کردیم
 که اگر در املاک عایدات نصف تنزل کند
 و در حیوانات ثلث تنزل بکنند تجدید میبزی
 میشود.
 در این ماده ملایم خواهیم مقیاس
 میبزی را بدست دولت داده ایم. دولت
 عایدات متوسط ملک را بخواهد تشخیص
 بدهد تا صدمه مالیات مطالبه نکند و اگر مادر
 اینجا پیش بینی نکنیم ممکن است دولت آن
 سال هائی که محصول خوب شده مقیاس
 قرار بدهد و صدی سه را نسبت آن سالیکه
 جنس بسیار خوب شده بوده است و مثلاً نیمی
 هفتاد تا بیست و نول آقای شوشتی نیمی دوهزار
 تخم شده بوده است حساب کند.

ما خواستیم جلوی این تندروی
 مأمورین مالی را بگیریم. خواستیم یکسال هالی
 یکسال دانی و یکسال متوسط را ماخذ قرار
 دهیم و دیدیم باز این مسئله تولید اختلاف
 می کند برای اینکه اگر خواسته باشیم
 میدانرا وسیع کنیم و یکسوم در ظرف
 ده سال اخیر یکسال عالی یکسال دانی و
 یکسال متوسط را رویم بریزیم و تنشرا
 مقیاس عمل قرار بدهند مالکین یا دفتر
 منظمی از عایدات ده سال پیش خود ندارند
 آنوقت مامور مالی فشار می آورد که تا شما
 صورت عمل ده سال پیش را نیاورید من
 نمی توانم تفتیش کنم. یا فلان کسار را
 بکنم.
 ولی سه سال اخیر قبل از میبزی اگر
 در دفتر ثبت شده باشد همان زارعی که خرمن
 را برداشته در سینه خودش ضبط است
 و می تواند بیاید بگوید و ما آن سه سال
 بدون آفت را هم بگیریم برای اینکه تکلیف
 آفت را در ماده هفده سابق که ماده
 دوازده قانون خواهد شد پیش بینی کرده بودیم
 و بدون آفت برای این گفتیم که اگر این

سه سال اخیر سه سال آفتی است سه سال
 دیگر را بگیرند که شش سال قبل از میبزی
 باشد یا اگر یکسالش سال آفتی باشد
 سه سال از چهار سال قبل از میبزی را ماخذ
 قرار بدهد.
 فرایده مندو این پیش نهادم از طرف آقای
 تقی زاده داده شده بود و در کمیسیون هم قابل
 توجه شد و تصور بنده واضعاً کمیسیون طریقه
 عادلانه ای است.
 جمعی از نمایندگان - این اکر ات کافی است
 رئیس - پیشنهاد آقای سهراب زاده
 (بمضمون ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم کلمه بدون آفت
 از ماده الحاقیه حذف شود
 رئیس - آقای سهراب زاده
 (اجازه)
 سهراب زاده - طوری که در این
 ماده نوشته شده است برعکس آن چیزی
 است که آقای مخبر می فرمایند ویرا که
 اگر بخواهند حد وسط عایدات را ببینند
 نباید این کلمه را داشته باشد.
 کلمه بدون آفت همانطور که آقای تهرانی
 فرمودند معنایش سه سال خوب است زیرا
 در هر مملکی اگر نیمی پنج تخم یا ده تخم
 هر طوری که عمل کند و آفت نداشته باشد
 این تازه سال خوب است وقتی که ما اینجا
 اسم میبریم سه سال بدون آفت یعنی سه
 سال اعلی. در این صورت بنده تصور
 نمیکم مالیاتی که از این کلمه بملک تعلق
 می گیرد رعیت بتواند بدهد و اگر بخواهیم
 سه سال قبل از میبزی فید کنیم باید این
 کلمه را نداشته باشد و بدو خوب
 و وسط زاری می بگریم معنی کند چقدر است و از
 آن قرار مالیات بگیرند. بنا بر این
 بنده پیشنهاد کردم و بدون آفت حذف
 شود.
 رئیس - آقای رضوی
 (اجازه)
 رضوی - اگر بنا باشد جمله (بدون
 آفت) نباشد باید آمیز می صورت خارجی
 پیدا نخواهد کرد و آن ماده هفدهم لغو
 خواهد شد
 چون ماده ۱۷ قزازی برای آفت
 گذاشته ولی بنده هم با این ماده مخالفم
 چون اغلب اهالی مملکت خود را مالکند و
 عایدات هر سه سال را نمیتوانند معین کنند
 و این ماده باید بطوری اصلاح شود اما نه
 آنطوریکه ایشان پیش نهاد کردند و این
 ماده را باید طوری اصلاح کنند که معلوم
 شود کدام سه سال است سه سال پیش
 پنج سال پیش ده سال پیش. همینطور سه
 سال معین کردن خیلی کار مشکل است.
 بنا بر این جواب ایشان را آن ماده ۱۷ میدهد
 ولی این ماده را هم باید آقای مخبر یک
 طوری درستش کنند والا پیشنهادی
 که ایشان دادند بعقیده بنده عملی
 نیست.
 رئیس - عقیده کمیسیون چیست

مخبر - کمیسیون نمیتواند قبول بکند
 برای اینکه تکلیف آفت را در ماده ۱۷
 معلوم کرده است و معلوم است سال سن
 خوردگی را دولت نمیتواند ماخذ قرار
 بدهد.
 رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه
 بودن پیشنهاد آقای سهراب زاده آقایانی
 که موافقت فرمایند.
 (عده قلیلی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد
 آقای نظامی
 (اینطور خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم در ماده الحاقیه
 اول عوض مقصود نوشته شود مدرك عایدات
 ماده اول الی آخر
 رئیس - آقای نظامی
 (اجازه)
 میرزا عبدالله خان نظامی - یک اصلاح
 عبارتی است چون اینجا نوشته مقصود
 از عایدات. بنده نوشته ام مدرك
 عایدات.
 رئیس - آقای مخبر
 مخبر - قبول نمیشود آن شکل بهتر فهم
 معنی است
 رئیس - رأی میگیریم یا مشرد می
 کنید؟
 نظامی - مسترد میکنم
 رئیس - پیشنهاد آقای وکیل
 (شرح آتی قرائت شد)
 پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه اول بشرط
 ذیل نوشته شود
 ماده الحاقیه اول - مقصود از عایدات
 ماده اول ثلث عایدات متوسط بدون آفت
 سه سال ملک است در ظرف شش سال اخیر قبل
 از میبزی
 رئیس - آقای وکیل
 (اجازه)
 وکیل - در اول که این قانون به مجلس
 آمد این ماده کلمه متوسط را داشت و
 بعقیده بنده باید در اینجا نوشته شود و در
 سایر لوایحی هم که دولت سابق میآورد
 این کلمه بود
 از این گذشته آقای تهرانی بیاناتی
 فرمودند که کاملاً حق با ایشان بود
 در این جا می نویسد در ظرف سه سال
 اخیر ملک این سه سال قطعاً اطلاع میشود
 بدارسال و بدارسال و یکسال قبل از آن
 ولی از کدام معلوم است که این سه سال تمامش
 آفت زده یا خوب بوده؟
 ممکن است که این سه سال اخیر قبل
 از میبزی که عبارت از پارسال و پارسال
 و یکسال پیش از آن باشد حاصلش بد
 باشد
 در آن موقع بضرر دولت تمام می
 شود یا ممکن است همه اش خوب باشد.
 آنوقت بضرر مؤدی مالیات تمام میشود و
 این عبارت خیلی صریح است اگر چه آقای

که اگر خسارت نصف رسیده رعایا مالکین
 حق دارند تقاضای تجدید میبزی کنند
 مملکت ایران ما کاملاً مستحضریم
 که بواسطه عدم اطلاع زارعین غالباً می
 بینیم دهات ده سال و پانزده سال
 همه اش در خسارت است و این خسارات هم
 کثیر اتفاق می افتد که به نصف عایدی
 برسد و غالباً یک ثلث خسارت وارد میشود
 و مالک باید در تمام این سنوات مالیات یک
 ثلث خسارت را بدهد.
 اینست که دولت باید ملاحظه این را
 بکند زیرا مالک تا عایداتش بنصف نرسیده
 حق تقاضای تجدید میبزی را ندارد و البته
 این خسارات بواسطه اینست که اسباب زراعت
 و فلاحستان کامل نیست پس رعایا و مالکین
 حق تقاضای تجدید میبزی برایشان پیدا
 نمیشود و ماده هفده هم این موضوع را
 تأمین نمی کند و اگر شما اینکار را بکنید
 همیشه مالک بدبخت در خسارت است که هیچ
 وقت هم حق تقاضای تجدید میبزی
 ندارد
 اما اگر همه انطوریکه آقای طهرانی
 فرمودند پنج سال اخیر قبل از میبزی
 باشد بهتر است و این را هم عرض میکنم
 به مقام ریاست که جزو آن پیشنهادم بشود که
 بیش از سته میبزی پنج سال و خمس آنرا
 معین کنند.
 بدون آفت هم اگر حساب کند آنوقت
 اگر هم ظلم باشد ظلم بسالمو به است و
 باز تا یک اندازه احرار واقع را بهتر کرده
 تا اینکه سه سال بطور مطلق باشد؟
 رئیس - آقای مخبر چه میفرمایند.
 مخبر - این نظری که میفرمایند بر خلاف
 نظر کمیسیون است.
 ما عقیده داشتیم هر قدر ممکن است
 مأمور دولت در حساب مالکین مردم کمتر
 دخالت کند و این جهت ما گفتیم دوسه سال
 اخیر بدون آفت را مدرك قرار دهیم. شما
 میفرمائید پنج سال
 حال حساب سه سال را باید بدهند
 آنوقت حساب پنج سال را و البته این بیشتر
 اسباب زحمت مردم خواهد شد از این جهت
 نمیتوانم قبول کنم.
 رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه
 بودن این پیشنهاد آقایان موافقت قیام
 فرمایند.
 (عده قلیلی برخاستند)
 رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای
 رضوی یک قسمتش مطرح میشود.
 (شرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه
 بر قرار ذیل اصلاح شود.
 سه سال متوسط از پنج سال اخیر بدون
 آفت.
 رئیس - فقط قسمت اول یعنی سه سال
 متوسط مطرح میشود. آقای رضوی
 بفرمائید؟

رضوی - آقای معیر فرمودند نظریه کمیسیون این است که مأمورین دولت که تراجم مؤدیان مالیات بشوند و حال آنکه مطابق این ماده که نوشته شده است بیشتر میشوند

برای اینکه هروقت از مالک راجع به سه سال قبل پرسند و بگویند میگویند آفت داشته مال پنجسال قبل را بگویند هم خورد مالکند و یک دفتر روزنامه هر شنبه ندارند که بتوانند همین کنند که مثلا دهسال پیش یا دوازده سال پیش چقدر عایدی داشته که آنوقت از روی آن سهسال را معین کنند

بنابراین عقیده من این است که همان طوریکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند سه سال از پنجسال بشود اینک سه سال مطابق و اگر سه سال مطلق باشد سی سال پیش را هم شامل میشود

بنابراین خوب است یک حدی داشته باشد که آن حد هم پنجسال باشد و آنوقت هم سه سال که بی آفت است آن سال را بگیرند بعد برای آفتش آن ماده هفده جبراش را می کند

مخبر - بنده تصور نمیکنم آقایان عبارت را بشکل دیگر معنی کنند ۲ سال اخیر یعنی ۳ سال قبل از منبیزی و خیلی واضح و روشن است که مقصود ۳ سال قبل از منبیزی است تکلیف آفت هم که در جای دیگر معنی شده

اما میفرمایند که سه سال از پنج سال اخیر را مآخذ قرار بدهیم بدون آفت خوب در این صورت مالک میگوید که این ۳ سالش بهتر است که مآخذ قرار داده شود دولت میگوید آن ۳ سال دیگر را مآخذ قرار بدهیم

اینست که اختلاف جدیدی حاصل می شود و ما این ۳ سال اخیر بدون آفت را بهتر و راحت تر فرض کردیم رئیس - قسمت ه سال که قابل توجه نشد

قسمت اول باقی میماند که ۳ سال متوسط باشد و اگر بخواهیم باین قسمت هم رأی بگیریم باقی ماده تناسب ندارد و نمیتوانیم رأی بگیریم چون بنویسد مقصود از عایدات امداد اول ثلث عایدات بدون آفت ۳ سال اخیر ملک است آقای

پنجسال که رد شد طهرانی - غیر پیشنهاد چهار سال مطرح شود (شرح ذیل خواننده شد)

بنده پیشنهاد بنام ماده العاقبه را باین طریق اصلاح می نمایم مقصود از عایدات ماده اول ربع عایدات بدون آفت چهار سال اخیر ملک است رئیس - آقای طهرانی (فرمایند)

طهرانی - چون آقای مخبر اعتراض فرمودند روی بگویند که پیدا کردن صورت حساب مشکل است اگر اینطور باشد پیدا کردن صورت حساب عایدی سه سال هم برای رعیت خیلی کار مشکلی است چه برسد به پنجسال

باینجهت بود که بنده پنجسال را پس گرفته و چهار سال را پیشنهاد کردم زیرا اگر در صورت حساب سه سال را پیدا کرد چهار سالش را هم پیدا میکند و اگر نماند سه سال را پیدا نکند که هیچ مثل اینکه غالباً رعایا یکری زمین دارند و میفروشند یکسری دیگر رسال بسال تغییر می کند

بهر صورت آنکه بنده چهار سال را معین کردم یک قدری بعد از نزدیک تر است از سه سال برای رعیت و آن اعتراض هم که آقای فرمودند که رعیت نمیتواند ایام متعادل سابق را معین کند که چقدر عایدی داشته است درست ولی وقتیکه سه سال را توانست چهار سال هم میتواند

پس ضرر ندارد که چهار سال باشد که یک قدری بیشتر بعد از نزدیک تر باشد حالانکه ما آقایان نظر عدالت خواهانه آقای مخبر قاضا می کنند که توجهی بحال رعیت بکنند یاخبر؟

مخبر - بنده ملک و علقه در این ملک ندارم و برای خودم نمیگویم نظر کمیسیون است و تصور هم می کردیم که عین مصلحت مانکنیم و رعایا هم همین ترتیب بوده است که تنظیم شده حالا اگر آقایان موافقت بکنند و سایر پیشنهادها را استرداد بکنند که این ماده بگذرد من این چهار سال را قبول می کنم

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی تصور میکنم دیگر موردی نداشته باشد معذرت می خواند

(شرح ذیل خواننده شد) بنده پیشنهاد میکنم که ماده العاقبه این طور اصلاح شود مقصود از عایدات ماده اول ثلث عایدات متوسطه بدون آفت سه سال اخیر خواهد بود

رئیس در ضمن پیشنهاد آقای رضوی تکلیف این پیشنهاد معین شد کازرونی - ایشان سال معین کرده بودند بنده ...

(صدای زنگ رئیس) رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی که آقای مخبر قبول کردند یک مرتبه دیگر خوانده میشود در رأی میگیریم (شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای امامی پیشنهاد تجزیه کرده اند نسبت به ماده العاقبه اول و اولی قابل تجزیه نیست امامی - ممکن است ماده العاقبه اول بدون آنکه بدون آفت رأی گرفته شود و بعد هم با کلمه بدون آفت

رئیس این اسش تجزیه نیست چون دو جزه نسبت در سابق که رأی گرفته میشد بواسطه این بود که پیشنهاد حذف می شد تجزیه منبیش این است که ماده را بدون قسمت بکنند رأی گرفته میشود و ماده العاقبه اول بطوریکه آقای مخبر قبول کردند آقایان موافقتین قیام فرمایند

(اغلب برخاستند) رئیس - تصویب شده ماده العاقبه دوم قرائت میشود

(شرح ذیل خواننده شد) ماده العاقبه دوم - قنوت بدون اراضی که آتش بصرف زراعت میرسد در عوض صدی پنج صدی سه خواهد پرداخت و اراضی که بوسیله آب خریداری زراعت می شود مالیات صدی سه را پس از کسر قیمت آب خواهد پرداخت

رئیس - آقای طهرانی (اجازه) طهرانی - موافقم رئیس - آقای وکیل میرزا محمد خان وکیل - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب آقا میرزا شهاب بنده برخلاف آقایانی که اینجا سنگ رعیت را بسینه میزنند می خواهم سنگ دولت را بسینه بزنم برای این که اینجا می بینم فرق گذاشته می شود بین رعیت و دولت و مالک و مجلس هم دولت است

همه یکی هستند هشت مجریه قوانین مملکتی اسمش دولت است و بایستی برای ادارات آنها هم مات یک مالیاتی بدهد و آن قوانین مالیاتی هم بایستی از مجلس بگذرد

حالا ماهی گفت و گو میکنم که دولت ها همچو گفته اند! خودمان میخواهیم برای اداره کردن مملکت یک وجهی را تهیه بکنیم و بندهم بآن کسانی که از طرف مجلس معین شده اند که مملکت را اداره کنند

پس بنابراین اینکه گاهی گفته میشود بر رعیت ظلم میشود و رعیت نمیتواند بدهد اینطور نیست این است که بنده با مالیات صدی ۳ که پیشنهاد شده بود اینها هم مخالفت کردم برای چه برای اینکه میدانم این قانون که از مجلس بگذرد و آن ماده هم که پیش بود که اعتبار اجرا خواستند و تصویب نشد بعد از یک مبلغ زیادی خسارت بدولت یعنی بملت

آنوقت نتیجه این میشود که خواهند گفت چون این مالیات صدی ۳ کفایت نمی کند یعنی مطابق مالیات سابق نمی شود

گاهی میشود که آب را اجاره میکنند از برای زراعت و بایستی قیمت اجاره آب را بدهند بآن صاحب آب و بنده یک

اضافه شود - حالا هم اینجا پیشنهاد کردند که قناتی که آتش بصرف زراعت میرسد عوض صدی سه ۳ خوانند داد بنده این را نمی فهمم

(همه نمایندگان) خوب آقایان مذاکرات خصوصی را بکنند بعد بنده عرض می کنم - قناتی که بصرف شرب میرسد صدی سه بدهند ولی قناتی که بصرف زراعت میرسد بایستی صدی ۳ بدهند یعنی چه آقایان در نظر داشته اند که آب های طهران را هم مثلا قطع کنند؟

چون آبی که الان طهران را مشروب میکنند باید صدی سه مالیات بدهد شاید وقتی که دید بصرف زراعت برسد صدی ۲ بدهد آنوقت آتش را ببرد و بصرف زراعت برساند آنوقت اهل شهر بی آب خواهند ماند

بلاخره اینها چون اصلاح جدید اولاده است در تنظیم آنها خیلی سستی هست یکی اینکه نوشته اند قنوت بدون اراضی که آتش بصرف زراعت میرسد در عوض صدی سه خواهد پرداخت

چند اعتراض باین جمله هست اول اینکه قنوت مالیات نبییرد از دیار بنویسند از قناتی که چطور هست صدی ۳ مانوژ خواهد شد آنوقت عوض صدی سه صدی ۲ خواهد پرداخت

کجای این ماده صدی سه بود که در اینجا ذکر شود؟ حالا در ماده اول نوشته اند قناتی که بصرف شرب میرسد بایستی صدی سه بپردازد چه ربطی باین ماده دارد در اینجا که ذکر می شود نبود که عوض صدی سه صدی ۲ بدهند

پس باید هر چه در ماده اول هست همه را استثناء کنند! در اینجا که هیچ ذکر می از صدی نیست که در عوض صدی سه صدی فلان بدهند! کدام صدی پنج صدی بنجی که در ذهن ما هست که در ماده اول بود که نوشته بودیم قناتی که آتش بصرف شرب میرسد! پس خوبست یک توضیحی در این ماده باشد که نوشته شود در عوض صدی سه که در ماده اول نوشته شده بود قناتی که آتش بصرف شرب میرسد اینها صدی ۲ بپردازند!

این طول و تفصیل را لازم ندارد در قنوت اخیر را بنده موافقت با اضافه شدن لفظ اجاره بعد از لفظ خریداری چون تمام آنها خریداری نمیشود

گاهی میشود که آب را اجاره میکنند از برای زراعت و بایستی قیمت اجاره آب را بدهند بآن صاحب آب و بنده یک

صفحه ۱۶۳۷

پیش نهادی هم کرده ام که در موقعش تقدیم خواهم کرد

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - مخالفم رئیس - آقای یاسانی یاسانی - مخالفم رئیس - آقای رضوی رضوی - مخالفم رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده یک قدری توجه بدهم نمایندگان محترم را بیک مسئله اساسی اینجا صحبت در سرد است و ملت نیست اساسی را که مادر تحت نظر گرفته ایم یک مسئله است و آن اینست که ثروت ایران امروز ناچار است از زراعت تامین شود که ایران صاحب ثروت شود و این فقر اقتصادی که در ایران هست بر طرف شود صنایع ما که مطابق با صنایع دول متدنه بکنند صادرات هم که نداریم و هر چه هست واردات است

پس باین جهت ناچار هستیم که نسبت بسنه زراعت بقدری که بتوانیم قوانینی وضع کنیم که آن قوانین ترقیه حال زراعت را بکنند قوت بدهد حال زراعت را و زراعت ما را جلو گیری نکنند بقدری که حتی بنده عقیده ام اینست آن لایحه که آمد بمجلس برای تأسیس بانک فلاحی و بعضی نظریات از این رفت بقدری جدید دارم که دولت از آن اخس اشیائی که پیش او عرضی است سرمایه قرار بدهد و بانک فلاحی را تأسیس بکند برای اینکه زراعت مانوسه پیدا بکند و گمان می کنم که خود نماینده محترم آقا میرزا شهاب هم متکرران مسئله نباشد

بعد از اینکه این اصل در نزد ما مطرح شد رماعقبه پیدا کردیم باین اصل که امروز همان قدری که فشار اقتصادی بما وارد شده ما هم فشار بیآوریم و از زمین استخراج منافع خودمان را بکنیم پس باید قوانینی وضع کنیم که آن قوانین قوت بدهد استفاده کردن ما را باین جهت می گوئیم آب را اگر برای تفریح و تفنن و جستن از قناتها بخواهند صدی پنج بدهند و اگر برای زراعت بخواهند چه ضرر دارد که صدی سه بدهند؟

این آب قنات را که میگیرند و از جلو خودشان میگذرانند و آن قناتها و حوضهای یک برنگراد است میکنند که جلو نظر ما آمده است و حواس همه ما را مغفل کرده است اگر برای آن بصرف بخواهند صدی پنج بدهند آقا اگر زمین آب را بخواهند ببرند و بصرف زراعت برسانند

صدی سه بدهند و نتیجه اش فوت دادن و تشویق بزراعت و فلاح است و آن وقت

صحرانوردی ما میدانند که در آن و مجلس همه پشتیبان آنها هستند و بیک روح خوبی تقویت می شوند اصل این ماده از روی این فلسفه تنظیم نشده پس چه عیب دارد قناتی که از برای شرب باشد برای تفریح و تفنن و گردش دادن در قناتها باشد که در واقع یک مغارح تجلی است صدی پنج باشد ولی وقتی که برای اصل زراعت و معیشت باشد آن صدی سه باشد

آقا اینک می فرمایند ما دولت تشکیل داده ایم و باید دولتها اداره کنیم بقدری دولت راه برای پیدا کردن ثروت دارد که ابتدا بکشور ما نچورده است خودش راهش را پیدا میکند و یکی دیگر اینکه گاهی آقای معارن محترم وزارت مالیه میفرمایند آقای مخبر و آقای آقا میرزا شهاب هم گاهی می فرمایند

ما مقصودمان این نبوده است که بخواهیم این قانون معیشتی را وضع بکنیم برای تکثیر مالیات

این قانون برای تبدیل مالیات است یعنی یک مالیات گرانی که بدون ترتیب و با افراط و تفریط بگیرند و یک دهاتی هیچ مالیات نمیداد و یک دهاتی که در زمان عباس میرزا یا در اوائل زمان ناصرالدین شاه فلان قدر مالیات برایش معین کرده اند و حالا آن دهات بایر شده و بکلی از بین رفته و یک دهات جدیدی تأسیس شده و هنوز از آن دهات خراب شده همان مالیات را می گیرند و از این دهات جدید هیچ نمی گیرند مادر واقع خواستیم تبدیل معیشتی بکنیم و نظر به تکثیر یا تقبل عوائد دولت نداشتیم

مجلس شورای ملی در نظر گرفت که مالیات را تبدیل بکنند در این بین هم متوجه باین نکته شد باید ترقی زراعت را هم تأمین کرد و این مواد بیشتر از روی این فلسفه است و مکرر هم این جا نمایندگان و یک روز هم آقای مدرس فرمودند که ما این قانون را می نویسیم بهست دولت بدهیم حق دولت این اندازه است که برود نگاه اگر ضرر کرد می آید اینجا می گوید صدی سه کم است صدی سه کنید ما هم بضررت عباس قسم رأی میدهم

پس امروز نظر من تبدیل است و نظر به تکثیر نداریم خیلی تمجب است ما و کلایه بنیم که تمام متوجه به تکثیر عایدات شده ایم! این خیلی چیز غریبی است هیچ متوجه باین مسئله نمی شویم که آب را بخواهند ببرند و بصرف زراعت برسانند وضع قوانین عدالت یک جانی دارد

روزنامه رسمی گهواره‌ها

حفظ کردن حقوق ملت یک جانی دارد و در این جا که نظر ما فلسفه تشویق زراعت است باید دقت کنیم و رأی بدهیم

هروقت هم دولت در بودجه اش تقصاتی پیدا کرد و ممکن است بیاید اینجا بگوید صدی ۳ کم است ما صدی چهار تصویب می کنیم در صورتی که بنده معتقدم که اگر تبدیل شود و از روی اصول و مواد معیشتی شود کم نیست بلکه زیاد هم هست

که هم باشد کجا رفته است از جیب مملکت ایران و رعایای ایران که بدون ترفه است یک قانون دیگر وضع می کنیم و با یک مفاش قانون دیگر از جیبشان بیرون می آوریم رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - آقای آقا سید یعقوب یک مقاماتی فرمودند که در بعضی قسمتهایش مخالفتی نداشت و اینجا هم هیچ مورد نداشت مثلا فرمودند بانک فلاحی درست کنیم در این قانون هیچ مورد ندارد! هیچ کس هم مخالفتی نیست چه ربطی باین دارد که یک کسی آبی دارد میفروشد و فروشد ما در اینجا برای دولت صدی سه مالیات قائل شده ایم اگر چه متخصص مالیه معتقدند که این صدی سه بخواهد بخارج بکنند نهایت است که ما گفته یک اساسی برای کار نگذاریم حالا می داریم می آئیم از زیرش می کشیم

خوبه برای زراعت بخیرند خواه برای باغ خواه برای آشنایین چه ربطی بفروشنده دارد کسی مانع زراعت شده میفرمایند از زمین باید استفاده کرد مانعش کیست

در کجاست در این قانون اگر صدی پنج گرفتیم استفاده از زمین از زمین می رود نمیفهم چه خراست میفرمایند زراعت را باید تقویت کرد تقویت زراعت باین است که اگر یک کسی آبی دارد میفروشد صدی سه از او بگیریم معنای تقویت زراعت همین است

بنده استدعا میکنم از رفقا و دوستان خودم یک چیزهایی که مربوط باصل موضوع نیست من بساط اینکه میخواهند مقصود خودشان را بفرستند بدهند ایراد نکنند باین بداند که ما هم میفهمیم

میفرمایند اگر چنانچه آب بخورند برود ما صدی پنج بگیرند بهتر است کجا در این قانون نوشته اند که اگر آب از قنات برد ما صدی پنج بگیریم و اگر قنات از زمین صدی سه بخواهیم حرف در این است که یک کسی آبی دارد میفروشد

استفاده آن شخص فقط از فروش آب است کسی هم که میخرد اگر برای باغ یا آشامیدن مردم باشد استفاده بش کمتر باشد بنده عرض می کنم نسبت بفروشنده این تبیض فلسفه ندارد دلیل ندارد این شخص فروشنده آب است و بنده هم هر چه فکر میکنم آب دومورد مصرف دارد یا

دوره پنجم

برای آشامیدن است یا برای فلاح است و باین سوای اینها که ما نداریم میفرمایند در قسمت آشامیدن صدی پنج بگیریم بدلیل اینکه ممکنست در بین تمام مردم یک کسی هم پیدا شود که از آب بعنوان قنات استفاده کند آقا اینها را که میشد برای نوشتن قانون مدارک قرارداد در یک مملکت باین وسعت فرض کنید ده نفر پیدا شود که قنات داشته باشند ما بایستیم این مدارک را برای نوشتن قانون قرار بدهیم

بنده گمان می کند ماده امدازوم ندارد در اینجا وارد شود زود اذیت دارد یک قسمت بگیریم اگر برای زراعت صدی سه بدهد

بنده عرض کردم که آقا برای زراعت و فلاح یا برای ساتین ما برای صیغی و اگر برای اینها نباشد برای آشامیدن است و بعد از این مالیات راجع بفروشنده آب است نه زارع و راجع بزارع نیست شما این تعریف را بکجا تائید می دهید؟ یک قسمت دیگر میفرمایند که اراضی که بوسیله آب خریداری زراعت میشود پول آتش را باید بدهد و کجاست مآخذ مالیات قائل شده ایم اگر چه متخصص مالیه معتقدند که این صدی سه بخواهد بخارج بکنند نهایت است که ما گفته یک اساسی برای کار نگذاریم حالا می داریم می آئیم از زیرش می کشیم

آقا شخص زارع می آید که دو هم زمینش میدهد دو بخش هم میبکند پول بخش اولی را موضوع می کنم شخص زارع منعت و مصلحت خودش را در این میبندد که آب بخرد

بسیار خوب صدی سه مالیات دادن دیگر گنجایش این را ندارد که این مستقیبات را هم برایش قائل شوند و اسباب کشک و زحمت قیامین زارع و مالک و دولت قرار بدهند که او برود اسنادی تهیه کند که در برج فلان لازم شد رفقا فلان قدر آب خریدم دادیم زراعت مصلحت خود را ببینند برود آب بخرد

زراعتش خوب شده و خدا باو صد خرواز جنس داد سه خروازش را بدوالت بدهد اگر نهاد هیچ بدوالت بدهد در هر صورت بنده عقیده ام این است که این ماده ماده زائد بود میورد است و خیلی هم متأسفم از این که باینجی که کمیسیون قوانین الیه در گذشته این قانون دارند مع ذلک خودشان اسباب تأخیر را فراهم می کنند

آقا سید یعقوب - بنده راجع بیانات آقای کازرونی عرض داشتم رئیس - بفرمایند آقا سید یعقوب - خود مجلس شاهد

است که بنده عنوان فواره را نخواستم و سبب قراربدهم خوب است مقام ریاست جلوگیری کند که کلمات بنده را سوء تعبیر نکنند کلمات بنده معلوم است نمیخواهم هو کنم و نه هوجی هستم بک قضایای را بنده عقیده داشتم و عرض کردم اینرا خوبست آقای رئیس جلوگیری کنند

رئیس - نظامنامه تکلیف را همین کرده است آنرا نیست که اگر نطق آقایان برخلاف واقع جلوه داده شود ناطق می تواند دفاع کند چنانچه می خواهد که توضیح دادید

مخبر - بنده لایحه برای مخالفین محترم یک تاریخ عرض کنم که قانع شوند در مجلس چهارم برای گذراندن مالیات املاک اراضی خیلی اصرار شده و دولت ها یکی بعد از دیگری آمدند و لایحه آن را پس گرفتند لایحه دیگری تقدیم کردند تا دولت آخری که در آن کابینه آقای ذکا المملک فروری وزیرالمالی بودند

در موقعی که شورتانی این لایحه بود آنرا استرداد کردند و در این دوره خودمان آمدیم و آنرا بعنوان طرح قانونی پیشنهاد کردیم و دولت بعد آمد و نظرش را اظهار کرد راجع باین اول این قانونی که مالیات اراضی را تشخیص میداد چندین دفعه بمجلس آمد و بکیسیون برگشت که آنرا اصلاح کنند بالاخره در سایه یک احساساتی توأمی بین مستخدمین امریکائی و دولت و مجلس پیدا شد که این ماده بگذرد

و باین احساساتی ماده گذشت و آن مطالعه عمیقی که این در تمام فقراتش بود عقیده بنده نشده بود و ما بعد بک زحمتی برخورداریم. حال آن ماده اول را میخوانم تا آقایان مسبق شوند

مالیات املاک اراضی • بفر از خالصجات انتقالی که بموجب قانون علیحده مشخص میشود بطریق ذیل اخذ خواهد شد

۱ - املاک - از کل محصول اعم از آبی و دیمی و باغات قبل از تقسیم صدی ده

ب - جنگل و مرتع - از عایدات مطلق مالکانه صدی ده

ج - طواحین و آببنک - از عایدات مطلق مالکانه - صدی پنج

د - از عایدات قناتی که بمصرف شرب میرسد صدی پنج

نظردولت هم همینطور بوده و الاوقات تصویر نگرفته که مالیاتش را سنگین تراز چشمه قرار دهند

چشمه علی در سال یکشاهی خرج تنقیه اش نمی شود صدی سه مالیات بعد دولتی بک قناتی که ممکن است نصف عایداتش صرف تنقیه اش شود صدی پنج بنده

البته عادلانه نبوده این بود که از روی احساسات خواستند این ماده زود بگذرد و از مجلس هم گذشت مام رای دادیم و معتقد برای خودمان هم هستیم

ولی در کمیسیون یک تبصره صورت ماده الحاقیه پیشنهاد شد و آن نظری هم که دولت داشته متانی بارانی که مجلس داده است نیست و آن اینست که آن قناتی که بمصرف شرب شهر میرسد ممکن است یک جنبه لوکسی و تجلی داشته باشد و یک چیزی اضافه بدهد و تماش هم که بمصرف خوردن نمیرسد

بعضی ها که میخواهند باغچه هایشان را گل کاری نکنند بک مالیات گل کاری هم میدهند از این جهت گفتند قناتی که باصطلاح آب زرخ نیست یعنی آبی است که زمین ندارد و میاید زمین و شادرا مشروب میکنند صدی سه بپردازد

آن اراضی که آب ندارد و باید اجازه کنند یا بخرند و از زمین محصول بردارند فلسفه ندارد که صدی پنج از آبی که اجازه کرده مالیات بگیرند و صدی سه هم از محصولی که از مزروع برداشته میشود مالیات بگیرند

یا فرض بکنیم که آب این مزروع مال زید و زمینش متعلق بعمر و است نصف عایدات را مالک آب میبرد و نصف دیگر را مالک زمین آنوقت آن کسی که مالک زمین بوده است و نصف عایدات را برد و تمام محصولش صدی سه داده است

در صورتی که نصف محصول را او برده و صدی شش مالیات داده و این ظلمی است نسبت بان هائی که پهلوئی قنوات زراعت می کنند و اگر صدی سه از محصول ملک بگیریم و از قناتی که آبش را خریداری می نمایند صدی پنج آنوقت صد هشت میشود

این بود که این ماده الحاقیه را بعنوان تبصره ماده اول در کمیسیون تنظیم کردیم که عرض آقایان برسانیم

این بود که این ماده الحاقیه را میتوان تبصره ماده اول در کمیسیون تنظیم کردیم که عرض آقایان برسانیم

مقام محترم ریاست اظهار کردند که چون ماده اول تمام شده تبصره هم نباشد به آن الحاق کرد ممکن است ماده الحاقیه باشد

بنده چون مخبر بودم و تنظیم مواد بعهده من بود این را بصورت ماده الحاقیه پیشنهاد کردم و این ماده الحاقیه که پیشنهاد شده یک مختصر اصلاح عبارتی هم لازم دارد و همان طور که آقای آقامیرزا شهاب فرمودند عبارت (موضوع صدی پنج) باید اصلاح شود ولی چون روز اول بعنوان تبصره نوشته شده بود اینطور نوشته بودیم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای کازرونی

آقایان پیش نهاد حذف ماده الحاقیه را کرده اند (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده الحاقیه دوم حذف شود

پیشنهاد دکتر آقایان - پیشنهاد داده است نیست و آن اینست که آن قناتی که بمصرف شرب شهر میرسد داشته باشد و یک چیزی اضافه بدهد و تماش هم که بمصرف خوردن نمیرسد

بعضی ها که میخواهند باغچه هایشان را گل کاری نکنند بک مالیات گل کاری هم میدهند از این جهت گفتند قناتی که باصطلاح آب زرخ نیست یعنی آبی است که زمین ندارد و میاید زمین و شادرا مشروب میکنند صدی سه بپردازد

آن اراضی که آب ندارد و باید اجازه کنند یا بخرند و از زمین محصول بردارند فلسفه ندارد که صدی پنج از آبی که اجازه کرده مالیات بگیرند و صدی سه هم از محصولی که از مزروع برداشته میشود مالیات بگیرند

یا فرض بکنیم که آب این مزروع مال زید و زمینش متعلق بعمر و است نصف عایدات را مالک آب میبرد و نصف دیگر را مالک زمین آنوقت آن کسی که مالک زمین بوده است و نصف عایدات را برد و تمام محصولش صدی سه داده است

در صورتی که نصف محصول را او برده و صدی شش مالیات داده و این ظلمی است نسبت بان هائی که پهلوئی قنوات زراعت می کنند و اگر صدی سه از محصول ملک بگیریم و از قناتی که آبش را خریداری می نمایند صدی پنج آنوقت صد هشت میشود

این بود که این ماده الحاقیه را بعنوان تبصره ماده اول در کمیسیون تنظیم کردیم که عرض آقایان برسانیم

این بود که این ماده الحاقیه را میتوان تبصره ماده اول در کمیسیون تنظیم کردیم که عرض آقایان برسانیم

مقام محترم ریاست اظهار کردند که چون ماده اول تمام شده تبصره هم نباشد به آن الحاق کرد ممکن است ماده الحاقیه باشد

بنده چون مخبر بودم و تنظیم مواد بعهده من بود این را بصورت ماده الحاقیه پیشنهاد کردم و این ماده الحاقیه که پیشنهاد شده یک مختصر اصلاح عبارتی هم لازم دارد و همان طور که آقای آقامیرزا شهاب فرمودند عبارت (موضوع صدی پنج) باید اصلاح شود ولی چون روز اول بعنوان تبصره نوشته شده بود اینطور نوشته بودیم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقایان پیش نهاد حذف ماده الحاقیه را کرده اند (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده الحاقیه دوم حذف شود

پیشنهاد دکتر آقایان - پیشنهاد داده است نیست و آن اینست که آن قناتی که بمصرف شرب شهر میرسد داشته باشد و یک چیزی اضافه بدهد و تماش هم که بمصرف خوردن نمیرسد

بعضی ها که میخواهند باغچه هایشان را گل کاری نکنند بک مالیات گل کاری هم میدهند از این جهت گفتند قناتی که باصطلاح آب زرخ نیست یعنی آبی است که زمین ندارد و میاید زمین و شادرا مشروب میکنند صدی سه بپردازد

آن اراضی که آب ندارد و باید اجازه کنند یا بخرند و از زمین محصول بردارند فلسفه ندارد که صدی پنج از آبی که اجازه کرده مالیات بگیرند و صدی سه هم از محصولی که از مزروع برداشته میشود مالیات بگیرند

یا فرض بکنیم که آب این مزروع مال زید و زمینش متعلق بعمر و است نصف عایدات را مالک آب میبرد و نصف دیگر را مالک زمین آنوقت آن کسی که مالک زمین بوده است و نصف عایدات را برد و تمام محصولش صدی سه داده است

در صورتی که نصف محصول را او برده و صدی شش مالیات داده و این ظلمی است نسبت بان هائی که پهلوئی قنوات زراعت می کنند و اگر صدی سه از محصول ملک بگیریم و از قناتی که آبش را خریداری می نمایند صدی پنج آنوقت صد هشت میشود

این بود که این ماده الحاقیه را بعنوان تبصره ماده اول در کمیسیون تنظیم کردیم که عرض آقایان برسانیم

این بود که این ماده الحاقیه را میتوان تبصره ماده اول در کمیسیون تنظیم کردیم که عرض آقایان برسانیم

مقام محترم ریاست اظهار کردند که چون ماده اول تمام شده تبصره هم نباشد به آن الحاق کرد ممکن است ماده الحاقیه باشد

بنده چون مخبر بودم و تنظیم مواد بعهده من بود این را بصورت ماده الحاقیه پیشنهاد کردم و این ماده الحاقیه که پیشنهاد شده یک مختصر اصلاح عبارتی هم لازم دارد و همان طور که آقای آقامیرزا شهاب فرمودند عبارت (موضوع صدی پنج) باید اصلاح شود ولی چون روز اول بعنوان تبصره نوشته شده بود اینطور نوشته بودیم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای کازرونی

آقایان پیش نهاد حذف ماده الحاقیه را کرده اند (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده الحاقیه دوم حذف شود

پیشنهاد دکتر آقایان - پیشنهاد داده است نیست و آن اینست که آن قناتی که بمصرف شرب شهر میرسد داشته باشد و یک چیزی اضافه بدهد و تماش هم که بمصرف خوردن نمیرسد

بعضی ها که میخواهند باغچه هایشان را گل کاری نکنند بک مالیات گل کاری هم میدهند از این جهت گفتند قناتی که باصطلاح آب زرخ نیست یعنی آبی است که زمین ندارد و میاید زمین و شادرا مشروب میکنند صدی سه بپردازد

آن اراضی که آب ندارد و باید اجازه کنند یا بخرند و از زمین محصول بردارند فلسفه ندارد که صدی پنج از آبی که اجازه کرده مالیات بگیرند و صدی سه هم از محصولی که از مزروع برداشته میشود مالیات بگیرند

یا فرض بکنیم که آب این مزروع مال زید و زمینش متعلق بعمر و است نصف عایدات را مالک آب میبرد و نصف دیگر را مالک زمین آنوقت آن کسی که مالک زمین بوده است و نصف عایدات را برد و تمام محصولش صدی سه داده است

در صورتی که نصف محصول را او برده و صدی شش مالیات داده و این ظلمی است نسبت بان هائی که پهلوئی قنوات زراعت می کنند و اگر صدی سه از محصول ملک بگیریم و از قناتی که آبش را خریداری می نمایند صدی پنج آنوقت صد هشت میشود

این بود که این ماده الحاقیه را بعنوان تبصره ماده اول در کمیسیون تنظیم کردیم که عرض آقایان برسانیم

این بود که این ماده الحاقیه را میتوان تبصره ماده اول در کمیسیون تنظیم کردیم که عرض آقایان برسانیم

مقام محترم ریاست اظهار کردند که چون ماده اول تمام شده تبصره هم نباشد به آن الحاق کرد ممکن است ماده الحاقیه باشد

بنده چون مخبر بودم و تنظیم مواد بعهده من بود این را بصورت ماده الحاقیه پیشنهاد کردم و این ماده الحاقیه که پیشنهاد شده یک مختصر اصلاح عبارتی هم لازم دارد و همان طور که آقای آقامیرزا شهاب فرمودند عبارت (موضوع صدی پنج) باید اصلاح شود ولی چون روز اول بعنوان تبصره نوشته شده بود اینطور نوشته بودیم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

خالص مالک عشر گرفتن اشکال دارد و گفتند بیائیم یک طریق دیگری پیدا کنیم که از عایدات خالص مالک عشر گرفته شده باشد اما از همین محصول برداشت کنیم

این بود که آمدند و اینطور زمین کردند که از همین محصول صدی سه بگیرند - حالا حساب میکنیم - عایدی رعیت را حذف می کنیم حق زراعت را جدا کنیم - حق آب و کاروا را هم جدا می کنیم بعد از اینکه این همه مخارج را جدا کردیم آنوقت آن چه عاید ارباب می شود سی و پنج خروار می شود و صد سیروانیم که عشر باشد از او میگیریم

این حسابی است که اغلب در اینجا کرده شده است ولی راجع بقانون میزی ما گفتیم از زمین محصولی که از زمین بیرون می آید باید صد سه و نیم بدوالت بدهد اما از اینکه آب ملکش اجاره باشد یا مال ارباب باشد یا مال زراعت باشد و اینطور گفته شد که قناتی که اراضی ندارد این ها را باید چه کرد

ما که نمی توانیم مالیاتش را از آن زراعی که در جای دیگر زراعت کرده بگیریم آنوقت آمدند حساب کردند - و صدی پنجاه برای مخارج قنات و صدی پنجاه عایدی خالص را معین کردند و گفتند اگر صدی پنج هم بدهد عشر عایدی خالصش را داده است و این هیچ ربطی بقنات رعیت ندارد

مثلا شاهزاده فرمانفرما در تهران قناتی دارد مقداری از آبش را خودش مصرف می کند و مقداری از آنرا ممکن است بفروشد - میگیرند وقتی فروخت از پول آن آب صدی پنج بدوالت بدهد

موضوع اینست و این هم هیچ ربطی بزراعت و مالک ندارد که در مالیات بدهد شاهزاده فرمانفرما مالیات آبش را می دهد آن زراعی هم که آمده است آب را خریده صدی سه مالیاتش را میدهد

حالا در اینجا مذاکراتی شد که باید رعایت رعیت و فلاح را کرد و به زراعت کمک کرد بنده در پیشنهاد خودم رعایت نظر به آقای آقا سید یعقوب را هم کردم که قسمت آخر همین ماده است یعنی مالیاتی که میخواهند از اراضی بگیرند آن اراضی که پولی در دستند و آب میخرند پول آب را موضوع کنند و از عایدی خالص همان صد سه و نیم را بگیرند این بود عقیده بنده دیگر بستم بنظر آقایان

مخبر - بنده فرمایشات آقایان از آخرش شروع میکنم و توضیح میدهم

آقا اسمی از فرمانفرما بردند - من مخالف نیستم که بک مالیاتی برای این قبیل متولین سلطنت از قبیل فرمانفرما و صارم الدوله ها بیاورند و از مجلس بگذرانند که

مخبر - بنده فرمایشات آقایان از آخرش شروع میکنم و توضیح میدهم

آقا اسمی از فرمانفرما بردند - من مخالف نیستم که بک مالیاتی برای این قبیل متولین سلطنت از قبیل فرمانفرما و صارم الدوله ها بیاورند و از مجلس بگذرانند که

مخبر - بنده فرمایشات آقایان از آخرش شروع میکنم و توضیح میدهم

آقا اسمی از فرمانفرما بردند - من مخالف نیستم که بک مالیاتی برای این قبیل متولین سلطنت از قبیل فرمانفرما و صارم الدوله ها بیاورند و از مجلس بگذرانند که

مخبر - بنده فرمایشات آقایان از آخرش شروع میکنم و توضیح میدهم

آقا اسمی از فرمانفرما بردند - من مخالف نیستم که بک مالیاتی برای این قبیل متولین سلطنت از قبیل فرمانفرما و صارم الدوله ها بیاورند و از مجلس بگذرانند که

آن ها باید سالی هزار تومان یا باید صد تومان یا ده هزار تومان مالیات بدهند

شیروانی - این را بنده مثل زدم والا مقصود خصوصی نداشتم

مخبر - اینها ربطی بموضوع بحث ما ندارد - ما آمدیم یک قانونی نوشتیم که از عایدات زراعتی که این عایدات بوسیله آب در زمین و بذر و کاروا عمل بیاید از این عایدات صدی سه مالیات بگیرند

ما اگر راجع بقناتی که خرج دارد یک تخفیفی منظور نداریم نسبت بچشمه - علی که بکشاهی مخارج ندارد لازم نیست یک تخفیفی منظور کنیم

حالا یک سرمایه داری تبتلی نکرده که از آب چشمه استفاده کند آمده است سرمایه اش را در این مملکت ریخته و ده فرسخ راه را کنده است و بکنکات ایجاد کرده است

حالا بگوئیم برای اینکه تراز همین چشمه های طبیعی نتوانست استفاده کنی و رفته قنات کنده چشمه کور شود بی صد پنج مالیات بده آیا این فلسفه دارد؟

بعلاوه اینجا هم یک چیزی است روشن وقتی زمین مال من باشد و آن مال زید آقا باشد و محصول که نمی دهد فقط یک محصول از زمین بر میدارند و موافق قسمت الف ماده اول این قانون از محصول این قانون زمین صدی سه بعنوان مالیات می گیرند من که مالک زمین هستم و آب خریده ام یا اجاره کرده ام باید صدی سه بدهم و این هم که بمصرف این زراعت رسیده آنرا هم صدی پنج مالیات ازش مطالبه می کنند

باید یک طریقی تقسیم کنید که آن آبی که بمصرف زراعت میرسد یک مالیات سنگینی برش تحمیل شود و بنده باین نظر نهاد آقا کاملاً مخالفم و کمیسیون هم نظر موافقی ندارد و فرمایشی هم که آنرا فرمودند که این ماده خودرو است و در کمیسیون سیزده

بلی اعضاء کمیسیون هم وکیل هستند و مثل سایر و کلا که حق دارند هر چه به نظر خان میرسد پیشنهاد کنند آن ها هم حق دارند از این قبیل پیشنهادهای بکنند از آنها که این حق سلب نشده

بعلاوه این پیش نهاد از طرف آقای سهراب زاده بکمیسیون آمد و اعضاء کمیسیون هم نظر موافق نسبت باین ماده داشتند و این ماده را تصویب کردند

شیروانی - مجدداً پیش نهاد بنده قرائت میشود

(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس رأی نمی گیریم باین توجه بودن پیش نهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

مخبر در ضمن توضیحاتش اشاره فرمودند که در آن ماده نوشته شده است قنات صدی پنج این شامل

مخبر در ضمن توضیحاتش اشاره فرمودند که در آن ماده نوشته شده است قنات صدی پنج این شامل

مخبر در ضمن توضیحاتش اشاره فرمودند که در آن ماده نوشته شده است قنات صدی پنج این شامل

مخبر در ضمن توضیحاتش اشاره فرمودند که در آن ماده نوشته شده است قنات صدی پنج این شامل

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) معارف وزارت مالیه - لایحه است راجع بتمسک کثرت موسیو مولیتر رئیس گمرکات برای مدت یکسال - تقاضای یکصد هزار تومان اعتبارات از محل سره جوئی برای مخارج جشن جلوس و جشن های تاجگذاری اهل حضرت همایونی برقراری ماهی سی تومان در باره وراثت یک نفر از مستخدمین است که فوت کرده تقدیم میشود

رئیس - بکمیسیون های مربوطه ارجاع خواهد شد پیش نهاد آقای یاسائی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده ماده الحاقیه دوم را بنحو ذیل پیش نهاد میکنم

ماده الحاقیه - قنات بدون اراضی که آبش بمصرف زراعت میرسد صدی سه و رودخانه و چشمه ها که بدون اراضی است و بمصرف مزبور می رسد صدی پنج خواهد پرداخت و اراضی که بوسیله آب خریداری و استجاری زراعت می شود مالیات صدی سه را پس از کسر قیمت آب خواهد پرداخت

یاسائی - در این ماده بنظر بنده واضع است که باید اصلاح شود بکمی از آن نواقص را آقا میرزا شهاب اشاره فرمودند

در اینجا نوشته است - اراضی که به وسیله آب خریداری زراعت می شود پس از کسر قیمت آب مالیات را خواهد پرداخت

در اینجا نوشته است - اراضی که به وسیله آب خریداری زراعت می شود پس از کسر قیمت آب مالیات را خواهد پرداخت

در اینجا نوشته است - اراضی که به وسیله آب خریداری زراعت می شود پس از کسر قیمت آب مالیات را خواهد پرداخت

در اینجا نوشته است - اراضی که به وسیله آب خریداری زراعت می شود پس از کسر قیمت آب مالیات را خواهد پرداخت

در اینجا نوشته است - اراضی که به وسیله آب خریداری زراعت می شود پس از کسر قیمت آب مالیات را خواهد پرداخت

در اینجا نوشته است - اراضی که به وسیله آب خریداری زراعت می شود پس از کسر قیمت آب مالیات را خواهد پرداخت

در اینجا نوشته است - اراضی که به وسیله آب خریداری زراعت می شود پس از کسر قیمت آب مالیات را خواهد پرداخت

رودخانه ها و چشمه سارهایی که زمین ندارند نمیشود برای اینکه مادر قمر چهارم این ماده نوشته ایم از عایدات قناتی که بمصرف شرب میرسد صدی پنج و اشاره بر رودخانه ها و چشمه سارها نکرديم و خواستیم بکمی با سابق جاهاییکه مالکش هم آب دارد هم زمین و تقاطعی که فقط آب آنها دارد با زمین دارد

این فلسفه در قسمت قنات هم در این ماده هم در ماده اول رعایت شده است ولی در قسمت رودخانه ها و چشمه سارها رعایت نشده و بنظر من اگر نوشته شود رودخانه ها و چشمه سارها که زمین ندارد صدی پنج بدهد و قنات صدی سه بدهند بهتر است این بود که اینطور پیشنهاد کردم

رئیس - ذکر کلمه (و غیره) بعد از کلمه (زراعت) ماده اول را متنازل میکنند قسمت دال میشود که نوشته است از عایدات قناتی که بمصرف شرب میرسد صدی پنج در پیشنهاد ایشان نوشته شده است از عایدات قناتی که آبش بمصرف زراعت غیره میرسد

از این جهت قسمت دال را متنازل می کنند

مخبر - آن قسمت استیجاب را ممکن است قبول کنم چون نظر کمیسیون هم همین بوده است

عبارت ماده را کافی می دانسته و نسبت بقناتی است که آبش را بفروشد یا با اجاره بدهد و آن پول را مالک میدهد چه بعنوان اجاره یا بشخص بیخون خریداری باید کسر شود

حالا اگر آقا کافی نمی دانند ضرر ندارد که بعد از کلمه خریداری یا اجاره هم نوشته بشود و بنده قبول میکنم

رئیس - آن یک قسمت از پیشنهاد است

رای گرفته می شود باین توجه بودن پیشنهاد

پیشنهاد آقای یاسائی اگر استیجاب را قبول میکنند بنده بقیه اش را استرداد میکنم

رئیس - در کجا باید اضافه شود؟

مخبر - سطر ما قبل آخر بعد از عبارت بوسیله آب خریداری باید اضافه شود (اجاره) آنوقت عبارت این شکل می شود

قنات بدون اراضی که آبش بمصرف زراعت میرسد در عوص صدی پنج صدی سه خواهد پرداخت و اراضی که بوسیله آب خریداری یا اجاره زراعت می شود مالیات صدی سه را پس از کسر قیمت آب خواهد پرداخت

رئیس - (خطاب بمخبر) اینطوریکه اصلاح کرده اید پیشنهاد نشده است

پیشنهاد ایشان اضافه کلمه استیجاری بود بعد از خریداری
مخبر - بلی بنده هم قبول کردم
رئیس - عبارت اینطور می شود که
بوسیله آب خریداری با استیجاری زراعت می شود

مخبر - بلی
رئیس - آقای آتامیرزا شهاب اصلاح عبارتی پیشنهاد کرده اند
(باین مضمون خوانده شد)

مالیات فنوات بدون اراضی که آبش بمصرف زراعت میرسد علاوه بر مصرف صدی نیم معارفی صدی سه خواهد بود و از اراضی که بوسیله آب خریداری با استیجاری زراعت میشود مالیات صدی سه پس از کسر قیمت یا اجاره آب مأخوذ خواهد شد

مخبر - قبول میکنم
رئیس - شدام باک را قبول می کنید؟

مخبر - همین را که خوانده شد قبول می کنم
رئیس - در قسمت آخرین پیشنهاد هم باید کلمه نیم علاوه شود و عبارت اینطور میشود:

وزارت اراضی بوسیله آب خریداری با استیجاری زراعت میشود مالیات صدی سه و نیم پس از کسر قیمت یا اجاره آب مأخوذ خواهد شد

(بشرح ذیل خوانده شد)

مالیات فنوات بدون اراضی که آبش بمصرف زراعت میرسد علاوه بر صدی نیم معارفی صدی سه خواهد بود و از اراضی که بوسیله خریداری با استیجاری زراعت می شود مالیات صدی سه و نیم پس از کسر قیمت یا اجاره آب مأخوذ خواهد شد

رئیس - آقای عدل فرمایشی دارید؟

عدل - با اضافه کردن نیم مخالفم
رئیس - این را در تبصره ماده اول رای دادید

این اصلاح آن است خوب است بماده اول و تبصره دوم آن مراجعه فرمائید - یک دفعه دیگر هم قرائت می شود

(مجدداً بمضمون ذیل خوانده شد)

مالیات فنوات بدون اراضی که آبش بمصرف زراعت میرسد علاوه بر مصرف صدی نیم معارفی صدی سه خواهد بود و از اراضی که بوسیله آب خریداری با استیجاری زراعت میشود مالیات صدی سه و نیم پس از کسر قیمت یا اجاره آب مأخوذ خواهد شد

رئیس - رأی گرفته میشود باینماده الحاقیه دوم شرحی که خوانده شد آقایانی

که تصویب میکنند قیام فرمایند (اقلب قیام نودند)
رئیس - تصویب شد
ماده الحاقیه دیگر پیشنهادی آقای افسر قرائت میشود
(شرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه - هیچیک از فقرات و مواد این قانون در هیچ نقطه نباید اجرا شود مگر اینکه مطابق این قانون تمام آن محل میزبانی شده باشد

انسر - حشمتی
افسر - البته آقایان ملاحظه فرموده اند هر قانونیکه تصویب میشود برای یک احتیاجاتی است که در مملکت پیشتر بیاید و در این چند سال همه تان کاملاً مصوبید که خیلی ارقوایی از مجلس گذشته و آن وقت ۱۰ ماده باشد ماده اش که بضرر و لاین وزیر یادولت خوب بود آنرا اجرا کرده اند

پس این نسبت سابق زیادت در شاد اجرا نند و اگر کسی آمد صبر کنند تا دو سال تمام شود
مخبر - اگر نظر آقایان باشد ماده ۲۰ راپرت سابق تقریباً همین نظری را که آقا اظهار کردند داشت که هر ایالت ولایت که میزبانی میشود اگر مجموع عایداتش نسبت سابق زیادت در شاد اجرا نند و اگر کسی آمد صبر کنند تا دو سال تمام شود

مخبر - برای همت تا آخر ده می فروشید یابرای سرقتم و مداد و لچو سنگهای لب حوض میدان نوبخانه این ها را بمنافصه یا مزایده میکمارند
رئیس - آن ماده یازدهم که اگر کسی مالیات بگیرد و آن مالیات از تصویب مجلس گذشته باشد در مقام سرقتم اموال دولت است باید عمل اعتنائیست

چندین سال است که مدت مالیات تعدید تمام شده
یعنی از ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶ تمام شده و هیچ پیشنهادی هم راجع به این موضوع بمجلس نیارده اند معاهد معمول است و این ماده اجرا نشده و همچنین ماده کراجح بدباع و رود است برخلاف صریح قانون پول می گیرند و چون این خلاف قانون را در دست می گیرند بنا بر این بنده پیشنهاد کردم در این قانون میزبانی که بعد از چهار سال دارد میکندد یک نگرانی بکنند که اسباب زحمت مردم نشود

رئیس - برای اینکه ممکن است در یک نقطه بینند کوسفندش منفعت بیشتر را در برورد و کوسفندش را میزبانی بکنند و املاکشان را مری نمیکنند یا بالعکس یکجا املاکش منفعت دارد کوسفند هایش را میزبانی نکنند
یا مثلاً ماده راجع بشعبه جش را یک امین مالیه ممکن است صلاح بداند و اجرا کند اما در باب گرایه آتامیرزا اجرا نکند

اینست که بنده این ماده را بطور صریح و وضوح پیشنهاد کردم که هر نقطه گرفتند و میزبانی کردند اگر تمامش را میزبانی کردند آنوقت این قانون را اجرا

رئیس - راجع بپیشنهاد آقای افسر بودن پیشنهاد آقای انسر - آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده برخاستند)
رئیس - قابل توجه شد ماده الحاقیه دیگر پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (شرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه مودی مالیات آب و مالک ملک است در صورتیکه اراضی یا مستأجر مالیات را تأدیبه کند بحساب مالک گذاشته خواهد شد

رئیس - راجع بپیشنهاد آقای افسر اشتباهی در تمین عده شده بود و حالا معلوم شد که پیشنهاد ایشان قابل توجه شده است عده نود و سه بود و مقراری دادند

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - برای خاطر اینکه شده اند حق ندارند بکفتمت با یک ماده از این قانون را اجرا کنند این نظر بنده است و گمان میکنم با تجربیاتی که آقایان دارند اگر توجهی برایش بنده فرموده باشند این ماده الحاقیه را قبول می کنند والا آن نظری که آقایان داشته اند واقلاً ۱۰ سال قسمت های عده مجلس و کمیون صرف اینکار شده باوجود این آن متصودی که ما برای آسایش عمومی داریم حاصل نخواهد شد بظن بنده اگر این پیشنهاد قبول شود فلان تبعیض نخواهد شد

مخبر - اگر نظر آقایان باشد ماده ۲۰ راپرت سابق تقریباً همین نظری را که آقا اظهار کردند داشت که هر ایالت ولایت که میزبانی میشود اگر مجموع عایداتش نسبت سابق زیادت در شاد اجرا نند و اگر کسی آمد صبر کنند تا دو سال تمام شود

مخبر هم مشورت کردم آقایان بمن حمله نکنند اگر چه حالا خواهند گفت که بنده شاید ملاحظه فرمایند راجع به این موضوع معین است که این مالیات مالیات تمام است و کار نیست

مخبر - این پیشنهادی که حضرت والا فرمودند بکفتمت (نک است و آن محل) نوشته شده است و اگر محل را تبدیل به ایالت ولایت بکنند ممکن است قبول شود

رئیس - آقای افسر پیشنهادتان را اصلاح میکنید که کلمه محل تبدیل شود به ایالت ولایت؟
افسر - خیر مقصود همان محل است

بیک نفر از نمایندگان مجدداً قرائت شود
(پیشنهاد آقای افسر بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای انسر - آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده برخاستند)
رئیس - قابل توجه شد ماده الحاقیه دیگر پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (شرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه مودی مالیات آب و مالک ملک است در صورتیکه اراضی یا مستأجر مالیات را تأدیبه کند بحساب مالک گذاشته خواهد شد

رئیس - راجع بپیشنهاد آقای افسر اشتباهی در تمین عده شده بود و حالا معلوم شد که پیشنهاد ایشان قابل توجه شده است عده نود و سه بود و مقراری دادند

رئیس - راجع بپیشنهاد آقای افسر اشتباهی در تمین عده شده بود و حالا معلوم شد که پیشنهاد ایشان قابل توجه شده است عده نود و سه بود و مقراری دادند

بنده موافقم ولی این اسباب اختلاف میشود بین عودیان مالیات و کسانی که مالیات میگیرند و از این جهت بنده مخالفم

مخبر - اصلاً این بدیهی است که مالیات را به بزرگوار و زارع و زحمتگر ندهیم بلکه برای آن عایداتی که آب و مالک ایجاد میکند مالیات وضع کردیم

ولی چون عبارت اینماده را که آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کردند درست تنظیم نکرده اند و چون قانون هم بکسیون بر نمیگردد اینماده هم باید بکسیون تادر آنجا مطالعه نموده و راپرت آنرا تقدیم کنیم

رئیس - تقاضای ارجاع بکسیون را کردند ماده الحاقیه سوم که از طرف بعضی آقایان پیشنهاد شده است (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه مادام که مطابق ماده اول قانون مخصوصی راجع بخصایج انتقالی از تصویب مجلس شورای ملی نگذشته است دولت متصرف است املاک مزبور را میزبانی نموده و صدی هفت از عین معقول دریافت دارد

شیروانی - مزارعی - سلطانی - سید عبدالسهم صدر - معده جات

رئیس - آقای شیروانی شیروانی - البته آقایان تصدیق می فرمایند که مجلس شورای ملی در وضع قوانین باید بملی اراضی یا شخصی وضع نظر کند باید مملکت و احتیاجات مملکت را در نظر بگیرد و قانون را برای مملکت وضع کند ممکن است این پیشنهاد بنده و جمعی از آقایان بنفع یک شخص باشد یا بضرر یک شخص

ولی روی هم رفته من استدعا میکنم از نقطه نظر مملکت باین پیشنهاد ملاحظه کنند و اشخاصی را در نظر بگیرند حالا وارد میشود در اصل موضوع
این مسأله در مجلس شورای ملی مکرر مطرح شده است و بنده یکی دوسه فقره مخالفت هائی که از طرف بعضی مخالفین میشده است در ذهن خودم یادداشت کرده ام و میل دارم آنها را توضیح بدهم که اگر شبه ای برای آقایان باشد مرتفع شود

خالصجات انتقالی که تقریباً تاریخ شرومش شاید اوائل سلطنت ناصرالدین شاه باشد در آنوقت یک شکل ها و یک طرزهای مخصوصی داشته ولی مرور زمان که خودش یکی از مسائلی است که در تمام امور مؤثر است یعنی مرور زمان تمام مسائل را تغییر می دهد

حتی امروز در دنیا برای دیون و داد و ستد هم مرور زمان قائل شده اند و لوایح اورد و مجتهدان میکنند و در مجلس ما هم آمده است

ممکن است بنده در سی سال پیش

از یک کسی طلب کار بودم و حالا بعد از سی سال آن حق در نتیجه مرور زمان از من طلب میشود

اینها فلسفه دارد مرور زمان همیشه مسائل را تغییر می دهد
در یک وقتی یک شاهی یک املاکی در یک گوشه از مملکت بطور خالصه باو رسیده است یا یک حوادثی ایجاد کرده است که دولت مالک فلان ملک شود و دولت هم نمی توانست است از او طلب کند این ملک در زمان آباء پیش یک مالکانهائی داشته است

چنانچه مثلاً می بینیم الان بعضی املاک خالصجات انتقالی هست که وقتی میخواهند از ش مالیات بگیرند از زمین عایدش بیشتر میشود

این مالیات مال موقمی بوده است که آباد بوده و مالیاتی را که آن وقت وضع کرده اند متناسب با عایدش بوده

ولی در نتیجه یک حوادثی آن ملک خراب شده حالا میگویند خیر این ملک این مقدار عایدی را بایش بوده در صورتی که همه اینطور نیست شاید در ضمن خالصجات انتقالی بعضی املاک هم اینطور باشد

در هر صورت این مالیات امروز از یک ملکی که در تصرف یک شخصی است گرفته میشود و مرور زمان هم آنرا ملک آن شخص قرار داده است ولی این مالیات متناسب با این ملک نیست و این راه یکسکس نمی تواند انکار کند

حالا بعضی می گویند خیر اینها یک غریبی بوده است که در موقمی که در شاه با آن صاحبش واگداری کرده است با آن شرایط بوده است

بنده در این خصوص بی اطلاع نیستم و یک قدری هم شاید در جزو جمع های مالیه و مخصوصاً جزو جمع های قدیم اطلاع داشته باشم
بلی ممکن است یک ده هزار تومان مالیات نقد و ریاضت خورار هم جنس داشته ولی صدی نود و صدی نود و پنج از این املاک که اینطور مالیات داشته است در مقابلش هم آن خریدار یک فرمان مواجب و تبول و جیره و ملیق و کاه داشته و بالاخره یک چیزی هم از دولت طلب کار میشده است

مخبر - اینطور نیست
شیروانی - حالا بنده این را مخصوصاً از آقای مخبر که خیلی بشندی فرمودند این طور نیست استدا میکنم که یک مراجعه هم بکنند و خیلی زود هم میشود مراجعه بکنند

بنده اینجا تهد میکنم اگر مالیاتی را که سابقاً یعنی پیش از آنکه اداره مالیه بدست مستشاران خارجی بیفتد و شروع

بکنند تمام جزو جمع ها را از خالصجات انتقالی یا املاک اربابی مطالبه بکنند گرفته میشده با مالیاتی که حالا می گیرند مقایسه کنند شاید در آنوقت عشر حالا بوده است
و یک چیزی هم دستی میگردانند بعضی ها هم که مالیات سنگینی نداشته نمی رفته اند خودشان را در زحمت بیندازند و در مقابل فرمان مواجب صادر کنندند
در اصفهان ما هفت هشت سال پیش اصلاً انبار دولتی نداشته ایم و تمام جنس ها خرواری بکنومان یا دوتومان یا ۳ تومان تسهیر میشده است با اینکه در مقابل مواجب حساب میشده
حالا آمده اند همان ملکی را که هزار تومان در یک صفحه نوشته شده مالیات میدهد و در صفحه مقابل هشتصد و نود و هشت تومان را مواجب میگرفته
این مواجب ها را دولت تومانی هقران و بعد هم آورده تومانی ۲ ریال کرده و حالا هم هیچ بنده هم مخالف با تماش هستم (حتی با یک شاهنشاهی) آقایان مالیات سنگینی که در مقابل این مواجب ها بوده است بر جایش مانده است حالا آقایان در میزبانی میکنند

میکورند اصفهان هشت هزار خروار باید مالیات بدهد
این در صورتی است که هشتی یکگشت مالکین وزارت عین اصفهان را دولت ضبط کند تا شود ۸ هزار خروار این هم هیچ وقت صورت عدل پیدا نکرده و آقایان مقوم الملک که خودشان یکی از میزبین بوده اند

وبالاخره برخلاف اصول هم رفتار کرده اند
وزارت مالیه مالیات را مطابق قانون قانون اساسی و قانون محاسبات عمومی نمیتواند کم بکنند و نمی تواند زیاد بکنند اینکار اختصاص دارد بمجلس
شما صدی شصت گرفتید کی شما اجازه دادید
بنده عرض می کنم باوجود اینکه زیاد گرفته اند باز وزارت مالیه معنی نبوده است که خودش مطابق سلیقه خودش مالیاتی تعیین کند و بگوید این ده صدی است یا اینجا می آیم و صدی سه و نیم رأی میدیم و این قانون میزبانی را وقتی که میخواهیم در مملکت اجرا کنیم

مثلاً اینست که دولت از مملکت را ما از طرفشان و کالت داشته ایم که برایشان تکلیف معین کنیم و یک نکت دیگر را نکات نداشته ایم که تکلیف برایشان معین کنیم

بالاخره بنده عرض می کنم چکار باید کرد در سرشان را باید برید هر کاری باید بشود مجلس باید بکشد و تکلیفش را هم امروز باید معین کند

آقایان در سال گذشته در همان وقتی که قانون میزبانی مطرح شد گفتند ما لایحه مخصوصی برای خالصجات انتقالی داریم تهیه میکنیم یک سال تمام گذشته است و هنوز انری از آن لایحه ظاهر نشده است یکسال دیگر هم خواهد گذشت و نخواهیم دید پس ما باید یک چیزی اینجا گرو نگاه داریم

بنده پیشنهاد نکردم که حتماً این صدی هفت دائمی باشد بلکه برای اینکه دولت بدانند که باید کار کاهه تکلیف مملکت را معلوم کنند پیشنهاد کرده ام تا آن اولاً این خالصجات انتقالی را میزبانی کند و این یک چیزی است که آقایان مواون هم موافقت کردند

ولی راجع به مالیاتش اصراری نیست که حتماً صدی هفت بگیرند ممکنست کمتر یا زیاد تر قبول کنند الان از همین جا که تشریف می برند آن لایحه را در تحت سه ماده تهیه کنند و بیاورند از مجلس بگذرانند و تکلیف مملکت را بگریز معین کنند و والا با این قانون که می گذرد تکلیف وزارت عین و مودی مالیات بطور قطع معلوم نخواهد شد

معاون وزارت مالیه بنده اگر اصلاً و اساساً مناسب و مقتضی بظنم می آمد که وارد شوم در قضیه خالصجات انتقالی آنوقت بعضی تفصیلی میپرداختم و مسائل هم عرض میکردم و شقوق مختلفه هم که خالصجات انتقالی دارد آنرا هم عرض میکردم ولی عرض میکنم که در این موقع ما نمیتوانیم هر

معاون وزارت مالیه بنده اگر اصلاً و اساساً مناسب و مقتضی بظنم می آمد که وارد شوم در قضیه خالصجات انتقالی آنوقت بعضی تفصیلی میپرداختم و مسائل هم عرض میکردم و شقوق مختلفه هم که خالصجات انتقالی دارد آنرا هم عرض میکردم ولی عرض میکنم که در این موقع ما نمیتوانیم هر

معاون وزارت مالیه بنده اگر اصلاً و اساساً مناسب و مقتضی بظنم می آمد که وارد شوم در قضیه خالصجات انتقالی آنوقت بعضی تفصیلی میپرداختم و مسائل هم عرض میکردم و شقوق مختلفه هم که خالصجات انتقالی دارد آنرا هم عرض میکردم ولی عرض میکنم که در این موقع ما نمیتوانیم هر

معاون وزارت مالیه بنده اگر اصلاً و اساساً مناسب و مقتضی بظنم می آمد که وارد شوم در قضیه خالصجات انتقالی آنوقت بعضی تفصیلی میپرداختم و مسائل هم عرض میکردم و شقوق مختلفه هم که خالصجات انتقالی دارد آنرا هم عرض میکردم ولی عرض میکنم که در این موقع ما نمیتوانیم هر

معاون وزارت مالیه بنده اگر اصلاً و اساساً مناسب و مقتضی بظنم می آمد که وارد شوم در قضیه خالصجات انتقالی آنوقت بعضی تفصیلی میپرداختم و مسائل هم عرض میکردم و شقوق مختلفه هم که خالصجات انتقالی دارد آنرا هم عرض میکردم ولی عرض میکنم که در این موقع ما نمیتوانیم هر

معاون وزارت مالیه بنده اگر اصلاً و اساساً مناسب و مقتضی بظنم می آمد که وارد شوم در قضیه خالصجات انتقالی آنوقت بعضی تفصیلی میپرداختم و مسائل هم عرض میکردم و شقوق مختلفه هم که خالصجات انتقالی دارد آنرا هم عرض میکردم ولی عرض میکنم که در این موقع ما نمیتوانیم هر

خالصجات انتقالی را خاصه هر قرار یك میزان مالیاتی برای دولان در این مجلس معین کنیم باینجهت است که داخل در شرح و تفصیل نباشد.

قبلا عرض شده است که برای خالصجات انتقالی تکلیفی در نظر گرفته شده است و لایحه هم تنظیم و مجلس خواهد آمد و این مسئله از نظر دورترفته است مشغول هم هستند برای اینکه اصلا اینکار محل ابتلا وزارت مالیه است و خواننده خواه باید اینکار را بکنیم و اینکار هم میشود.

ولیکن بنده همچو تصور میکنم که این يك امری است که هیچ نمیتواند وارد شود در مواد قانون میزبانی اینایستیکه در اینقانون ما منظور داشته ایم و بهتر اینست که اصلاحاتیکه را معلول توجیه قرار بدهیم و آن این باشد که امریکه نسبت به می یا اثبات کم و زیاد کردن مالیه مدنخله میکند.

یعنی مقدار جمعی که در دست گرفته شده است برای یکسال قبل از اینکه پیشنهاد شود (البته نمایندگان محترم مختارند و راه پیشنهاد هم همیشه باز است).

ولی از نقطه نظر فراز از یک معظورات دیگری این عرض را میکنم. نسبت باین پیشنهاد است که تأثیر مالی دارد باینستیکه قبلا صحبت بکنیم و لذا کرده کنیم زیر و زوش را در اداره اینکار ببینیم و آنوقت بر طبق معلوماتیکه بدست آمده يك پیش نهادی بشود.

باینجهت ممکن نیست که بنده در يك پیشنهادهایی که تأثیر مالی داشته باشد دهنده در مجلس شرف حضور داشته باشم بدون اینکه قبلا مالیه المانی کرده باشم بتوانم موافقت کنم.

این است که نسبت باین پیشنهادها هم تمنا میکنم مقرر فرمایند (البته بخوانند بگویند هم بر بند و نظامات مجلس این امور را اقتضا میکند این مسئله دیگری است).

ولی بنده نظری که عرض میکنم این است که خوبست این مسئله را اصلاحات بگذاریم و مطالبی را که راجع به خالصجات انتقالی در نظر گرفته ایم بعد از آنکه حاضر شد در کمیسیون قوانین مالیه حاضر میکنیم و عرض میرسانیم.

آقای شیروانی هم ممکن است اطفاف فرمایند و تشریف بیاورند در آنجا خوب زیر و زوش مسئله را نگاه میکنیم و بعد از اینکه خوب تنظیم شد آنرا بمجلس می- آوریم زیرا این لایحه میزبانی و مربوط بآن موضوع نیست.

مقرر بنده بر حسب فرموده آقای رئیس مضطرب عرض میکنم چون ظهر گذشته بنده تصور میکنم که همچو پیشنهادی سابقا شد نمی دانم از طرف آقای مدرس یا کسی دیگر بود که رد شد حالا درست نظرم نیست و اسامه هم یکی از آقایان که

علاقه خاصه دارد باین گفت که صدی شصت و شش ما حالا داریم می دهیم و شکیبای زیادی هم نداریم (همه بین نمایندگان)

مقرر اسامه در مجلس بین همچو چیزی گفت بنده که خودم خاصه ندارم يك استدلالاتی آقای شیروانی فرمودند که خالصجات است اشخاصی است که خالصجات را میپوشد را میروند میزبانی میکنند و چه میشود و چه میشود ما باید ببینیم خالصجات چه بوده و چگونه بدست اشخاص افتاده؟

اشخاصی که مثل من لغتی بوده اند امروز بواسطه همین خالصجات میپوش شده اند ما که باید يك فرآزی برای تقسیم املاک خالصه بین رعایا بدهیم و آن املاکی که دست دولت است يك قراری در تقسیم باید داده شود و همچنین املاکی که در دست اشخاص است.

پس این چه کاری است که ما حالا باینم و قانون میزبانی را که يك عده زیادی مردم امروز گرفتارند هستند اینرا بگویند و بگویند مردم باید باین آتش بسوزند که یکدسته ای که از پهلوی خالصجات انتقالی فایده های زیادی بردماند و امروزه دارد باورشان یکدستی سنگین میشود سبک بشود.

ما مظلومت يك جماعتی را میخواهیم بگویند که که بدست اشخاصی میخوانند استفاده کنند؟ درست است این دسته يك استفاده مانی کرده اند و حالا کمتر میتوانند استفاده کنند و باید يك ترتیبی برای آبادی املاک خالصه داده شود که مردم اطمینان پیدا کنند که این ملک را از دست آنها نمیگیرند که بروند و آباد کنند.

ولی گروه کشیشان دراز احساساتی است برای این مسئله خیلی دراز احساساتی است که آقایان قبلا برای گذشتن قانون میزبانی اظهار میکردند.

خالصجات انتقالی هم تمام مثل هم نیست و آقای معاون هم توضیح دادند خالصجات بانواع مختلفه باشخاصی و اگذار شده است بعضی با همان جمعش قبول کرده اند.

بعضی بقتله اصلی خریداری کرده اند و مالیاتش را مثل مالیات اربابی با آنها معامله کرده اند و همه هم فرمودند دارند.

یکی از اعلی حضرت مظفر الدین شاه و راجع به خالصجات بنده متقدم که همه را بیک نسق ما نمیتوانیم معامله کنیم و باید يك لایحه را دولت بیاورد و در اطرافش مذاقه بشود و بنده استدعا میکنم که آقای شیروانی این قانون را کمر این کار نکشند.

رئیس - رأی میکنیم قابل توجه بودن

پیشنهاد آقای شیروانی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (ممدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهادات و مواد الحاقیه رسیده است از طرفی هم پیشنهاد ختم جلسه شده است يك پیشنهادی هم شده است راجع باضافه شدن جلسات مجلس از طرف آقای معتمد که تقاضا کرده اند روزهای شب علاوه شود. آقای معتمد (اجازه)

میرزا عبدالله خان معتمد - سی و پنج شش روز بیشتر بمردود و پنج باقی نمانده و در این مدت بیش از پانزده جلسه از قرار هفته سه جلسه نخواهیم داشت.

در صورتی که قسمت عمده لوابج و بودجه های مملکتی در کمیسیون ها گذشته و طبع و توزیع هم شده که همینطور معطل مانده و باستانای بودجه وزارت مالیه که شاید امروز تمام شود تمام بودجه ها گذشته است لوابج دیگری هم از کمیسیون قوانین مالیه و همچنین کمیسیونهای دیگر گذشته است که برای دستور حاضر است و آقایان نمایندگان محترم تصدیق میکنند که برای لوابج بودجه ها سه جلسه کافی نخواهد بود و هم ناچار هستیم در این مدت هر مجلس قسمتی از این لوابج را بگذاریم بنابراین بنده این پیشنهاد را کردم که هفته يك جلسه عجاتا بجلسات افزوده شود.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - موافقم

رئیس - آقای افسر (اجازه)

افسر - بنده مخالفم

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرند شیروانی - بنده هم مخالفم رئیس - بفرمایند

شیروانی - خود بنده فکر میکنم که روز شنبه باید در دو کمیسیون بروم صبح در کمیسیون بودجه و بعد در کمیسیون قوانین مالیه.

آیا همان چیزهایی را که مجلس باید رأی بدهد در کمیسیون باید بگذرد یا خیر و بنده تمنا میکنم که این پیشنهاد را فرموده اند آیا خودشان میتوانند هم در کمیسیون حاضر شوند و هم در مجلس باشند؟ و از این جهت بنده با این پیشنهاد مخالفم.

رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد آقای معتمد آقایان موافقت قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

رئیس - در صد جلسه آتی روز یکشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور. اول پیشنهاد های واصله راجع به این قانون میزبانی خیر کمیسیون فوائد عامه راجع بماده سیزده امتیاز بربالموس

دوره پنجم

تالیا لایحه پرداخت دیون دولتی (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس - مجلس شورای ملی سید محمد تعین منشی م - شهاب منشی ع - خطیبی

جلسه ۳۳۶

صورت مشروح مجلس يك شنبه بیستم دیماه ۱۳۰۴ مطابق ۲۵ جمادی الثانیه سنه ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای تعین تشکیل گردید

صورت مجلس پنجشنبه بیستم دیماه را آقای امیرزاده شهاب قرائت نمودند رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم رئیس - آقای حاج حسن آقا ملک

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور

رئیس - آقای شوشتری

شوشتری - قبل از دستور

رئیس - آقای کارزونی

کارزونی - بمذاکره تصویب صورت مجلس عرض دارم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - قبل از دستور

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان - قبل از دستور

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده نظرم این بود که جلب توجه مقام ریاست را بکنم که چند روز قبل کسالت داشتم و کتبا استعفا کرده بودم بنابراین دیر آمده ماذون نوشته شوم

رئیس - راجع باینقسمت از کمیسیون عریض و مرخصی چون اطلاعی رسیده است باینجهت اینطور نوشته شده است مراجعه می شود و پس از تصویب کمیسیون اصلاح خواهد شد

آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - قبل از دستور

رئیس - نسبت بصورت مجلس ابراری نیست؟ (گفته شد: خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - آقایان خوب در نظر دارند در نیم خرداد وقتیکه قانون اضافه مالیات ختمد جای از طرف دولت پیشنهاد شد مجلس کمال موافقت نمود و هم

تجار و کسبه حسن استقبال کردند چرا؟ برای اینکه نظر کردند اگر اینجا يك پول اضافی گرفته میشود در عوض اصول اقتصادی تأمین خواهد شد و مخصوصا اینکه در ماده ۹ تصریح شده است که هر چه زودتر دولت لایحه راه آهن را بمجلس پیشنهاد خواهد کرد

بنده هیچ اطلاع ندارم که دولت چه تصمیمی گرفته و آیا چه نقشه در نظر دارد که بمجلس خواهد آمد

بنده یقین دارم که دولت بی خیال نیست ولی اگر چه عرض کنم همینقدر میتوانم عرض کنم که آن نظر مجلس تأمین نشده است زیرا اگر این وجوه را از مردم نمیگرفتند این وجوه در جریان بود و درست گسب دست بدست میگشت ولی امروز این وجوه حبس شده است بطوریکه بنده میخوشم بین هفتاد و هشت کرور تومان از این وجوه وجود قاعدت سایر معاهدات بانک حس است و حبس این وجوه در يك همچو مملکتی بکلی دست و پای کسبه و تجار را بسته و بکلی مخالف با آن نظر اقتصادی است

این است که بنده از مقام منیر ریاست استدعا دارم بدولت تذکر بدهند که هر چه زود تر نقشه خودشان را بمجلس پیشنهاد کنند تا مجلس بتواند در آن باب هم موافقت نظر ابراز کند و این وجوه بجزایان بپفتد

البته بنده این را در نظر ندارم که چون چیزی به آخر مجلس باقی نمانده ما اوس شوم از اینکه امتکار بعد از انقضای این دوره مجلس انجام نیشود زیرا اگر در این مجلس تمام نشود مطابق قانون مجلس از این بگذریم خواهند آمد و هر يك قائم مقام دیگری بوده هر يك از اینها که در این مجلس کار خود را خواهد کرد

ولی مقصود بنده این است که هر چه زودتر دولت پیشنهاد خودش را بمجلس تقدیم کند

شاید باین فقر اقتصادی و اوضاع اقتصادی که خیلی وقت آور است خانه وزیر فواید عامه - بنده می توانم بآقای ارباب کیخسرو و سایر آقایان اطمینان بدهم که لایحه خط آهن شاید تازه روز دیگر تقدیم مجلس شود

از برای جلب نظر مستشاران امریکائی هم فرستاده ایم و تصور میکنم برای دهر روز دیگر لایحه اش حاضر شود

رئیس - آقای حاج حسن آقا ملک (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - بنده یکی دو جلسه بود که میخواستم باین عریض را عرض کنم اما بر سرانجام متاسفانه موفق نیشدم زیرا اغلب آقایان علاقه بدستور داشته

دستور را مقدم میدانستند امروز که موفقیت حاصل شده است قبلا میخواهم عرض کنم باره از قضایای مهم و امور عام المنفعه است که و کلا حق دارند بدولت تذکر بدهند

از همین نقطه نظر است که قبل از دستور تعیین وقت شده است از برای اشخاصی که بخواهند تظایر را تذکر بدهند

سابقا راجع با اصلاحات آستانه بنده تذکر دارم در مجلس وعده کرده بودم که يك معاکه همی که راجع بیکي از رقیبات نفیسه اتفاق افتاده است بمجلس شورای ملی برسانم

البته آقایان تصدیق میفرمایند که امروز اعلی حضرت اقدس پهلوی حقا و شرعا و عدلا مکلف هستند با اصلاحات آستانه چرا که تالیات آستانه امروز باشخص اشخاص اعلی حضرت است و اگر در خاطر آقایان باشد در يك موقعی عرض رساندم که در دو سال قبل این نظر اصلاحی را داشتند و امره فرموده بودند و آقای سر لشکر کمیسیونی کردند که بنده هم مقنن بودم بصورت در آن کمیسیون و مادر آن کمیسیون يك تظایر را کشف کردیم

عجالتا بنده چیزی را که میخواهم عرض کنم خلاصه آن معاکه است

این نکته را هم باید تذکر بدهم که اشخاصی که از طرف سلطان وقت بعنوان تالیات مشرف میشوند اینها نماینده اند و کیل نیستند و در قانون هم تصریح دارد که وکیل نباید دارای چه صفاتی باشد و از موکلش چه اختیاراتی باید باو داده شده باشد

شخصی عریضه می دهد راجع بیکي از رقیبات مقام آستانه که خودش مستاجر بوده و مدتی مدتی تصرف و مالکیت آن بوده هر يك او را بتولیت وقت میدهند و تولیتی از طرف سلطان وقت انتخاب شده بود ایشان از حضور طراره میزنند

احضار به نانو میروند و بالاخره حکم قیامی صادر می کنند

امناء آستانه تلگراف میکنند و متظلم میشوند بشاه که يك همچو قضیه پیش آمده و يك ملک يك کروری آستانه از بین رفته است و چون از مجرای قانون وارد نیشوند مدعی العموم حس می- کند که این یکی از موارد ابلاغ است خود او هر يك استیفاء میدهد و کار را با استیفاء میکند و در استیفاء آن حکم نقض میشود ولی نیشود

در این ضمن امناء آستانه تلگراف میکنند بشاه منزل و يك جوابی میرسد که هر کس با آستانه ادعائی دارد باید مستقیما بخود من مراجعه نماید

وقتی که این حکم از طرف تولیت ابلاغ میشود عدلیه خراسان مراجعه میکنند و عدلیه کرور مشغول میکنند که يك چنین

تلگرافی آمده است تکلیف چیست؟ از طهران جواب میرسد با دربار مشغول مذاکره هستیم و نتیجه را بعد اطلاع می دهیم و بالطبع کار از جریان می افتد و استیفاء هم تعطل میکند

بعد از ۴ سال از مرکز جواب میدهند که مطابق معمول رفتار کنید مدعی العموم می- آید قضیه را تعقیب نکند

میکریند چون ۳ ماه ارمه و گذشتہ و تعقیب نکردند عریضه شما پذیرفته نیست میگوید اگر من تعقیب نکردم از این نظر بود که عدلیه دستخط شاه را موثر دانست زیرا مراجعه کرد بمکرر و مرکز هم بعد از چهار سال جواب داد و باین نظر بود که من تعقیب نکردم و بالاخره حکم را بجزایان انداختند

اما بچه ترتیب باین ترتیب که خود آدمی که متصرف ملک بوده است ملک در تصرف او باقی بماند و معارج عدلیه را هم میبردند تا اینکه تولیت وقت عوض میشود حکم ابلاغ نشده حتی به آن متولی که وکیل نبوده است به او هم ابلاغ نیشود

یکی از تولیت های وقت رسمی دارد باشخص غاصب می نویسد که من ملاحظه می دانم شما با آستانه بنده بیندازند

از آن کاغذ را بدلیه میبرود قائم مقام اخطار معرفی میکند رئیس محکمه که عوض میشود بخص خود پیش بنده سندی را رد که اعتراض کرده است بحکم خودش چون بنده میخواهم تقاضا کنم که يك کمیسیونی بشود در این قضیه رسیدگی بشود انشاء الله استنادا ارائه میدهم

رئیس عدلیه دوم مرتبه بر رئیس دفتر می- نویسد (این نکته را درست توجه فرمایند) که وقت کنید باین حکم ابلاغ شده است یا خیر؟

رئیس دفتر می نویسد آنچه بنده تقاضا می- کنم و تجسس کردم چیزی دال بر ابلاغ باشد نیافتم

محکمه بقدری حرم و ادع داشته که این عبارت را نخواند زیرا میفرماید بنابر این حکم ابلاغ شده است

بنده از آقایان میخواهم استدعا کنم چون همه علاقه مند هستند با اصلاحات مخصوصا این مسئله که متضمن قضایای دیوانی هم است که صلاح بدانند و حضرت رئیس مساعدت فرمایند و موافق با مواد قانون باشد يك کمیسیونی تشکیل شود آن اسناد و نوشته جانی که راجع باین قضیه پیش بنده موجود است در آن کمیسیون ارائه دهم که نگذاریم يك ملک چندین ساله آستانه از میان برود

بنده ضمنا يك مسائل دیگری را هم میخواهم تذکر بدهم آن این است که در دوسه جلسه قبل آقای د کرم معتمد خان مصدق عقیده اظهار کردند و ترجیح دادند ادوار

دوره پنجم

سابقه را بر این دوره البته ایشان عقیده شان آزاد است

ولی عقیده شخص بنده این است که از بعضی جهات این دورتر جیح دارد

زیرا اگر آقایان در نظر داشته باشند در سنه ۳۶ که سنه مجازه بود بواسطه لایالی گری و عدم توجه باین مسئله مهم تقریبا صد هزار نفر از نفوس ایران تلف شد

بعضی از نمایندگان - خیلی بیشتر حاج حسن آقا ملک صحیح است بلکه بیشتر همین اسامال عطف و لایالی باقی مانده نری هر شرا اندام کرده دولت حاضر با يك جدیتی توجه باین قضیه کرد و ارزاق عمومی را تأمین نمود

بعضی از نمایندگان - این سخنان را دولت کرده است بمجلس چه ربطی دارد

حاج حسن آقا اجازه فرمایند اگر بخواهم قیاس کنیم خیلی چیزها است که می توانیم اظهار کنیم

میخواهم عرض کنم در ادوار سابقه و در مواقع فقرت يك تظایر واقع شده و در این دوره هم يك قضا بنده بطور اجمال میخواهم تذکر بدهم البته آقایان خاطر دارند که سابقا صحبت مانده معترضه بودیستگاه ماشاء الله خان و نواب حسین و ظفر نظام و امثال اینها (صدای زنگ رئیس)

رئیس - متأسفانه همانطور که آنروز به آقای دکتر محمدخان اجازه ندادم حالا هم بشما اجازه نمی دهم قضاوت این امور بمرم و عامه است صلاح نیست ما خودمان بگوئیم بهتر است

جمعی از نمایندگان دستور

رئیس - قبل از دستور خاطر محترم آقایان را تذکر میدهم که بودجه سنه آتی بمجلس حاضر شده بود و بکمیسیون محاسبات فرستاده شد آقای روحی (اجازه)

روحی - چون مقام ریاست اطلاع دادند که بودجه بکمیسیون ارجاع شده خواستم عرض کنم که کمیسیون کار خودش را کرده است و در تحت طبع است و برای یکی دو جلسه دیگر حاضر میشود

رئیس - پیشنهادات اجع بقانون میزبانی مطرح است پیشنهاد آقای مدرس قرائت میشود (بشرح آتی خوانده شد)

ماده الحاقیه دولت مکلف است در حین میزبانی املاک از اربابی املاک خالصجات انتقالی را میزبانی نماید

مدرس - چون در موضوع خالصجات انتقالی گفتند محتاج يك قانون جدیدی است که باید پیشنهاد شود در اصل مالیاتش من حرف ندارم لیکن بواسطه اینکه تکلیف

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

صفحه ۱۶۴۳

دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

صفحه ۱۶۴۳

دوره پنجم

مردم معلوم شود خوب است در موقعی که املاک اربابی را میزبانی میکنند خالصت انتقالی را هم میزبانی کنند منتهی در تعیین مقداری که می خواهند بگیرند ممکن است بعد مجلس پیشنهاد کنند و این خودش یک قدمی است از برای آسایش مردم و معلوم کردن تکلیف مردم دیگر با آقایان است.

رئیس - آقای کازرونی عضو کمیسیون هستند.

کازرونی - خیر

شیروانی - یک مرتبه دیگر قرائت شود.

(شرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - پیشنهاد آقای مدرس بسیار خوب پیشنهادی است ولی اول باید املاک خالصه یا غیر خالصه معلوم شود اگر تعیین اینها با آن کتابچه مهیسی است که در آنجا گذارده شده است و تمام املاک مردم را اسس را خالصه گذاشته اند! آن یک چیزی است و الا اول باید معین بکنند که امتیاز خالصه از غیر خالصه چیست؟ بعقیده بنده تا این قسمت معلوم نشود این قانون میزبانی هم عملی نخواهد شد بنابر این اول باید معین کنند که خالصه کدام است بعد بیایند شروع کنند به میزبانی و با این ترتیب که با هم خالصه تمام املاک را بیاورند میزبانی کنند بنده مخالفم رئیس - آقای مخبر کجا تشریف دارند.

بکفر از نمایندگان نیستند رئیس - گویا مخبر کمیسیون استعفا داده اند و تا مخبر جدیدی معین نشود این قسمت می ماند پیشنهاد آقای افسر راجع بدستور قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم حد از میزبانی لایحه استخدام مسیو پایاربان معلم مدرسه دواسازی جزء دستور شود

افسر مدتی است سه روز شاگردان مدرسه دواسازی بمجلس میایند می گویند دروس ما تعطیل شده و معلم نداریم و یکی از کارهای لازم ملکات ما دواسازی است برای اینکه بقدری که طلب داریم صدیکش دواساز نداریم و تا آخر عمر هم که میشود دواساز مالک خارجه آورد.

ما برای این کار باید چندین مدرسه داشته باشیم و فعلاً بنده استدعا میکنم راپورت استخدام این بکنند که چندین سال هم همت زحمت کشیده جزء دستور گذاشته شود و آقایان یا رد کنند یا برای بدهند که تکلیف معلوم شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده تعجب میکنم دستور معین هست. بنا بود بعد از لایحه میزبانی ماده سیزده لایحه اصل السوس جزء دستور شود. یک ماده اش هم بیشتر باقی نمانده خوب است آن ماده مطرح شود بعد از آن لایحه استخدام پایاربان رئیس - خطاب به آقای افسر موافقت میفرمائید موکول به بعد شود؟

افسر - فرق نمیکند مقصود بنده تعیین تکلیف آن است.

رئیس - خبر کمیسیون فوائد عامه راجع باده سیزده امتیاز اصل السوس خوانده می شود.

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۳ - کمیسیون فوائد عامه پیشنهاد آقای تقی زاده را راجع باده سیزده مورد مذاکره قرار داده و چون ماده مزبور را کافی برای تأمین مقصود نیست لهذا پیشنهاد مزبور را مکرر دانسته و بهمان ماده اکتفا گردید.

رئیس - آقای کازرونی موافقت

رئیس - آقای اخگر موافقت

رئیس - آقای دکتر آقایان بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام در این خصوص عرضی ندارم رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب مخالفم رئیس - اگر پیشنهادی در این موضوع بدهید می توانید صحبت کنید و الا چون مذاکره کافی شده است ممکن نیست آقا سید یعقوب - پیشنهادی تقدیم کرده ام.

رئیس - قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم عرض کنم ۴۹ نوشته شود مطابق قانون شرکت تجارت آقا سید یعقوب - این مسئله کم کم یکتصدیری ذهن ها را متوجه بخودش کرده و مخصوصاً نظر بیک سوابقی که ما دیده ایم در زمان خودمان واقع شده است مثالی است معروف همین است که آقای آقا میرزا شهاب فرمودند مثالی است در کرمان که از بنده سیاه و سفید باید نرسید راست است که نظر ما بجنب سرمایه خارجی است ولی همانطور که در مجلس گفته شد بعضی چیزها هست که انسان را بو حش میاندازد و این اسرار آقایان را بنده نمی دانم برای چیست؟ بنده حق دارم حالا وحشت داشته باشم زیرا چندی قبل بود که پشت همین تریبون لایحه بوداقیانی را آوردند و ما ناچار بودیم که سبده بیست هزار تومان تصویب کنیم و آنوقت در عوض مجازات به کسی هم که آل کار را کرده بود

ایالت دادیم

یس ما ناچاریم که بقدر امکان در جمیع امورات دقت کنیم آقای شیروانی خوب است توجهی بفرمائید

بنده می دانم که در غالب مسائل با ایشان عقاید سیاسی مانع بوده و توافق نظر داشته ایم یک قانون شرکت تجاری در ملکات داریم و عیاناً هم در حدلیه به آن عمل می کنند.

این عبارت که نوشته چهار و نه درصد سهام را بخارجه بدهند در واقع معنیش چنانچه بعضی از آقایان هم فرمودند اینست که بخارجه بدهیم منتهی بایک روپوش داخله

خوب است آن کسی که میخواهد این امتیاز را بگیرد باید بگیرد من هشتم دیگر روپوشی نبخواید در کمیسیون هم که این مطلب مورد مذاکره واقع شده نه آقای مخبر محترم نه آقای شیروانی و نه سایر آقایان اعضاء کمیسیون عقیدشان این بود ولی چون کم کم صحبت با اینجا کشیده شد (که سرمایه خارجی یعنی صحبت از جلب سرمایه خارجی شد بنده عرض میکنم آقا دور از ترس بخواب آشفته نیستیم)

چه عیبی دارد که در عبارت نوشته شود مطابق قانون شرکت تجارت که در کمیسیون عدلیه گذاشته و معمول بهم است رفتار شود. آنوقت اگر تبه خارجه میخواهند در این امتیاز شرکت کنند مطابق این قانون شرکت تجارت رفتار کنند داخله میخواهد؟

همینطور دیگر ما چکار داریم چهل و نه درصد یاسی پنج درصد متعلق یکی باشد هیچ این حرفها را لازم ندارد فقط خوب است بگوئیم مطابق یک قانون که رسمیت دارد و در ملکات معمول به است عمل شود.

آنوقت هم که این ماده پیشنهاد شده بود موقعی بود که قانون شرکت تجارت نگذشته بود ولی حالا که گذشته و تمام است باید بموجب آن رفتار شود. چون کاملاً در آن قانون حقوق حق مدیر شرکت که باید تابع جریان و قوانین ایران باشد تمام اینها را در کمیسیون عدلیه ملاحظه دقت کرده ایم.

این بود که برای آنکه دفع شبهات شده باشد بنده این پیشنهاد را کردم گمان میکنم هم نظر آقای مخبر هم آقای شیروانی و هم سایر آقایانی را که در کمیسیون فوائد عامه هستند تأمین خواهد کرد.

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

عراقی - بنده خیال میکنم ماده ۷ نظر آقای آقا سید یعقوب را تأمین بکنند برای اینکه ماده ۷ می گویند (صاحبان امتیاز

می توانند مطابق قوانین ایران و با اطلاع وزارت فوائد عامه برای موضوع این امتیاز تشکیل کمیسیون مبادرت نمایند و شرط بر اینست که گز شرکت در ایران بوده و تابع قوانین ایران باشد.

ایشان کاملاً نظر آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایان مخالفین را تأمین میکنند و دیگر لازم نیست اینقدر وحشت داشته باشند.

بنده باز تکرار میکنم که ما باید هر چه بتوانیم جلب سرمایه خارجه را بکنیم و بهترین چیزها برای ما همین است و این چیزی نیست که ما از او ترسیم علت هم ندارد که بشیریم.

رئیس - (خطاب به آقای مخبر) عقیده کمیسیون چیست

رهنما مخبر کمیسیون - نظر کمیسیون همان است که نوشته ایم.

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمائید (ممدودی قیام کردند)

رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال قرائت میشود (بمشورتن ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۳ اضافه شود در هر حال مدیر مسئول شرکت ایرانی خواهد بود.

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)

آقا شیخ جلال خیلی معذرت میخواهم که با این صنف مزاحی که دارم نمیتوانم مطالب خود را بر عرض برسانم و از مقام محترم ریاست استدعا دارم که بنده احراز فرمائید که با اینحال ناخوشی مطلبی را که بعقیده بنده خیلی مهم است مطابق سابقه و ترتیبات معمولی عرض و توضیحات لازم را بر عرض آقایان برسانم.

آقایان همه روزه روزنامهجات را می خوانند و ملاحظه فرموده اند که اوضاع امروزه دنیا طوری است که مقتدر ترین دول دنیا نگران و متزلزل هستند و همه روزه يك تفتیشات و يك دقت هائی در امورات داخلی و خارجی خودشان میکنند

و اما در اصل موضوع بعقیده بنده در مجلس هیچ دوقفکر متعارض نیست بلکه همه آقایان متوجه مسئولیت خودشان هستند و همه میخواهند سرمایه خارجی را بملکت جلب کنند و امتیازات را بهر کسی که میخواهند بدهند اول دقت کامل بکنند و بعد بدهند

یس در اینصورت دوقفکر متعارض نیست مگر اینکه فکر متعارضی تولید کنند امتیازات ما سکه دار و صاف و ساده با هم فرق دارد

ما معتقدیم که هر کسی هر خارجه ای

موافق ترتیبات مقرر می تواند امتیاز بگیرد. امتیاز فقط با رب سوس یا هر چه

ولی اول باید بفهمیم و ملیت او را بدانیم و ببینیم که ضرری برای ما دارد یا نه و موافق ترتیبات معموله ملکاتی هست یا نه؟

بنده که بکفر آخوند هستم خیال میکنم اول کسی هستم که از ابتداء یعنی از زمان ۱۳۲۱ وقتی که همه مردم آنطرف قضیه را می گرفته اند بنده در آن وقت با امتیاز دادن بخارجه موافق بودم

ولی حالا باید دید که این ماده واقفانه نظریه ما را تأیید می کند یا نه؟

بنده همچو معتقدم که ماده ۷ و ۱۳ این امتیاز را بخارجه خواهد داد

برای اینکه در ماده هفت می گویند این دو نفر ایرانی یعنی عنایت الله خان و ناصر ایلیان می توانند یک شرکت تأسیس کنند

معنیش این است که می توانند این شرکت را ارباب خارجه تأسیس کنند و این امتیاز را بخارجه بدهند

ماده سیزده می نرسد که ماده هفت و نه سهام اختصاص بخارجه دارد

بنده بقیه دارم که نظر مخبر و کمیسیون این است چون موافق قانون هیأت مدیره شرکت از صاحبان سهام تشکیل میشود در موقعی که اکثریت سهام مال تبعه ایران باشد قهرماً رئیس و مدیر ایرانی خواهد بود ولی مطلب این است که آقایان دقت نمی فرمائید و حال آنکه باید در موضوع دقت کیفیت شرکت های ذیل خیلی دقت کرد

برای اینکه شرکت یک آمر عادی است و يك اصول قانونی دارد که نمیتواند از آن تخلف کرد ولی يك اصولی هم دارد که مسکنت يك چیزهائی در آن قید کرد

مثلاً از برای اینکه صاحبان سرمایه های بزرگ يك سهم زیادی بخرند ممکن است در نظام نامه شرکت نوشته شود که هر کسی بیست سهم پنجاه تومانی یا با بقدر سهم بیست و پنج تومانی داشته باشد در مجمع نمایندگان شرکت صاحب شش رأی خواهد بود و آنوقت مسکنت چند نفر متحول خارجی پیدا شود و از بیست هزار سهم که معین شده سی سهم از صد سهم این شرکت را دوقفرا یا پنج قفرا یا دوقفرا بخرند و آنوقت این دو نفر از حیث رأی برآیند بر آن صاحبان پنجاه و يك سهمی که اتباع داخله خریداری کرده اند رجحان خواهند داشت یعنی اکثریت خواهند داشت

یس اگر نظر آقایان این است که این امتیاز واقفانه بخارجه داده شود بدون اینکه

بدانیم کی است و چیست و چه سکه است؟ البته نظر مجلس متاع و متبعت است ولی بنده بنام بکفر و کین عدلیه و آو کا بخوام عرض کنم هیچ پیش بینی نمیشود سکرد و نتیجه این خواهد شد که این امتیاز را ما به نام داخله به خارجه بدهیم بدون اینکه خصوصیاتش را بدانیم

بنده برای اینکه بفهمانم مطلب ساده نیست عرض میکنم چه ضرر دارد که آقایان این عبارت را اضافه کنند که (مدیر و مسئول باید ایرانی باشد)

و اگر این جمله را قبول نکنند عقیده بنده این خواهد بود که این امتیاز را میخواهند به خارجه بدهند منتهی با مسکه

رهنما مخبر کمیسیون - دو سه روز قبل شخصی در خارج مجلس از بنده سؤال کرد که این ماده سیزده رپ سوس چیست و ناصر ایلیان می توانند یک شرکت تأسیس کنند که اینقدر در اطرافش صحبت میشود بنده نتوانستم با جواب بدهم و حقیقتاً ندانستم باوجه جواب بدهم

و چون بنده با نظر خیلی ساده در این ماده نگاه میکردم خیلی میل داشتم بفهمم و بدانم که خطرش کجاست تا بنده يك عقیده اتخاذ کنم

در اینجا صحبت میشود از ماده سیزده و بعد هم از امتیاز مسکه دار و نقادان و بالاخره يك چیز خطرناک که در آنجا هم ممکن است يك وضعیاتی ایجاد کند که جبرانش ممکن نباشد

ماده هفت می گویند باید سستی این شرکت مطابق قوانین و مقررات ایران تشکیل شود

قوانین و مقررات ایران چیست؟ آن قوانین و مقرراتی نیست که در سر گذر اوطی صالح درست شده باشد بلکه آن قوانین و مقرراتی است که مجلس آنرا تصویب کرده باشد.

بنابر این وقتی که ماده هفت گفت این شرکت باید تابع مقررات ایران باشد یعنی مواده صوبه آن از کمیسیون و از مجلس گذشته باشد بنابر این ممکن نیست طور دیگری فرض شود!

ماده سیزده چه میگوید؟ میگوید که این شرکت قابل انتقال بخارجه نیست یعنی ممکن نیست که این شرکت بروس یا به انگلیس یا فرانسه یا آلمان منتقل شود و ممکن نیست بهیچ نحو از اجزاء یعنی بهیچ شکلی از اشکال به هیچ جوری از جورها! پس وقتی این قضیه مسلم شد آنوقت میگویند چهل و نه درصد ممکن است قابل انتقال بخارجه باشد

یعنی سرمایه خارجی در آن دخالت کند یعنی اگر پنجا و يك درصد یا پنجاه درصد شد این امتیاز بکلی رفته !!

یس وقتی که شما میگویند که این امتیاز قابل انتقال نیست و فقط چهل و نه درصد بخارجه انتقال داده میشود دیگر جای تکراری باقی نیست.

البته وقتی که اساس نظام نامه را بر میزنند تمام مسائل را معین میکنند و سهام را از هم جدا می کنند و معین می کنند چه سهامی قابل انتقال است و ممکن است در بورس های خارجه قیمت پیدا کند و چه سهامی قابل انتقال نیست و باید به مختص به ایرانی ها باشد.

بنابر این کمیسیون معتقد شد که این عبارت کافی است و محتاج به اضافه نیست و مطلب واضح است بنده نمیدانم چه شکل باید گفت؟ ماده سیزده این امتیاز بگیرد بهیچ نحوی از اجزاء قابل انتقال به خارجه نیست و ممنوع است و موجب القاء امتیاز خواهد شد وقتی به هیچ نحوی از اجزاء به هیچ شکلی از اشکال به هیچ جوری از جورها قابل انتقال نیست و اگر واکا شود موجب القاء امتیاز خواهد بود دیگر چه جای این حرفها است؟

بعد میگویند شرکتی که تشکیل می شود اتباع خارجه میتواند تساهل و چهل و نه درصد از سهام شرکت را خریداری نمایند حالشما می گویند آن دو سه سطر اولی را شما میگویند برداریم؟ این اهمیتی ندارد.

در اصل قضیه اساساً دو فکر است یکی اینکه بعضی ها خیال میکنند سرمایه خارجی ولو است ولی يك فکر دیگر هم هست و آن وضعیت فقر ملکات است که او او هست و دارد ملکات را وضع بدی می کشاند حالا دیگر بسته بنظر آقایان است.

رئیس - رأی گرفته میشود...

بعضی از نمایندگان - خوب است بکنیم که دیگر قرائت شود

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب مجدداً خوانده شد)

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که (جمعی کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد ارجاع میشود بکمیسیون يك فقره پیشنهاد آقای تقی زاده است قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

اینجا بنده توضیح میدهم که راجع باده ۱۳ از امتیاز عصاره گیری سوس در جلسه سابق کردم و یکی از آنها در مجلس قرائت شده و قابل توجه شد و دیگری بدون قرائت در مجلس بکمیسیون رجوع شد تا بنابر رضین يك جمله پیشنهاد میکنم به صورت ذیل:

آخر عبارت بند از جمله (موجب القاء امتیاز خواهد بود) نوشته شود (ولی در

صورتی که موافق ماده ۷ شرکتی تشکیل شود اتباع خارجه هم می توانند شرکت داخل شوند.

ولی فقط قسمتی از سهام سرمایه پرداخته شده شرکت قابل انتقال بخارجه است که بیش از چهل و نه درصد از آراء متعلق به صاحبان سهام به آن قسمت تعلق نگیرد و پس از گذشتن قسمت مزبور بدست سرمایه داران خارجی ایرانیانی که صاحب بقیه سهام هستند هیچوقت حق نخواهند داشت سهم خود را بهیچ نحوی بدولت یا اتباع خارجه منتقل نمایند.

رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - بنده توضیح زیادی ندارم به هم و گمان میکنم مذاکره هم بقدر کفایت شده و بعد از آن آقایان روشن است اگر مقصود این است که این شرکت با اتباع خارجه داده نشود حتماً باید در اینجا شرط شود و گمان می کنم اگر هم در اینجا نوشته شود عیبی نداشته باشد

آقایانی هم که میگویند این قسمت در اینجا تأمین شده و اگر مجدداً نوشته شود توضیح واضح است بنده عرض می کنم اگر حقیقتاً اینطور است که آقایان میفرمایند و مقصود همین است دیگر برای چه اینقدر جد و جهد و اصرار دارند که این توضیح واضح نوشته شود

بنابر این بعقیده بنده باید این قسمت در اینجا نوشته شود تا درست معلوم باشد

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)

آقا شیخ جلال - عرضی ندارم رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - همینطور بکنم فرمودند این مسئله اینقدر ها مهم نیست که ما مصر باشیم که يك عبارتی نوشته شود یا نوشته نشود ولی يك مسائلی همانطور که از يك طرف گفته شده است او طرف دیگر هم باید گفته شود

یکوقت انسان یک مقاصد و نظریاتی دارد که میل ندارد حتی عبارت و کلمات را بخواند یعنی يك ماده که روی کاغذ آمده میل ندارد آنرا بخواند و ببیند که آیا آن مطلبی را که در نظر دارد هست یا نیست تقصیری هم ندارد برای این که ممکن است يك نظرهای دیگری باشد و نظریه های ممکن است يك نظرهای صالحی باشد که حقایق دیده نشود

ولی آن بطی با این قضیه ندارد و يك مطلب دیگری است یکوقت است که ما می خواهیم در ماده سیزده لایحه رپ السوس صحبت کنیم اگر این است که بکلی مقاصد و نظریات رفت کنار و اصل قضیه این شد

آزادگی شبلی عادلانه و خوب می توانیم تصاویر کنیم .
 حتی آقای آوگام می توانند از روی قواعد حقوقی بهتر فضاوت کنند
 در اینجا ما می خواهیم رپالسوس را امتیازش را بدهیم ، به نظر ایرانی که آنها بروند سرمایه تهیه کنند هم از داخلی یا خارجی چون بنده در کمیسیون معتقد به صدوجهل و نه هم نه ، دم و مشر تمام دنیا یک کیانی که تشکیل می شود حق دارد سهام خودش را در تمام دنیا منتشر کند
 ما می خواهیم ببینیم اگر صاحب امتیاز رپالسوس (تمام فرض های آقای آفایشیخ جلال و آقای تقی زاده و تمام مخالفین و راهم جسم می کنیم و فرض می کنیم که این پرده و ماسک هم نبوده و حقیقت بود) و صاحب امتیاز رپالسوس اعلان کرد بشما دنیا که من برای تأسیس این شرکت یک کردور سرمایه می خواهم هر کس مایل است بیاید و بفرود و صدی نود و نه سرمایه داران فرانسوی و امریکائی و روسی و انگلیسی و بلژکی آمدند و خریدند و شرکت راه افتاد و آن فرضی هم که آقای آقا شیخ جلال کردند ، رئیس امریکائی هم مثل رئیس مالیه که که امریکائی است برای شرکت رپالسوس معین کردید بنده می خواهم ببینم آن خطری که متوجه مملکت می شود چیست چرا آنرا می فرمایند؟ این کلمه خارجی مد شده بنده با هیچ خارجی مخالف نیستم اگر مقصود اجرای مداخلت و همان نظر هاست آن یک چیزی است و الا آقایان اینجا فرمودند که اگر صدی نود و نه از این سهام را خارجی خرید اینطور می شود آنروز هم گفتم ، اگر فراموش فرانسویان اینجا تویس شربنی است یا اگر اینطور شد آیا پای هر بوته سوس یک نفر سالدات می ایستد؟ بالاخره بنده مخصوصاً از دوسه نفره مذاکرانی که حضرت آقای تقی زاده فرمودند خیلی تعجب کردم ؟
 برای اینکه مخصوصاً بریزد و فرمودند که باید با سرمایه خارجی موافقت کرد که بیاید اما باید قراول و مستحفظ گذاشتند دروازه مملکت که سرمایه یک طوری نباید بنده که فرمایند ایشان را نه می دیم برای این که درست واضح فرمودند که چطور می شود که خطرناک میشود .
 ایشان تقریباً یک نلک عمرشان را در خارج این مملکت طی کرده اند و این چیزها را دیده اند و خوانده اند و هر روز از جوی چشمشان می گذشته است .
 بعضی از نمایندگان (با همه به همین جهت است)
 شیروانی - اجازه بگیریم بنده فرمایش فرمائید - در آنجا پدیده آنه که یکدفعه در ریاس

باز بزرگ سرمایه دارد در روزنامه اعلان می کند که می خواهم تشکیل فلان شرکت را بدهم سهام خودش را در تمام دنیا منتشر میکنند
 ایشان یک مملکتی را نشان ندادند که وقتی آن سرمایه دار فرانسوی یا جای دیگر رفتی که می خواهد سهامش را بفرودد در آن دروازه بانک (ایشان دروازه مملکت را فرمودند بنده حالا مطلب را کوچک میکنم و دروازه مملکت را دروازه بانک میکنم) که در آن دروازه بانک قراول بگذارند که علامت مخصوص روی پولهای خارجی که می آیند سهام بفرستد بگذارند که همانطوری که فرمودند که سرمایه تسلط پیدا نکنند؟
 فرمودند که در کجای دنیا یک همچو شرکتی بوده است هر روز در روزنامهها میخوانیم روزی نیست که یک شرکتی یا کبابی در دنیا تشکیل نشود و هر روز اعلان نکند و بدین تفاوت نژاد و ملیت و مملکت و دولت سهام خودش را بنده دنیا برای سرمایه و وطن قائل نیست سرمایه یک چیزی است که باید در تمام دنیا کار خودش را بکند و سرمایه دار هم برای دفع خودش هیچ تفاوتی بین پول فرانسه و بلژیک نمی گذارد و این پولیکه می خواهد منفعت ببرد از هر کسی باشد و تابع هر دولتی که باشد آن منفعت خودش را میدهد .
 بنده ممکن است کسی دیگر این حرف را بزند ولی شخص ایشان با اینکه هم طورش را دیده اند بنده از ایشان تعجب کردم و یک مثالی هم ایشان با نشان دادند که چطور می شود ؟
 آقای آقا شیخ جلال اینجا مخصوصاً فرمودند هیچک از دول مقتدر دنیا نیست که خودش را هر روز متزلزل نبیند .
 بنده وقتی ایرا شنیدم واقعا تعجب کردم ما که از دول مقتدر دنیا نیستیم هیچ وقت خودمان را متزلزل نمی دانیم و قطع دانیم که اگر صدی نود و نه سهام این رپالسوس هم مال خارجه باشد با هم مملکت ما متزلزل نمیشود .
 من نمیدانم کدام یک از دول معظم دنیا هر روز صبح که دولتشان میاید پشت میز وزارت خانه می نشیند خودش را متزلزل می بیند؟؟ و خیلی هم دست به ساره برود که مبادا رپالسوسش را یک خارجی ببرد؟
 باره بنظر فرمودند که ماده هفت و سیزده دادن یک امتیاز ماسک و وارست بخارجه اینجاست که بنده یادداشت کرده ام که وقتی آدم مقصودی داشته باشد حقیقت را نمیخواهد ببیند چنانچه اگر عبارت ماده یک و هفت و سیزده را ایشان می خوانند بنده

حتم داشتیم نه ایشان این پیشنهاد را می فرمودند و نه این تغییر ماسک دار را می فرمودند .
 برای اینکه در این ماده اول سر بعهه تیار رامیده بدو فریاری این تمام است . در ماده هفتم مجلس با اجازه بنده که یک شرکتی مطابق مقررات و قوانین ایران تشکیل بدهد این هم محرز است در ماده سیزده امری کند که بهیچ نحوی از انحاء قابل انتقال به خارجه نیست (مخصوصاً ایشان عربی هم بهتر از بنده میدانند) در اینجا تصریح میکنند که بهیچ نحوی از انحاء قابل انتقال نیست .
 فقط کیانی میتوانند صدی چهل و نه از سهام خودش را بیدگران و گذار کنند و این صدی چهل و نه قابل انتقال است آن وقت فرمایش آقای تقی زاده در اینجا درست همانطوری که فرمودند توضیح واضح است زیرا وقتی که ما در اینجا نوشتیم بهیچ نحوی از انحاء قابل انتقال نیست فقط صدی چهل و نه قابل انتقال است
 حالا میفرمایند یک ماده تلافی اضافه کنیم طولانی همانطوری که فرمودند بود که قابل انتقال چیست من تصور می کنم که قانون گذاران اینکار را نکند .
 پس چرا ما مصریم که یک عبارات زانی در قانون بگذاریم همان طوری که در نوشته جات خود ایشان هست که فارسی شکر است این فارسی وقتی شکر میشود که موجز و منطقی باشد و بلخ نوشته شود اما وقتی که نشاند عبارات مکرر و زائد نوشته شد آن زبان فارسی شیرین نمی شود و یک زبان عجیب و غریبی میشود .
 وقتی زبان فارسی شکر است کم خوب نوشته شده باشد و مخصوصاً صد نفر قانون گذار یک عبارات بی مزه و زائد در قانون نباید بنویسند و باید یک عباراتی نوشته شود که حقیقتاً فارسی شکر باشد و همانطوری که عرض کردم ممکن است در یک مواقعی آدم حقیقت را نگاه نکند .
 رئیس - عقیده آقای مغیر چیست؟
 مغیر - بسته است بنظر مجلس
 رئیس - پیشنهاد ایشان مرکب است از یک قسمت جدید و قسمتی که سابقاً قابل توجه شد .
 آقای کازرونی (اجازه)
 کازرونی - بنده خواستم عرض کنم چون بالاخره ماده بر میگردد بکمیسیون این پیشنهاد هم عقیده بنده خوب است برود بکمیسیون چون بنده نمیدانم چه صورت بگرایش رای بدهیم و قبل از اینکه رای بگیریم بهتر این است ارجاع بکمیسیون شود .

شیروانی - نمی شود مخالف با نظامنامه است
 رئیس - عرض کردم پیشنهاد ایشان دو قسمت است یک قسمت جدید است که در سابق پیشنهاد کرده بودند و در مجلس فرات شد و قابل توجه هم نشد ولی یک قسمت دیگرش قابل توجه شد و بکمیسیون ارجاع شد کمیسیون آنرا رد کرد مطابق عمل مجلس آن قسمتی که قابل توجه شده است اگر بخواهید ممکن است آن را تجزیه کنیم و رای فعلی بگیریم .
 تقی زاده ممکن است دوم مرتبه قابل توجه بودنش رای بگیریم
 دکتر آقایان - بنده پیشنهادی کردم که مقدم بر این پیشنهاد است
 رئیس - پیشنهاد شما پیشنهاد حذف است و در آن نمی شود صحبت کرد و چون ماده بکمیسیون ارجاع شده است نسبت به قسمت اول پیشنهاد ایشان رای می گیریم
 یک نفر از نمایندگان - بگم تبه دیگر بفرمائید .
 (مجدداً بشرح سابق فرات شد)
 رئیس - رای میگیریم از اول این پیشنهاد تا آخر این قسمت (که پیش از چهل و نه رسد از آراء متعلق بصاحبان سهام به آن قسمت تعلق نگیرد)
 اگر چه یک اشکال قانونی هم دارد مطابق قانون شرکتها اساس نامه باید شرکاء بر طبق مصالح و مقتضیات وقت تدوین کنند و در آنجا تکلیف اینها را معین کنند . مع ذلک رای میگیریم بقبول توجه بودن این قسمت از پیشنهاد .
 آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمائید .
 (اغاب نمایندگان قیام کردند)
 رئیس - قابل توجه شد . آقای تقی زاده .
 (اجازه)
 تقی زاده - تصور میکنم در قسمت دومش میشد رای قطعی گرفت
 رئیس - اما این عبارت خوب نیست ممکن است بکمیبارت بهتری بنویسند و تانیاً رای بگیریم .
 تقی زاده - بنده حرفی ندارم همه اش برود بکمیسیون
 رئیس - برای جلسه آنبه اگر بخواهید ممکن است بشماش رای قطعی بگیریم - بعضی پیشنهادها دیگر هم هست که با پیشنهاد حذف است با پیشنهاد تجزیه چون فعلانی شود باده رای قطعی گرفت اینها هم ارجاع میشود بکمیسیون چند فقره پیشنهاد شده است راجع بدستور پیشنهاد آقای روحی قرائت میشود (این طور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم طرح طبع فرهنگ نظام الاطباء مطرح شود
 روحی - بنده در اول جلسه نظرم این این بود که پیشنهاد کنم که این طرح طبع فرهنگ نظام الاطباء جزء دستور شود و مامتاسفانه ، وفق نشدم و در جلسه قبل هم آقای دست غیب پیشنهاد کردند که همین مسئله جزء دستور شود و تصویب شد
 چون مطابق اطلاعات خصوصی این یک فرهنگی است که بالغ بعد وزارت است و حاصل یک عمر مرحوم نظام الاطباء است و همه آقایان هم دیده اند و در کمیسیون هم قابل توجه شده است پنج دقیقه وقت هم بیشتر لازم ندارد که آقایان در قابل توجه بودنش رای بدهند - از این جهت تقاضا میکنم جزء دستور شود
 رئیس - آقا آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - مخالفت بنده اولاً برای این است که قبلاً در دستور معین شده بود که همه از لایحه رپالسوس وارد در دیون دولتی شویم چون این کارها یک مجلس هم دارد خانه پیدا میکنند بنده عقیده ام این است که باید این لایحه در اینجا مطرح شود تا تکلیف این بچاره ها معین شود و اینجا بیرون بروند
 و تانیاً بنده عرض می کنم اساساً ما نمیتوانیم بر گردیم بزمان کیومرث که به پیشم اورمزد میکنند یا خدا همانطوری که جامعه ترقی میکند و ملت بزرگ میشود همانطور لغات بالا می رود
 مساجه کار داریم باینکه زمان کیومرث خشایارشا یا اورمزد میکنند ما باید مطابق احتیاجاتمان لغت داشته باشیم - شما می فرمائید که ما بر گردیم بزبان کیومرث یا اینکه پیشین در زمانیکه داریوش در کوه بیستون آن صورت هارا میکشید چه لغتی را استعمال میکرد است ؟ این چه فایده برای ما دارد ؟
 بنده معتقدم که کمال لغات مائوسه پیدا کند اما یک چیز هائیکه هیچ ربطی بقومیت و ملیت و ترقی ما ندارد از یک طرف ما میگوئیم تجدید ویم و از یک طرف بر میگرددیم بزمان قبل از کیومرث
 بنده عقیده دارم بجمع کردن لغاتی که ما احتیاج داریم اما یک لغاتی را که مدرس شده حالا آنها را جمع کنیم - لغات فردوسی هیچ وقت از بین نخواهد رفت چرا آن لغات را جمع نمی کنید که مطابق احتیاجات ملت و برای سیر ترقی ملت لازم است لغت های پوسیده هر چوقت تجدید نمی شود افزایش را بپوشد افزاز آب خیلی هم نوشند ولی آیا کسی افزایش را افزاز آب گفت ؟ خیر چون ما هیچ احتیاج نداریم

بنده میفرمایند چاپ کنیم با کدام بودجه آیا بوزارت مالیه رفته است ؟ چون عهد مالی دارد ملاحظه فرمائید با کدام پولمان این کار را بکنیم
 با چه پولی این را طبع کنیم حالا از اطراف تیر تهمت به من میزنند که این برخلاف قومیت و ملیت و لغات قدیم است برخلاف تاریخ مجسم است نه و لایحه برخلاف اینها نیست بنده موافق هستم باینکه روح تجدید و تالی که اسان ما مطابق تجدید ترقی و تالی نماید نه اینکه سیر قهقرائی بکنیم
 بنده با این پیشنهاد جدا مخالف هستم زیرا معلی برای چاپ کردن این چیزها نداریم پولمان کجا بود
 رئیس - رای میگیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمائید
 (عده قلیلی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد - آقای افسر
 افسر - پیشنهاد بنده را بعد از رپالسوس رای بگیریم
 رئیس - آقای افسر پیشنهاد خودشان را راجع با استخدام یا یاریان تجدید میکنند اگر آقایان مخالف نیستند جزو دستور شود .
 شیروانی - مخالفم
 رئیس - قبلاً مذاکره شده است آقایانیکه با پیشنهاد ایشان موافقت فرمائید
 (عده کمی برخاستند)
 رئیس - تصویب نشد - اگر آقایان لطف فرمائید چیزهایی که جزو دستور می شود موافقت فرمائید مطرح شود و زود تر بگردد تصور میکنم تمام لوابهی که منظور نظر آقایان است بگذرد و الا این زیر آلوده باز بنده پیشنهاد شده است و حق هم با بنده هم مطابق نظامنامه اعتراض ندارم ولی متاسفانه این ترتیب عملی نیست نه لاف قدری تنفس میدهم تا بعد در پیشنهاد هاماندا کرده شود
 (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل میشود)
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب سؤالی از وزارت عدلیه داشتید آقای وزیر عدلیه تشریف آورده اند سؤالتان را فرمائید
 آقای سید یعقوب - از قراری که تحقیق شد و آقای وزیر داخله هم اینجا در روز آمده بودند و اظهار میداشتند معلوم شد که این مسئله را تا اندازه خود هیئت دولت

بنده میفرمایند چاپ کنیم با کدام بودجه آیا بوزارت مالیه رفته است ؟ چون عهد مالی دارد ملاحظه فرمائید با کدام پولمان این کار را بکنیم
 با چه پولی این را طبع کنیم حالا از اطراف تیر تهمت به من میزنند که این برخلاف قومیت و ملیت و لغات قدیم است برخلاف تاریخ مجسم است نه و لایحه برخلاف اینها نیست بنده موافق هستم باینکه روح تجدید و تالی که اسان ما مطابق تجدید ترقی و تالی نماید نه اینکه سیر قهقرائی بکنیم
 بنده با این پیشنهاد جدا مخالف هستم زیرا معلی برای چاپ کردن این چیزها نداریم پولمان کجا بود
 رئیس - رای میگیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمائید
 (عده قلیلی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد - آقای افسر
 افسر - پیشنهاد بنده را بعد از رپالسوس رای بگیریم
 رئیس - آقای افسر پیشنهاد خودشان را راجع با استخدام یا یاریان تجدید میکنند اگر آقایان مخالف نیستند جزو دستور شود .
 شیروانی - مخالفم
 رئیس - قبلاً مذاکره شده است آقایانیکه با پیشنهاد ایشان موافقت فرمائید
 (عده کمی برخاستند)
 رئیس - تصویب نشد - اگر آقایان لطف فرمائید چیزهایی که جزو دستور می شود موافقت فرمائید مطرح شود و زود تر بگردد تصور میکنم تمام لوابهی که منظور نظر آقایان است بگذرد و الا این زیر آلوده باز بنده پیشنهاد شده است و حق هم با بنده هم مطابق نظامنامه اعتراض ندارم ولی متاسفانه این ترتیب عملی نیست نه لاف قدری تنفس میدهم تا بعد در پیشنهاد هاماندا کرده شود
 (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل میشود)
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب سؤالی از وزارت عدلیه داشتید آقای وزیر عدلیه تشریف آورده اند سؤالتان را فرمائید
 آقای سید یعقوب - از قراری که تحقیق شد و آقای وزیر داخله هم اینجا در روز آمده بودند و اظهار میداشتند معلوم شد که این مسئله را تا اندازه خود هیئت دولت

در نظر گرفته و در جریان است از این جهت دیگر بنده سؤال نمیکنم
 وزیر عدلیه - چنانچه خاطر معترم آقایان مسبق است که در قانون استخدام قضات ماده که راجع بمجازات متعلقین از قوانین باشد در آنجا چیزی ذکر نشده باین جهت یک ماده وزارت عدلیه پیشنهاد کرده است که از طرف مجلس شورای ملی اجازه داده شود که مفاد ماده ۴۲ قانون استخدام کشوری نسبت بقضات هم شامل بشود که یک نظامنامه برای مجازات قضات نوشته شود
 یک فقره دیگر هم لایحه است راجع به زمین زبته رئیس محکمه تجارت که آنهم تقدیم میشود راستما دارم این دو لایحه هر چه زودتر در کمیسیون مورد تصویب واقع شود که در عمل وزارت عدلیه نهایت احتیاج را باینجا دارد
 رئیس - ارجاع میشود به کمیسیون - ج می از آقایان پیشنهاد کرده اند که قانون میزنی جزو دستور شود و مغیرش هم گویا معین شده است
 یعنی آقای حایری قبول کرده اند بنا بر این پیشنهاد آقای مدرس یک مرتبه دیگر قرائت می شود و عقیده کمیسیون هم معلوم میشود و رای میگیریم
 (شرح ذیل خوانده شد)
 ماده الحاقیه - دولت موظف است در حین میزنی املاک را باین املاک خالصجات انتقالی را میزنی نماید .
 مغیر پیشنهاداتی که راجع بمخالصجات انتقالی بکمیسیون رسیده چون کمیسیون سرعت نمی توانست در این باب تصمیمی بگیرد و مرض مجلس برسانند و اسباب معطلی این قانون میشد از این جهت نظر کمیسیون این شد که این مسئله را از قانون میزنی جدا کنند راجع به پیشنهاد آقایان که در کمیسیون است با دولت مذاکره شود و ایرت جدیدی در این موضوع تقدیم مجلس بشود
 بنا بر این از آقای مدرس استفاده میکنم که این پیشنهاد را استرداد فرمائید تا ما ایرت جدیدی تقدیم نمائیم
 مدرس - بسیار خوب حالا که اینها وارد اظهار فرمودند من هم مضایقه ندارم که برود بکمیسیون و تجدید نظری درش بشود و بعد در موقع مجدداً پیشنهاد بشود
 شیروانی - اجازه میفرمائید بنده هم در این زمینه پیشنهادی داده ام که آقای مغیر قبول فرمائید آنهم برود بکمیسیون
 رئیس - پیشنهاد دیگری است از طرف جمعی از آقایان راجع بتعیین مالیات خالصجات انتقالی از قرار صد ده بهامضای آقایان شیروانی ، افسر و مهدوی وعده دیگر از آقایان بنا بر این اینهم ارجاع میشود به کمیسیون (خطاب با آقای شیروانی) این پیشنهاد همان است که میفرمائید؟

شیروانی - بلی
 رئیس - بسیار خوب - ارجاع می شود بکمیسیون - دو فقره دیگر پیشنهادات از طرف آقای کازرونی و آقای اسمعیل خان قشقائی راجع بالحق کلمه خرما یک مرتبه رای میگیریم به قبول این تقاضا که تجدید رای شود اگر تصویب شد آن وقت نسبت بان رای میگیریم
 (دو فقره پیشنهاد بشرح ذیل خوانده شد)
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که ماده الحاقیه ذیل شصیه قانون میزنی شود
 ماده الحاقیه - خرما شامل ماده ۲ و تبصره آن خواهد بود
 پیشنهاد آقای قشقائی - بنده پیشنهاد می کنم که ماده الحاقیه ضمیمه شود
 ماده الحاقیه - خرما شامل ماده ۲ و تبصره آن خواهد بود
 رئیس - در تبصره ماده دوم کمیسیون رای داده است اینطور تصریح شده است که مقصود مالیات جنسی گندم و جو و شلتوک است و در همان تاریخ هم کلمه خرما پیشنهاد شد و بعد تقاضای تجزیه شد و بر حسب تقاضای بنده از آقایان باور فرمایید که تقاضای این تقاضا حالا اول رای میگیریم به قبول این تقاضا که تجدید رای باشد اگر تصویب شد آنوقت رای میگیریم
 اگر تصویب شد که هیچ آقایانی که موافقت با تجدید رای نسبت باین پیشنهاد قیام فرمائید
 (عده قلیلی قیام نمودند)
 رئیس - تصویب نشد آقای کازرونی (اجازه)
 کازرونی - اولاً بنده یک همچو قاضی ندیده بودم که یک پیشنهاد باینکه کلمه بلانکلیف مانده بوده است بعد برای تجدید رای آن در حالتی که آن پیشنهاد بقوت خودش باقی است زیرا مجلس نغیا و اثباتاً اظهار عقیده نکرده است
 حالا رای گرفته شد بسیار خوب بنا بر این تکلیف فعلی این پیشنهاد چیست رد شد معلوم نیست در نشست مجلس که رای نداد وارد مذاکره بشود هر صورت بنده واقعا متحیرم که تکلیف این موضوع چیست
 رئیس - در بودجه سته گذشته اگر بخاطر تان باشد یک قلمش بلانکلیف مانده ولی بودجه برای آن معطل نماند اینهم همان طور است شروع میشود به شور در کلیات لایحه میزنی
 مغیر - اجازه میفرمائید؟ در ماده هفت در تبصره راجع بحیوانات یک کلمه (وقیره) در آنجا شوشده نوشته نشده است راستما دارم این کلمه هم اضافه شود بعد در کلیات وارد شویم
 ماده هفت منویسند عوامل زراعتی از

فیل گاو و گاو میش کار واسط و فاطر و
 الاغ که احتیاجات زراعتی
 را مرتفع میسازد از تادیه مالیات معاف
 است این کلمه (و غیره) باید بعد از الاغ
 اضافه شود که شامل مادیان و شتر اینها هم
 بشود و این در موقع صدور رایرت اشتباه
 شده است از این جهت خواستم یادآوری
 کنم
 رئیس - کمیسیون هم همین طور تصویب
 کرده بود
 مغیره بلبی
 رئیس - مخالفی نیست
 (اظهار شد خبر)
 رئیس - اصلاح میشود در کلیات
 شروع میشود
 کارروئی - بنده پیشنهادی کرده ام
 رئیس - یک تکلیفی برای موقع دادن
 پیشنهاد بر مائید ! ! الی غیرالتابه که
 نمی شود پیشنهاد قبول کرد ! ! پیشنهادی
 در اینجا نبود بنده هم شور در کلیات را
 اعلام کردم و بعد از آنکه شور در کلیات
 اعلام شد متأسفانه پیشنهاد جناب عالی
 رسیده
 آقای آقا میرزا محمد خان وکیل
 (اجازه)
 میرزا محمد خان وکیل - بنده در
 ظرف چهار سال یعنی دودوره بسکه در این
 قانون مخالفت کردم حالا دیگر میل ندارم
 یک کلمه عرض بکنم زیرا آقایان اغلب
 حرفهای بنده را تلفت و عریاض بنده را
 شنیده اند و حالا فقط بطور اختصار عرض
 میکنم آن این است که در این مملکت
 حرفها غالباً فراموش میشود هر چه اینجا
 گفته میشود مرود در دفتر را که مجلس
 ضبط می شود در ماده اول هم بنده در اینجا
 نبودم و گذشت ولی حالا بطور اختصار
 عرض کنم
 زیرا اگر بخواهم عریاض سابق را
 تکرار کنم بقیه دارم چهار ساعت باید
 پشت کرسی نطق باشم چون می بینم که
 آقایان میل دارند که این قانون خاتمه پیدا
 کند و زودتر بگذرد بنده هم خودم با این
 نظریه موافقم
 از این جهت دیگر آن عریاض را
 عرض نمیکنم چون می بینم دفعه آخر است
 و شور در کلیات است و بنده هم فرصت دیگری
 بدستم نخواهد آمد که بیایم اینجا وقتا کرده
 کنم این است که حالا بطور اختصار عرض
 می کنم
 این قانون را باید در این مملکت معری
 کنیم ولی بنده هر چه فکر کردم نفهیم
 طریقه اجرای این قانون چطور است
 مثلاً بنده نمیتوانم این مالیات را از رعیت
 می گیرند مالک می گیرند از کی می گیرند؟
 آنروز اینجا اظهار شد از مالک می گیرند
 حالا از رعیت می گیرند یا مالک
 ولی بنده حالا اشکال هر دو طرف را

مرض می کنم وضع معامله در این مملکت
 متفاوت در هر نقطه ایران بواسطه تفاوت
 آب و هوا است مددی که دارد معامله بین
 رعیت و مالک متفاوت است یکجا صد بیست
 می گیرند یکجا صد پنجاه می گیرند یکجا
 صد شصت می گیرند یکجا هفتاد می گیرند
 و اینها فقط بواسطه استعداد آب و زمین
 است
 مثلا اصفهان استعدادش زیاد است
 معامله بین رعیت و مالک صد بیست و یک است ولی در
 آذربایجان و کرمانشاه و کردستان چون
 استعداد ندارد صد بیست و صد بیست و
 صد بیست و دو می گیرند
 بنده اینجا هر چه فکر کردم دیدم
 اگر باین ترتیب گرفته شود و نتیجه اش این
 می شود که بطور کلی مثلا مالک سوه و زره
 صدی سی از عایداتش را میگیرند ولی
 یک نفر آذربایجانی صد بیست و دو از
 گرفته اند یا یک نفر کردستانی صد بیست
 و هفت داده است
 بنده تمام اینها را حساب کرده ام اگر
 آقایان عریاض با رسال بنده را در نظر بیاورند
 کاملاً بهشان ثابت خواهد شد
 و چون اینجا عمل مباحثه نیست که
 بگویم و بشنوم ولی حاضر در بیرون به
 آقایان ثابت بکنم آنوقت ببینند در هر
 نقطه از ایران یک قسم مالیات می گیرند
 یا نه ؟
 ولی حالا چون اغلب آقایان به بنده
 اظهار کردند که بمذاکرات خودم ادامه
 ندهم از این جهت چیزی اظهار نمیکنم
 فقط عرض می کنم که اجرای این مالیات در
 هر جا مستلزم اشکالات بزرگی است و
 چون می فرمایند اظهاری نکنم با این که
 خیلی چیزها را یادداشت کرده بودم بیش از
 این چیزی عرض نمیکنم
 جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات
 کافی است و بعضی گفتند کافی نیست
 رئیس - آقای کارروئی چه میفرمائید
 کارروئی - بنده مخالف با تکلیف است
 مذاکرات
 رئیس - بفرمائید
 کارروئی - متأسفانه ما می خواهیم مابین
 اعداد یعنی افسراط و تقریبات را جمع
 کنیم
 یکوقت یکماده قانون که خیلی صاف
 و ساده است میآید بمجلس و بقدری در اطرافش
 حرف زده می شود که اوقات مجلس و و کلاً
 در اثر آن مذاکرات طولانی صنایع
 میشود
 اما در یک قانون عام البوائی که محل
 احتیاج مملکت است بگرمتره این خیال پیدا
 میشود که بگویند مذاکرات کافی است و
 اجازه نمی دهند که اتلاً یکی دو نفر عقیده
 خودشان را اظهار کنند
 من از حق خودم که پیشنهاد داده بودم
 حالا در آنچه بودم

یا در اثر زیادی پیشنهادات بود که
 بنده فداشدم و پیشنهاد بنده خوانده نشد
 معروف ماندم کاری بان ندارم و حالا آقایان
 هنوز مذاکره نشده مذاکرات را کافی
 می دانند ولی بنده در هر صورت کافی نیستم
 رئیس - رأی می گیریم ب تکلیف است
 مذاکرات آقایانی که کافی می دانند
 قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - معلوم میشود کافی است رأی
 گرفته میشود باورقه نسبت باین قانون که
 مشتمل بر شانزده ماده اصلی و دو ماده الحاقیه
 است که مجروح میشود و بیست و یک ماده آقایانی
 که تصویب می کنند و زرقه سفید والا و زرقه
 کبود خواهند داد
 (اخذ و استتراج آراء بعمل آمد نتیجه
 بقرا ذیل حاصل شد)
 زرقه سفید ملامت قبول ۶۶ و زرقه کبود
 علامت رد
 رئیس - عدده حاضر نود و دو با اکثریت
 شصت و شش رأی تصویب شد
 اسامی موافقین :
 آقایان میرزا حسنخان بیرنیا
 میرزا رضاخان حکمت - سید کاظم خان
 اعتماد - میرزا احمدخان اخگر - میرزا
 یوسفخان قائم مقام - میرزا حسینخان هلائی
 کی استوان - میرزا عبدالعزیز صدر - آقا
 سید حسن تقی زاده
 حیدرقلی میرزا حشمتی - سید علاءالدین
 بهبهانی - شیخ جلال الدین - میرزا حسینخان
 بیرنیا - آقا سید محی الدین - میرزا سید
 حسن کاشانی - آقا رضا تنجید - میرزا ابراهیم
 خان سهراب زاده - حسن علیخان فرزند
 میرزا محمد تقی ذوالقدر - شیروانی
 عباس میرزا فیروز - شیخ محمدعلی
 طهرانی - میرزا هاشم آشتیانی - اکبر
 میرزا - شیخ الاسلام ملایری - میرزا محمد
 حسین صدرانی - میرزا صادقخان اسکیر
 آقا سید یعقوب - میرزا آقاخان دیوانبیک
 میرزا عبدالعزیز مفتی
 فتح الله میرزا رهبری - علیخان اعظمی
 میرزا عبدالله خان معتد - میرزا محمود
 خان وجیه - دکتر امیرخان اعلم - دکتر
 ضیائی - میرزا محمد تقی بهار - آقا سید حسن
 مدرس - سید ابراهیم ضیاء
 سلیم ایزدی - میرزا احمد خان شریعت
 زاده حبیب الله خان شادلو - آقا شیخ هادی
 طاهری - سید ابوالفتح - میرزا حبیب الله
 خان کمالوند - سیداله خان اسکندری
 سید محمد علی شوشتری - دکتر آقایان
 حاج میرزا احمد خان انابیک - دکتر
 حاجتخان بهرامی - میرزا رضا خان افشار
 پچی زنگنه - سلطان ابراهیمخان افخمی
 امیر حسینخان بختیاری - محمد تقیخان اسه
 هایم

حاج سید محمد باقر دست غیب - میرزا
 محمد خان معظی - حاج میرزا علی رضا
 قمی - میرزا جوادخان نوی - میرزا مهدیخان
 زاهدی - محمد علی میرزا فیروز - ارباب
 کیخسرو شاهرخ - آقا رضا مهدوی - محمد
 ولیخان اسدی - روحی
 اسامی مخالفین - میرزا علی کازرونی
 میرزا محمد خان وکیل - میرزا شهاب الدین
 سلیمان میرزا - حاج میرزا اسدالله خان
 کردستانی
 رئیس - پیشنهاد آقای افسر
 (شرح ذیل قرائت شد)
 بعد از تمام شدن رای تقاضا دادم ماده
 بنده جزو دستور بشود
 (خنده نمایندگان)
 افسر - مقصود از ماده همان ماده الحاقیه
 است آنروز هم عرض کردم امروز هم با آقای
 مغیره مذاکره کردم و اصلاحی هم کردم ایشان
 هم قبول کردند و حالا هم با عرض می کنم
 برای اینکه تمییز نشود این ماده را بنده
 پیشنهاد کرده ام و اگر آقایان موافقت فرمایند
 خوانده شود آقای مغیره هم قبول فرمایند
 و نگذارند یکماده باین مهمی از بین برود
 و الا این ماده الحاقیه جزو دستور گذاشته
 شود
 مغیره - بنده بعنوان مدبری دیگر نمی
 توانم چیزی عرض کنم ولی چون آقای افسر
 فرمایشاتی فرمودند بنده میتوان حضور
 کمیسیون قوانین مالبه عرض میکنم که در
 کمیسیون نظری گرفته شد که پیشنهادات
 راجع به این قانون هر چه هست بماند تا
 بانوائق نظر دولت معالمانی بشود و ایرت
 جدیدی تقدیم مجلس بشود و این هم چون
 در عداد همان پیشنهادات است اگر آقای
 افسر مایل باشند ارجاع شود ب کمیسیون که
 در ضمن تکلیفش معلوم شود
 رئیس - درموقی که آقای مغیره این
 اظهار را کردند آقای افسر تشریف نداشتند
 سایر آقایان که پیشنهاد داده بودند این ترتیب
 را قبول کردند ولی در حال نبودن نمایندگان
 این پیشنهاد راه نظامنامه دارد ؟
 دست غیب - بنده اخطار نظامنامه
 دارم
 رئیس - کاری نکرده ایم که اخطار
 نظامنامه در ایرد ملی معذک بفرمائید
 دست غیب - این ماده راجع بقانون
 مدبری است یا نه اگر هست که شور در آن
 تمام شده و دیگر نمی شود مذاکره کرد و
 اگر طرح جدیدی است که طرح جدید
 باید ارجاع بشود ب کمیسیون متکرات و
 در آنجا قابل توجه شود و از مجلس مجدداً
 بر گردد ب کمیسیون و اگر کمیسیون بیاید به
 مجلس و اگر راجع بخبر دیگری است و
 آقای افسر می خواهند ماده شان را مطرح بکنند
 آن چیز دیگری است
 رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی ایشان

خصوصیتی دارد که بلا حظه آن خصوصیت
 ایشان پیشنهاد کردند و آن این است که
 بر حسب رأی مجلس در جلسه قبل قابل توجه
 شد ولی حالا ممکن است با آن نظر آقای
 مغیره موافقت بفرمایند تا ایرت جدید داده
 شود
 پیشنهاد ختم جلسه هم شده است
 آقا سید یعقوب - بنده مخالفم
 رئیس - بفرمائید
 آقا سید یعقوب - بنده از این جهت
 با ختم جلسه مخالفم که مگر اینجا گفته شده
 که مجلس رو بتمام شدن است و تکلیف
 این بیچاره هائی که در این مجلس مانده اند
 معین نشده است
 بنده عقیده ام این است که خوب است این
 دیون دولتی را جزو دستور قرار دهند که
 تکلیف این بیچاره ها هم معین بشود این
 است عقیده بنده
 وزیر عدلیه چنانچه خاطر معترم آقایان
 مسیوق است لایحه راجع بسبب ویرت مدها
 است تقدیم شده و در کمیسیون هم تصویب
 شده و ایرتش هم حاضر شده از این جهت
 استفاده می کنم که برای جلسه آتی جزو دستور
 قرار بدهند چون بیش از این نشود و او را بلا
 تکلیف گذاشت و با احتیاجی که وزارتخانه
 باین شخص دارد مقتضی است که هر چه زودتر
 تکلیفش معین شود
 رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد
 آقای شوشتری راجع ب ختم جلسه آقایانی
 که تصویب می کنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد - جلوه آتی روز
 سه شنبه دستور هم اولاً انتخاب و تقرض
 برای کمیسیون عدلیه تا بقیه خبر های
 کمیسیون متکرات که البته هر چه زودتر
 مجلس تکلیفش را معین کند بهتر است و
 بعد هم پیشنهاد آقای وزیر عدلیه راجع به
 مسیوقرتی ریس از آن ملاحظه به دیون دولتی
 و مشتملاً استخدام با باران راهم آقایان بفرمایند
 جزو دستور شود
 (مجلس یک ربع بعد از ظهر ختم
 شد)
 رئیس مجلس شورای ملی
 سید محمد تدین
 مشی م شهاب
 علی خطیبی

حاج آقا رضا رفیع - قبل از دستور
 مرض دارم
رئیس - آقای افشار
 (اجازه)
افشار - قبل از دستور
رئیس - آقای شوشتری
شوشتری - قبل از دستور
رئیس - آقای سهراب زاده
سهراب زاده - قبل از دستور عرض
 دارم
رئیس - آقای حائری زاده
حائری زاده - قبل از دستور عرض
 دارم
رئیس - آقای کلارونی
کلارونی - بنده هم قبل از دستور
 عرض دارم
رئیس - آقای ملک
حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور
رئیس - آقای تهرانی
آقا شیخ علی تهرانی - بنده را جزء
 دیر آمدگان بی اجازه نوشته اند بنده اجازه
 خواستم
رئیس - اصلاح می شود دو لایحه که
 از طرف وزارت عدلیه راجع باصلاح قانون
 استخدام قضات تقدیم مجلس شد ب کمیسیون
 تجدید نظر در قانون استخدام کشوری
 فرستاده شده است ب کمیسیون عدلیه چون
 سابقه اش راهم بنده نگاه کردم دیدم اصل
 قانون اصل استخدام قضات هم ب کمیسیون
 عدلیه در دوره چهارم ارجاع نشده بود
 در صورت مجلس نوشته شده است ب کمیسیون
 عدلیه ارجاع شد باید اصلاح شود نسبت
 بصورت مجلس آقایان فرمایش دارند ؟
 (گفته شد : خیر)
رئیس - صورت مجلس تصویب شد
آقای حاج آقا رضا رفیع
 (اجازه)
حاج آقا رضا رفیع - در چند سال قبل
 برای اتفاق ناگواریکه در کلبان روی
 داده بود یکماده سی هزار نفری از شهر
 رشت با طرف مهاجرت کردند - فرار
 کردند ب جنگلها و دهان اطراف و تقریباً
 دوهزار نفرشان ب تهران آمدند و بعضیها
 در راه ما مردند و ب زحمت های زیاد دچار
 شدند
 آن هائی که ب تهران آمدند در تهران
 بودند تا بهمت حضرت اشرف آن روز و
 اعلیحضرت امروز اسباب آسایش آن ها
 رفتی که در تهران بودند برای بیچارگی
 و فلاکت و بدبختی آن ها دوات وقت این
 طور صلاح دانست که بتوان فرضه از
 نقطه نظر عزت نفس آن ها بانها چیزی
 داده شود
 پنج سال از این مابین گذشته است و الا بنظر
 صدی نمیتوانم چند مالبه حسابی بالا آورده
 و یک تلگرافی از آنجا کرده اند ب سختی

از ما مطالبه می کنند با تنزیل و استدعا
 کرده اند از مقام محترم مجلس که بدولت
 تذکر داده شود همان طور که با مهاجرین
 و فلکزدگان خارجه در ممالک خارجه رفتار
 می شود و ما نظرها ب ما رفتار شود
 از این جهت بنده این ورقه را تقدیم
 می کنم و از حضور مقدس ریاست پناهی
 تقاضا میکنم که بدولت تذکر داده شود
 و آقایان هم باینده کمک بفرمایند که این
 قضیه حل بشود
 جمعی از نمایندگان - صحیح است
حاج آقا رضا رفیع - در باب جنگل
 هم که در چند جلسه قبل عرض کرده بودم
 جنگل نیست یک خارجه است - در یک همجو
 مملکتی که از آنجا چهار میلیون پوت
 برنج بخارجه فرستاده میشود اگر این درخت
 ها را بزود نمیتواند زراعت کنند
 خواهش میکنم که در این خصوص مجدداً
 تذکر داده شود که اسباب راحتی مردم آن
 جا فراهم شود
رئیس - هر دو قسمت تذکر داده خواهد
 شد
 جمعی از نمایندگان - دستور
رئیس - وارد دستور شویم ؟
افشار - بنده مخالفم
رئیس - آقای افشار
 (اجازه)
افشار - بدبختانه وقت مجلس
 خیلی کم است در نظامنامه هم برای
 سئوال یک مدنی معین نشده است که از
 وزیر که سئوال می شود در ظرف یک
 مدت معلومی حاضر برای جواب شود
 اغلب آقایان می دانند که بنده
 در سال گذشته راجع باهانه اردمیه یک
 سئوالی از وزیر مالبه وقت کرده ام و تا
 به حال حاضر برای دادن جواب نشده اند
 لهذا بنده مجبورم یک مطالبی و یک قرار
 داده امی که مخالف اصول حاکمیت
 ملی ما با اجانب در خارج بسته شده و
 صورت سواد صدق آنها را تحصیل کرده ام
 و اگر سئوال کنم در دوره ششم هم شاید
 وزیر برای جواب حاضر نشود بین سواد
 صدق آنها را برای استحضار خاطر
 آقایان نمایندگان محترم در این جا
 بخوانم
رئیس - جنابعالی بعنوان مخالفت با
 ورود در دستور این جا آمدید حرف
 بزنید
افشار - اگر آقایان اجازه میدهند
 بخوانم
 دو سه نفر از نمایندگان -
 بخوانید
نجات - شاید صلاح نباشد
رئیس - مسئله صلاح نیست طرف
 باید این جا باشد و جواب بدهد سئوالتان
 را تجدید کنید بنده بهر وسیله باشد وزیر
 را می گویم بیاید این جا جواب بدهد

افشار - بنده راجع به قرارداد
 بختیاری ها که در ۱۹۰۵ با کبیانی
 نفت جنوب بسته شده است از وزارت
 مالبه سئوالی دارم
رئیس - لایحه تفریح بودجه مجلس
 از بابت سنه ۱۳۰۲ تهیه شده است به
 کمیسیون محاسبات مجلس فرستاده
 می شود
 طرح قانونی است از طرف عدله
 زیادی از آقایان نمایندگان قرائت
 می شود
 (شرح ذیل خوانده شد)
 بر نمایندگان محترم پوشیده نیست
 که رعایت احترام و تجلیل گذشتگانی
 که متشاء خدمات اساسی به مملکت
 بوده اند موجب تشویق و خدمت و تنها
 سبب تکثیر خادمین وطن است و نظر
 باینکه علاقمندان به سعادت ملت و هوا
 خواهان ترقی مملکت خاصه نمایندگان
 محترم مجلس شورای ملی با سرمایه خدمات
 اشخاصی را که خدمات نمایانی ب وطن
 نموده اند قرض و لازم میدانند اعطاء
 کنندگان ماده واحد ذیل را ب قبه دو
 قودیت پیش نهاد و برای تصویب تقدیم
 می نماید
 ماده واحد - مجلس شورای ملی
 تصویب می نماید که دولت محل مناسبی
 را بدین خادمین وطن که خدمات آنها
 موجب حفظ استقلال مملکت و تأمین
 سعادت ملت است با تشرف مجلس شورای
 ملی تخصیص و ب همدین خادمین وطن
 موسوم گرداند و آناری بنام مرحوم کریم
 خان وکیل در آن بنا نموده و با نظر
 اداره میاشرت مجلس با طرز و اسلوب
 شایانی آن را تعمیر و مغارج آن را در
 ضمن بودجه تقدیم مجلس شورای ملی
 بنماید
 کارروئی - امضاها بش را بخوانید
 اسامی امضاء کنندگان بشرح آتی
 قرائت شد
 سید ابراهیم ضیاء - علوی - محمد
 ولی اسدی - شوشتری - محمد علی
 طهرانی - کی استوان - روحی - حسن
 ملک - سلطانی - میرزائی - امامی
 شوئی - دیوان بیگی - یوسف عدل
 ذوالقدر - محقق - تنجید - شیروانی
 علاءالدین بهبهانی - میرزا آقاخان
رئیس - آقای نظامی
 نظامی - موافقم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - عرضی ندارم
رئیس - آقای طهرانی هم که جزو
 امضاء کنندگان هستند - آقای شوشتری
 شوشتری - موافقم
رئیس - آقای شریعت زاده
 شریعت زاده - موافقم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 ۱۶۸۸
 صفحه ۱۶۸۸
 روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 ۱۶۸۸
 صفحه ۱۶۸۸
 روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 ۱۶۸۸
 صفحه ۱۶۸۸
 روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 ۱۶۸۸
 صفحه ۱۶۸۸
 روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 ۱۶۸۸
 صفحه ۱۶۸۸
 روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 ۱۶۸۸
 صفحه ۱۶۸۸
 روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 ۱۶۸۸
 صفحه ۱۶۸۸
 روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 ۱۶۸۸
 صفحه ۱۶۸۸
 روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 ۱۶۸۸
 صفحه ۱۶۸۸
 روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 ۱۶۸۸
 صفحه ۱۶۸۸
 روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 ۱۶۸۸
 صفحه ۱۶۸۸
 روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 دوره پنجم

رئیس - مخالفی ندارد .
 کازرونی - اجازه می فرمائید .
 رئیس - بفرمائید .
 کازرونی - بنده با اصل موضوع موافق یعنی در خصوص تاسیس مقبره برای کریم خان و کبلی که خدمانش بر احدی پوشیده نیست ولی دیدم در ابتدای این طرح یک عبارتی نوشته شده که برای کلیه خادمین وطن یک مقبره درست می کنند .
 بنده به آقایان تذکر می دهم که در تحت این عنوان یک مجلسی خواهد شد که هر کس که اهل نفوذی بکند جزه خادمین وطن خواهد شد .
 این را در نظر بگیرند زاین الفاظی که کشدار است و ممکن است تعمیم پیدا کند در یک لایحه وارد نکنند .
 اگر حقیقه منظور آن این است که یک تعظیم و تکریمی بخدمات تاریخی مرحوم کریمخان و کبلی کرده باشید بسیار خوب و الا معلومست چه خواهد شد نقطه من این است که عرض کردم .
 رئیس - آقایان خواهانند .
 آقای سید ابراهیم ضیاء - آقای آقا سید یعقوب اجازه خواسته اند .
 آقای سید یعقوب - از توضیح هم در میروید ؟ بنده اول جواب آقای کازرونی را می دهم که می گویند هر کس افعال نفوذ کرد جزه خادمین میشود بنده امروز نسبت می گویم که بکنفران خادمین وطن هستم اگر و انیت نداشته باشد پس فردا دست حقیقت و تاریخ آرا معلوم میکند .
 مسلم کریمخان زند همه میدانند یکی از پادشاهان عدالت گستر ایران بود و اول کسی بود که در دوره اسلامی نام و کالت را نسبت بملت قرارداد و خودش را گفت من و کبلی را هیا هستم و باین عنوان پادشاه جدید نسبت باشم بزرگ که تاریخ ایران را زنده کرد و آن خدمات تاریخی را کرد و حالا بنده نمیخواهم شرح تاریخ و جنگها او را در آذربایجان با روسیه شرح بدهم برای اینکه تمام تاریخ قاجار به اینها را از بین برد و لیکن امروز حقیقت بروز میکند .
 بنده یک نفر شیرازی از یکی از دهات شیراز آمده ام در این جائی که محل آزادی ملت است آمده می گویم کریمخان زند در صد و پنجاه سال قبل از این با ایران خدمت کرده نام او را تجدید کنید .

بنده بگویم خادم ملت هستم ولی خدمت نکنم دست حقیقت فردا را از بین می برد .
 این حقیقت کریمخانست که امروز مجلس شورای ملی بایک شوقی و با یک افتخاری و با یک سرافرازی و بایک پیشانی باز برای خدمت کردن بخادمین این رای میدهد چه عیب دارد و آن حرف شما هم گمان نمیکنم مورد داشته باشد . بواسطه این که عرض کردم تاریخ قضاوت خواهد کرد .
 بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
 کازرونی - بنده توضیح دارم .
 رئیس - در موقع مطرح شدن خود ماده ممکن است باز اظهاری بفرمائید .
 حالا صحبت راجع به فوریت است .
 آقایان کافی می دانند ؟
 رئیس - رأی می گیریم بفقوریت رهت . بنده مخالفم .
 زعیم - ماده می بیند و نتیج نظام نامه رئیس - چیست بفرمائید .
 زعیم - بفرمائید قرائت کنند رئیس - خودتان در دست دارید .
 زعیم - ماده سی پنجم - پس از آنکه بانزده نفر مذاکره طرحی را تصویب نمودند اگر طرح مزبور بکمسیون مبتکرات رجوع شد راپرت آن کمسیون باید اقلا بیست و چهار ساعت قبل از مذاکره طبع و توزیع شود و هر گاه بکمسیون مبتکرات رجوع نشده باشد روز مباحته منوط به قرارداد مجلس است و باید اقلا بیست و چهار ساعت قبل از آن طرح و توزیع شده باشد .
 رئیس - ماده هفتاد و چهارم را ملاحظه بفرمائید . جواب اعتراض جناب عالی است .
 رأی گرفته میشود بفقوریت اول یعنی يك شود . آقایانیکه تصویب میکنند قیام بفرمائید .
 (اگر نماینده آن قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شده آقای رهت .
 (اجازه)
 رهت - راجع باین طرح پیشنهادی بنده اساساً موافق هستم ولی با دو فوریتش مخالفم این لایحه دو جزه دارد . دو قسمت دارد .
 یکی راجع بقبره مرحوم کریمخان و کبلی یکی راجع بساختن یک مقبره برای اشخاصیکه خدمت بملکت میکنند .
 قسمت اول را اگر آقایان مسوق باشند و اگر خود صاحبان طرح و آقایان آقایان مسوق باشند خود دولت يك قدمهائی برداشته است و دارد بر میدارد .

رئیس - استعجاب استند احترام کردند .
 رئیس - انداختند .
 و بالاخره يك كاری که جریان طبیعی دارد که در این مجلس کاندیداها را از دستشان به قاپیم و بگویم مالین کار را می کنیم دلیل ندارد ما دوازده سیزده جلسه دیگر بیشتر نداریم . کارهای خودمان را بکنیم بهتر است .
 خود دولت که دارد این کار را کند و بنده هم چند روز قبل مطلع شدم یاد حضرت عبدالعظیم یاد نقطه دیگری میخارند يك مقبره مخصوص برای کریم خان درست میکنند . پس دولت دارد این کار را می کند . حالا پیش آمدن این قضیه از چه نظر است ؟ برای اینست که مادر افکار کمسیون ما این کار را کردیم ؟ برای حسن نیت است البته حسن نیت داریم ولی خوبست این حسن نیت را در سایر مواردی که الان مورد احتیاج است اظهار کنیم یکی دیگر اصل اساسی مقبره برای خادمین است این يك موضوع اساسی است که فوری بقدر دقتیقه نمی شود باید شكل شود گذرانند این باید بود . بکمسیون و در اطرافش مطالعه شود . چه شكل باید درود کرد در این مطلب و چه شكل باید خرج کرده که ما هم مثل فرانسه ها باینطور داشته باشیم و چه شكلی باید باینطور داشته باشیم اما این باینطور را بقدر دقتیقه نمی شود درست کرد .
 این باید بود بکمسیون مربوطه و در اطرافش مذاکره شود و حل شود . آن وقت راپرت جامعی می آید بجلسه و ما هم بی خود وقت جلسه عمومی را که باید صرف يك کار تمام شده بشود صرف يك کار تازه می کنیم اینست که بنده با دو فوریت مخالفم و بنابر این بقسمت اول که يك فوریت باشد برای دادم ولی باین قسمت استدعا می کنم از آقایان که موافقت بفرمایند بکمسیون و درست مطالعه شود و ما راجع بکریم خان خود دولت هم دارد اقدام می کند و در هر می شود .
 رئیس - آقای شیروانی .
 (اجازه)
 شیروانی - مخالفم .
 رئیس - آقای کازرونی .
 کازرونی - مطالبی که لازم بود گفته شد .
 رئیس - آقای طهراني .
 آقای شیخ محمد علی طهراني - چون این ماده مقتضی است بیک از برای مقبره مرحوم کریم خان زند و یکی دیگر نایابان ایران . به اصطلاح متجددین و با اصطلاح ما مقبره خادمین وطن لهذا ممکن است تفکیک کرد نسبت بکریم خان زند مجلس رأی بدهد البته دولت اقدام می کند راجع بیک از اراضی که متعلق به

مملکت است و باید مهم باشد و اهمیت داشته باشد این را رأی می دهم و آن یکی دیگر راهم اگر آقایان اجازه بدهند بنده حاضرم بود بکمسیون و زود تر بجلسه می آید .
 رئیس - تا تکلیف فوریتش معلوم نشود نمی شود رأی گرفت .
 رأی گرفته می شود بفقوریت آقایانیکه تصویب می کنند قیام بفرمائید .
 (عده قبلی قیام نمودند)
 رئیس - تصویب نشد . يك شور خواهد داشت . بکدام کمسیون باید ارجاع شود ؟
 يك نفر از نمایندگان کمسیون مبتکرات رئیس - کمسیون مبتکرات موضوع ندارد .
 آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقای سید یعقوب - بنده عقیده ام اینست که بکمسیون بوده بود برای این که مصارف دارد و خرج دارد و باید خرج را اصل اساسی مقبره برای خادمین است این يك موضوع اساسی است که فوری بقدر دقتیقه نمی شود باید شكل شود گذرانند این باید بود . بکمسیون و در اطرافش مطالعه شود . چه شكل باید درود کرد در این مطلب و چه شكل باید خرج کرده که ما هم مثل فرانسه ها باینطور داشته باشیم و چه شكلی باید باینطور داشته باشیم اما این باینطور را بقدر دقتیقه نمی شود درست کرد .
 رئیس - آقای کازرونی .
 کازرونی - بنده عقیده ام اینست که بکمسیون مصارف برود و در این هم گمان می کنم معلوم است و لازم نیست بنده توضیح بدهم .
 رئیس آقای یاسانی (اجازه)
 یاسانی - بنده عقیده ام اینست که این طرح راجع است بکمسیون فواید عامه زیرا که ساختن مقبره از طرف دولت مربوط است بفواید عامه و طرح هم مربوط است .
 رئیس - آقای کازرونی .
 کازرونی - این کمسیون بکمسیون بودجه که ارجاع می شود چون راجع به عمل و مکان است .
 رئیس - آقای کازرونی .
 کازرونی - این کمسیون ماهر که ایشان بيك جهتی از جهات به عهد دیگر يك ارتباطی دارند اگر از این نقطه نظر کمسیون فواید عامه در بناها و در طرف و شوارع بيك مداخلات و يك نظریاتی بایستی اعمال کنند .
 رئیس - آقای طهراني .
 آقای طهراني - این کمسیون ماهر که ایشان بيك جهتی از جهات به عهد دیگر يك ارتباطی دارند اگر از این نقطه نظر کمسیون فواید عامه در بناها و در طرف و شوارع بيك مداخلات و يك نظریاتی بایستی اعمال کنند .
 رئیس - آقای طهراني .
 آقای طهراني - این کمسیون ماهر که ایشان بيك جهتی از جهات به عهد دیگر يك ارتباطی دارند اگر از این نقطه نظر کمسیون فواید عامه در بناها و در طرف و شوارع بيك مداخلات و يك نظریاتی بایستی اعمال کنند .

برود . در هر صورت چند نفری ندارد بنده بنظر آقایانست .
 رئیس - علی ای حال آقایان موافقت می فرمایند برای اینکه در این خصوص بمذاکرات خاتمه داده شود بکمسیون مصارف و بودجه هر دو ارجاع شود .
 (گفتند صحیحست)
 رئیس - پیشنهاد آقای یاسانی (بشرح ذیل قرائت شد)
 چون امروز طرحهای قانونی جزء دستور است تقاضا دارم طرح قانونی راجع بانشاء عناوین که با بقدر فوریت تقاضا شده جز دستور شود .
 (طرح فوق بش و ذیل خوانده شد)
 نظر باینکه با ابدال کلمات و جملات مستعمله در مقام تعریف و بیان هویات اشخاص بنام عناوین و اوصاف شخصی بعدی رسیده است که غالباً مورد استهزاء واقع شده و از نقطه نظر ادبی هم نه تنها دارای لفظی نبوده بلکه مستحقین است و باید ادبیات را از شائبه تملق عاری ساخته از هر خشو زائمی که متنافی سبک انشاء جدید و ساده نویسی باشد احتراز نمود .
 و نظر باینکه شیوع استعمال کلمات و عبارات مبتقله مقدم بر اساس اشخاص با تنوعی که مخصوص به هر طبقه معمول شده و بکنی برخلاف واقع و حقیقت است در مکانات خصوصی و نوشتجات رسمی موجب زحمت فکری و حیرت رنمشی ماهر می شود و بسامت باعث تذکر و خسومت میگردد ببلایه این طرز نوشتن عناوین گویاگون و ردیف نمودن الفاظ مخصوصه به مدح برای اشخاص نالایق و غیر ممتاز اخلاقاً مضرت است و مسووب دلسردی و افسردگی دانشمندان و ارباب فضیلت می شود .
 ممکن است حس سخی و عمل را تعدیر کند و منع آن در ایران شاید يك نوع مصارف پروری محسوب گردد و علاقه مندان به تجدد و ترقی ادبیات را خشود سازد .
 نظر باینکه استعمال کلمات و الفاظ مقتضه به مقامات مقدسه بعنوان مدح اشخاص ناقابل يك نحو توهینی است به مقامات عالی و از حدود فصاحت و بلاغت هم خارج است و هر چه از مجازات دورتر شده به حقایق نزدیک تر شود .
 بهتر است و دلبستگی به صرف الفاظ از نقطه نظر ترتیب اجتماعی و مجاهدات علمی جامعه ملت را مضرت دارد .
 آنیه مقتضی نیست شرحی و تعارف بنمای حیوات اجتماعی ما باشد .
 علیهذا طرح قانونی ذیل را به قید دوفوریت پیشنهاد نموده تصویب آن را درخواست داریم .
 ماده واحده - از این تاریخ به بعد در

کلیه مکانات رسمی و شخصی اعم از امرالات و مختارات و نوشتجات و اسناد و تپوش و حوالجات و غیرها نوشتن عناوین و الفاظ بقرائز عناوین حاکی از شغل و حروفه و صفت مقدم یا مؤخر بر اسمی اشخاص باینستنی مقام اصلی سلطنت و ولایت مهور و راجع تقلید بکلی ممنوع است و فقط بکلمه (آقا) باید اکتفا شود .
 متلاً در روی پاکات نوشته شود آقای حسینخان ششدر با آقای میرزا محمد حسن موحد باضافه هر لفظی که به آن مشهور است یا معرف شخص نتواند بود .
 یعقوب الدوسوی . روحی . عبدالله . یاسانی . حسین دادگر . عبدالله معتقد . طاهری . محمد علی رضا الحسینی . علوی . دکتر امیرخان اهل . علی خطیبی سلیم . ایزدی . حسین علاه . شیخ محمد علی ثابت . شیروانی . محمد مظفری . سهراب زاده . دیواییگی . مرتضی بیات . داور . کیشرو . شاهرخ . مهدی زاهدی . شریعت زاده . اسکندری . مهرزاد . آقاخان مصرا انقلاب . سید ابراهیم ضیاء . سلیمان معسن . دکتر آقایان . دکتر حسین . بهرانی . محمد علی تهرانی . کی استوان . هانم . مفتی . وحید محمد . میرزائی . شوشتری . سهراب ساکتیان . ناصر ندامانی . حسین صدرانی . لیل . الدین . حبیباله کمالوند . سید حسن . تقی زاده . سید کاظم اتحاد . حائری زاده . رضا حکمت . اخگر . اسمعیل فشقانی . رضا افشار .
 رئیس - آقای روحی .
 روحی - موافقم .
 رئیس - فقوریتش مطرح است آقای آقا سید یعقوب .
 آقای سید یعقوب - عرضی ندارم .
 رئیس - آقای کازرونی .
 کازرونی - بنده در فقوریتش مخالفم .
 رئیس - بفرمائید .
 کازرونی - یکی از ارکان ارابه تمدن در دنیا تادب است و تعارف در جمیع ملل عالم معمول و متداول است .
 (همه موافقت نمودند)
 شیروانی - دروغی غیر راستی .
 کازرونی - اجازه بفرمائید عرض کردم تادب و تعارف است در جمیع ملل دنیا القاب باینکه کم و زیاد می معمول و متداول است مادامه تمدن لفظی نمی دانیم کجا ما میخواهیم برویم چه کارها میخواهیم بکنیم و در حقیقت هنوز ما قدم اول را در راه تمدن برنداشته ایم قبل از همه چیز می خواهیم از همه چیز خلق بشویم و همه چیز را برآورد کنیم میگویم اگر ما آن آثار و علامات و آن علیاتی که شما برای زنده گانی خودتان کرده اید نماندیم الا اینستکه

داریم که از دست می دهیم باز هم يك چیز هست . من اگر چنانچه روی پاکت بيك کسی تادباً نوشتم جناب بکسی بر می خورد ؟
 اگر آقایان فتیده شان این است که جناب . سخره است . آقا یعنی مولد . آقا یعنی سید . سید بخدا می گویند . . .
 آقا سید یعقوب - پس کسی نباید گفت .
 کازرونی - اگر شما می گویند سخره است تمام سخره ها را در کله آقا جمع کرده اید ؟ مردم را مسخره میکنند این طور است ؟ آقا یعنی سید سید یعنی مولد . مولد یعنی جناب . جناب یعنی آقا . پس مسخره می کنید مردم را ؟ آقا چرا آورده اید ؟ در هر صورت بنده با اصلش بافقوریتش باهمه چیزش مخالفم و حقیقه شان مجلس اجل از این است که اینکارها را بکند .
 رئیس - آقای روحی (اجازه)
 روحی - بدو ارجاع بفقوریت عرض می کنم که این طرح مالیاتی نیست بيك چیزی نیست که ارجاعش بکمسیون لازم باشد یا مطالبات زیاد لازم داشته باشد بنده عقیده دارم نسبت باین کار بعد از آقای القاب بهترین قدمی است که مجلس شورای ملی برداشته که این عناوین دروغی هم لغو شود .
 من به آقای کازرونی بنویسم قربانت شوم حقیقتاً قربان ایشان می شوم ؟ جز این این که دروغ گفته ام و همانطور که گفتیم تعارف جز در مشرق زمین معمول نیست و در چه بهر کسی می گویند از روی حقیقت می گویند ما هم باید کم کم همین طور عمل کنیم .
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
 (بعضی گفتند کافی نیست)
 رئیس - بعد هم در اصل خود ماده ممکن است حرف زد .
 رأی می گیریم بفقوریت اول آقایانیکه تصویب می کنند قیام بفرمائید .
 رئیس - تصویب نشد . ارجاع می شود بکمسیون مبتکرات . طرح قانونی آقای افشار راجع بشیکیل وزارت معارف به وسع معارف کمسیون مبتکرات سابق رد کرده است کمسیون مبتکرات فعلی هم رد کرده است . طرح قرائت می شود .
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۱ - ائمه عنوان وزارت معارف و تبدیل آن به وسع معارف تحت مدیریت بيك نفر مدیر مرز تحصیل کرده انتصابی به طریق ذیل .
 دولت اسامی پنج تا ده نفر اشخاص را که لایق آن مقام بمانند بمجلس پیش نهاد نموده و مجلس با اکثریت بيك از آن

هارا برای مدت ۶ سال با اختیارات لازم انتخاب می نماید .
 ماده ۲ - وضع صدی دماضاه مالیات بعنوان عوارض معارف بپسوزان هوارید مالیات های غیر مستقیم و تخصیص هواند معارف هریالات ولایت بمصارف معارف همان محل .
 ماده ۴ - رئیس دولت وقت مسئول حسن جریان موسسه مزبوره و اجرای این قانون است .
 (خبر کمسیون مبتکرات نیز بهضون ذیل خوانده شد)
 در طرح آقای افشار راجع بشیکیل وزارت معارف به وسع معارف تجدید نظر بعمل آمد کمسیون مبتکرات نظریه کمسیون سابق را تأیید و طرح مزبور را قابل توجه نمی داند .
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - باخبر کمسیون موافقم .
 رئیس - آقای دکتر آقایان .
 دکتر آقایان - موافقم .
 رئیس آقای افشار .
 افسر - موافقم باخبر کمسیون .
 رئیس - آقای تهرانی .
 تهرانی - باخبر کمسیون موافقم .
 رئیس - آقای حائری زاده .
 حائری زاده - بنده مخالفم .
 رئیس - بفرمائید .
 حائری زاده - این طرح قانونی در تاریخ ۲۴ عقرب ۱۳۰۳ که یکسال متجاوز است پیشنهاد شده در این طرح آن روزیکه پیش نهاد شد دو نظر بود بکنترلش بطور اتم و اکمل تأمین میشد که قسمت اخیر طرح باشد راجع بعارض معارفی .
 ما صدقه که برای عوارض معارفی در نظر داشتیم در ضمن قانون میزی آمدیم و هفت يك مالیات ارضی را تخصیص دادیم به وسع معارف و آن نظر تأمین شد و آن قسمت طرف مذاکرات نیست قسمت اولش مطرح است .
 آقایان تصدیق می کنند که وزارت معارف برخلاف وزارتخانه های دیگر بيك عملیاتی که امروز میکند آثار خوب پایدی اگر داشته باشد ممکنست ده سال دیگر ظاهر شود . پروگرام مدارس را اگر امروز تغییر بدهند ده سال دیگر حنه بو وزارتخانه های ما کمتر میشود توجهشان به منابع بیشتر میشود .
 یا اگر امروز مابیی در پروگرام پیدا شده ده سال دیگر مابیش در مملکت ما ظاهر می شود وزارت معارف باسیاست بیاید باسیاست برود .
 یعنی وزیرش وقتی جزه هیئت دولت شد از نقطه نظر سیاست روی این کرسی می نشیند و از نظر سیاست از روی این کرسی